



سر مقاله
این همه داوطلب برای «تدارکاتچی» شدن؟!
 هیچ کشوری نیست که هر بار صدها نفر داوطلب نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری‌اش شوند. از زنان گرفته که اصلاً طبق قانون اساسی حق رسیدن به مقام ریاست جمهوری را ندارند تا دخترک شش ساله و ثبت‌نام دسته‌جمعی یک خانواده و خیل خنده‌داری از مردان که برخی با شکل و شمایل عجیب و غریب خود را کمتر از افرادی نمی‌بینند که تا کنون بر کرسی ریاست جمهوری اسلامی تکیه زده‌اند.
 ولی وجود این همه داوطلب چه سودی برای رژیم دارد، و چرا نظام نمی‌تواند از نظر حقوقی پیشاپیش مانع ثبت نام آنها شود؟
 سود این افراد برای رژیم از یک سو نمایشی مضحک از «آزادی» است که هر کسی می‌تواند برای مقام ریاست جمهوری ثبت نام کند اگر چه ریاست جمهوری که پس از ولی فقیه، شخص دوم مملکت به شمار می‌رود، در عمل مجری اوامر و منویات ولی فقیه است. از سوی دیگر، نظارت استصوابی را توجیه و حتی ضروری می‌کند. کیست که با غربال کردن این صدها نفر برای تعیین و معرفی چند نامزد نهایی مخالفت کند؟! ولی چرا از نظر حقوقی نمی‌توان مانع ثبت نام این افراد شد؟ نگاهی به سیستم انتخاب ریاست جمهوری در کشورهایی که واقعا «جمهوری» هستند نشان می‌دهد که سیستم حزبی و روند معرفی و رقابت نامزدهای ریاست جمهوری در آنها، راه را بر چنین مسخره‌بازی‌هایی می‌بندد. جمهوری اسلامی به دلیل داشتن نظام ولایت مطلقه فقیه که با سیستم حزبی و حق مشارکت مردم در تعیین سرنویس سیاسی خود تناقض دارد، ناگزیر به استفاده از شیوهی «قیفی» است؛ به این ترتیب که خیل عظیمی ثبت نام می‌کنند، ولی نهایتاً شماری که طبق قانون می‌بایست به تایید ولی فقیه نیز برسند، از «قیف» شورای نگهبان رد می‌شوند. امکان عبور از تنگنای این «قیف» هر بار بنا بر شرایط سیاسی تغییر می‌کند به طوری که حتی افرادی که زمانی آنقدر صلاحیت داشتند که رییس جمهور هم بشوند، ممکن است دیگر از این قیف رد نشوند.
 در عین حال چه چیزی می‌توان به ماده ۳۵ قانون انتخابات کشور افزود که صدها نفر برای ثبت نام هجوم نیاورند آن هم وقتی که حتی زن‌ها نیز «رجال» را در معنی «مرد» و «مذکر» تعبیر و تفسیر نمی‌کنند! شش شرط داوطلبان از این قرار است: «رجال مذهبی، سیاسی»، «ایرانی الاصل»، «تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران»، «مدیر و مدیر»، «دارای حسن سابقه و امانت و تقوی» و «مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» باشند.
 یک نگاه به داوطلبان این مقام، چه جدی و چه برای شوخی آمده باشند، نشان می‌دهد که همگی در قد و قامت جمهوری اسلامی هستند و این صلاحیت را دارند که رییس جمهور آن بشوند و چه بسا قابل تر از آنها بی باشند که مورد تایید شورای نگهبان و «رهبر» قرار می‌گیرند. بگذریم از اینکه «مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران» بودن نیز نباید جای گله برای هیچ کدام از داوطلبان باقی بگذارد که چرا از «قیف» شورای نگهبان رد نشدند! شاید لازم باشد به آنها یادآوری کرد که شورای نگهبان و نظارت استصوابی از «مبانی» جمهوری اسلامی ایران هستند.

قدرت‌نمایی آمریکا در منطقه برای کاهش نقش روسیه و ایران



● آمریکا با هدف کم‌رنگ کردن نقش ایران به روسیه هشدار داده بین آمریکا و متحدانش و سوریه و متحدانش باید دست به انتخاب بزند.

سرویس سیاسی کیهان:

بمباران پایگاه هوایی الشعیرات، در استان حمص سوریه، با موشک‌های تام هوک از سوی آمریکا را می‌توان تغییری در سیاست کاخ سفید در خاورمیانه تلقی کرد. بسیاری از ناظران، وعده‌های دونالد ترامپ در جریان کارزار انتخاباتی مبنی بر آمریکامحور بودن سیاست‌های کاخ سفید را نوعی بی‌عملی در خاورمیانه و ادامه سیاست‌های باراک اوباما در منطقه تصور می‌کردند. برخلاف رئیس جمهوری قبلی، که با وجود خط قرمز اعلام کردن استفاده از سلاح شیمیایی از سوی رژیم اسد، زمانی که ارتش سوریه برای اولین بار اقدام به بمباران شیمیایی کرد هیچ واکنشی از خود نشان نداد، دونالد ترامپ بلافاصله پس از بمباران شیمیایی خان شیخون دست به اقدامی تلافی‌جویانه زد و شماری از جنگنده‌های میگ و سوخوی ساخت

روسیه نیروی هوایی بشار اسد را که اقدامی که بلافاصله با واکنش شدید مسکو و تهران مواجه شد. در جریان بمباران شیمیایی خان شیخون ۸۷ نفر، از جمله ۲۸ کودک، جان خود را از دست دادند.
تفسیر سیاسی هفته رادر صفحه ۲ بخوانید

حقیر شمردن نهادی به نام ریاست جمهوری



ثبت‌نام متقاضیان شرکت در دوازدهمین دور انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در ایران از روز دوشنبه، ۲۲ فروردین‌ماه (۱۱ آوریل) به مدت ۵ روز در ستاد انتخابات کشور آغاز شد. ثبت‌نام چند چهره معروف در سه روز نخست ثبت‌نام باعث شد بازار خبرهای مربوط به متقاضیان گرم شود. مصطفی میرسلیم، نامزد حزب مؤتلفه اسلامی و وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی، از اولین چهره‌های شناخته‌شده‌ای است در نخستین روز برای نامزدی ثبت‌نام کرد. میرسلیم گفت: «من آمده‌ام تا سهم شما را از سفره پربرکت انقلاب بگیرم و به شما برسانم. من امروز نیامده‌ام تا حقوق نجومی بگیرم.» در صفحه ۲

پدیده‌ای به نام محمود احمدی نژاد نظام را یک تنه به زیر می‌کشد؟

در این شماره می‌خوانید

صفحه ۳	● واکنشگتن پست: ایران و روسیه به دنبال تقویت طالبان در افغانستان هستند
صفحه ۴	● ادب از که آموختی؟ از موشک‌های کروژ!
صفحه ۵	● تک مضراب! - آوازه
صفحه ۶	● بررسی ناآرامی در سیستان و بلوچستان پس از یک بازداشت روحانی اهل سنت
صفحه ۷	● ایران و قربانیان انفجار مین در سال ۱۳۹۵
صفحات ۸ و ۹	● «زن روز» و «مرد روز»
صفحه ۱۲	● دوقرن فرازونشیب مطبوعات در ایران (۱۴) - احمد احرار
صفحه ۱۳	● زمین‌ه واقعی هم‌رانی ملی - داریوش همایون
صفحه ۱۴	● سرگرمی - جدول - سودوکو
صفحه ۱۵	● قوام السلطنه، مردی که نمی‌توان نادیده‌اش گرفت (۵)
صفحه ۱۵	● سخنگوی قوه قضائیه: اتهام ادمین‌های تلگرامی بازداشت شده ضد امنیتی است

فدراسیون جهانی بسکتبال: دختران بسکتبالیست ایران باز هم صبر کنند

مسابقات مقدماتی قهرمانی بانوان آسیا ایران ۱۲ سوریه صفر

مدیرعامل باشگاه ذوب آهن: فوتبال ما «شتر، گاو، پلنگ» است

معاون وزارت خارجه: بعضی فدراسیون‌ها از نوشتن یک نامه صحیح عاجزند

برلسکونی، میلان را به چینی‌ها فروخت

پنجاه درصد ازدواج‌ها در تهران به جدائی می‌انجامد

در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684

Fax: 0044(0)20 3633 3685

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید:

کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید

www.kayhan.london

email: ads@kayhan.london

قدرت‌نمایی آمریکا در منطقه برای کاهش نقش روسیه و ایران

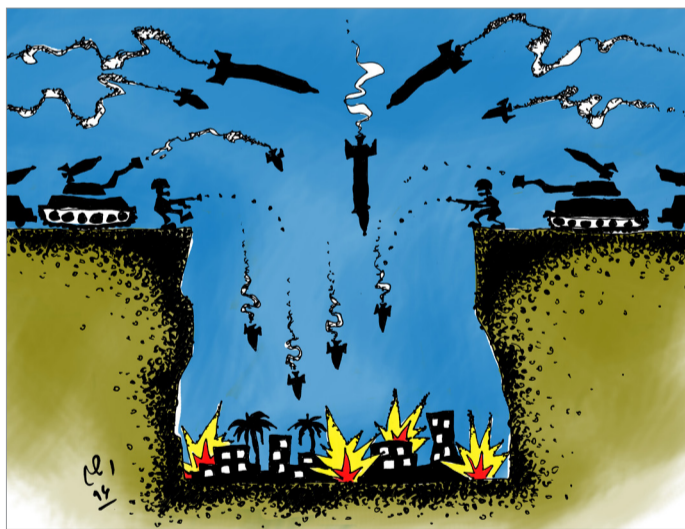
● آمریکا با هدف کمرنگ کردن نقش ایران به روسیه هشدار داده بین آمریکا و متحدانش و سوریه و متحدانش باید دست به انتخاب بزند.

متحدان غربی‌اش را به‌طور جدی نگران ساخته بود، پس از دیدار اخیرش با یونس استولتنبگ، دبیرکل این نهاد، تغییر عقیده داد و انتقادهای خود را در درخواست حمایت مالی بیشتر کشورهای عضو در پیمان آتلانتیک در خاتمه دیدار با یونس استولتنبگ، رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد که تهدید تروریسم اهمیت این ائتلاف را پررنگ‌تر کرده است و از ناتو خواست تلاش‌های خود را برای کمک به



شرکای آمریکا در عراق و افغانستان و مبارزه با تروریسم در سوریه افزایش دهد. وتوی روسیه علیه قطعنامه‌ای که بریتانیا در رابطه با بمباران شیمیایی در سوریه به شورای امنیت ارائه داده بود، غرب را متقاعد ساخت که باید خارج از چارچوب سازمان ملل متحد دست به اقدامی برای پایان بخشیدن به جنگ سوریه بزند. روسیه تا کنون ۸ قطعنامه در رابطه با سوریه را در شورای امنیت وتو کرده است.

ترامپ خواهان ورود ناتو به بحران سوریه است
سخنان دونالد ترامپ پس از دیدار با دبیرکل پیمان آتلانتیک مبنی بر «تلاش ناتو برای پایان دادن به جنگ خونین در سوریه و شکست



تروریست‌ها» را بسیاری از ناظران دعوت از ناتو به ورود به جنگ سوریه برای پایان دادن به آن تعبیر می‌کنند. اقدامی که البته بخشی از هزینه‌های آن گویا باید توسط کشورهای چپ‌ساز و پادشاهی سعودی تامین شود که در این پیمان حضور ندارند. امری که در تاریخ ۶۸ ساله این پیمان نظامی بی سابقه است.

حضور دیپلمات‌های برخی از کشورهای منطقه چون پادشاهی سعودی، ترکیه، امارات متحده عربی، اردن و مصر در نشست وزرای خارجه «گروه هفت» در ایتالیا، حکایت از تلاش‌های غرب برای همکاری بیشتر با برخی از کشورهای منطقه برای حل بحران‌های خاورمیانه دارد. برخی از کارشناسان بین‌المللی حضور دیپلمات‌های این کشورها را که از آنها با عنوان «ناتوی عربی» یاد می‌شود، تنها در رابطه با بحران سوریه قرار نمی‌دهند. این کارشناسان معتقدند که حضور دیپلمات‌های این کشورها به نوعی یک هشدار به جمهوری اسلامی ایران نیز باید تلقی شود.

«حمله چکشی»
آمریکا خود را آماده ورود به بحران دیگری در منطقه نیز می‌کند. در

حقیر شمردن نهادی به نام ریاست جمهوری

● صف طولانی از افراد پیر و جوان، بی‌کار و بی سواد که داوطلب ریاست دولت در ایران امروز هستند بدون شک نشانه‌ی کوچک شدن قامت رئیس دولت زیر سایه‌ی نظام اسلامی است که بویی از جمهوریت نبرده است.

ثبت‌نام متقاضیان شرکت در دوازدهمین دور انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در ایران از روز دوشنبه، ۲۲ فروردین‌ماه (۱۱ آوریل) به مدت ۵ روز در ستاد انتخابات کشور آغاز شد. ثبت‌نام چند چهره معروف در سه روز نخست ثبت‌نام‌ها باعث شد بازار خبرهای مربوط به متقاضیان گرم شود. مصطفی میرسلیم، نامزد حزب مؤتلفه اسلامی و وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی، از اولین چهره‌های شناخته‌شده‌ای است در نخستین روز برای نامزدی ثبت‌نام کرد. میرسلیم گفت: «من آمده‌ام تا سهم شما را از سفره پربرکت انقلاب بگیرم و به شما برسانم. من امروز نیامده‌ام تا حقوق نجومی بگیرم.»

قاسم شعله سعدی، نماینده پیشین مجلس و وکیل دادگستری، نیز که تا چند روز پیش از آغاز مهلت ثبت‌نام در پاریس بسر می‌برد به ایران رفته و روز سه‌شنبه، ۲۳ فروردین‌ماه، برای نامزدی ریاست جمهوری ثبت‌نام کرد. گفتنی است شعله سعدی در سال‌های گذشته به جرم تبلیغ علیه نظام و توهین به رهبر جمهوری اسلامی در ایران زندانی بوده است.

در همان روز مهدی خزعلی، فرزند آیت‌الله خزعلی، که سال‌هاست در رکاب اصلاح‌طلبان به فعالیت مشغول است با حضور در وزارت کشور ثبت‌نام کرد. او گفت: «با تمام جهان باید تنش‌زدایی شود و رابطه تعامل مثبت دوجانبه برقرار شود. با کسی که مدعی است ما طلبکاریم قهر نمی‌کنیم.» محمد غرضی، وزیر پیشین پست، تلگراف و تلفن و نماینده اولین دوره مجلس شورای اسلامی از اصفهان و مصطفی هاشمی طبا، وزیر پیشین صنایع و رئیس پیشین کمیته ملی المپیک ایران هم از جمله افرادی بودند که برای شرکت در انتخابات نام‌نویسی کرده‌اند.



امیراحمدی، رئیس شورای ایرانی آمریکایی و استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه راتگرز آمریکا (دانشگاه ایالتی نیوجرسی) و مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه این دانشگاه است. هوشنگ امیراحمدی در سال‌های گذشته برای بهبود روابط جمهوری اسلامی و آمریکا فعالیت‌های زیادی انجام داده و به گفته‌ی خودش با مقام‌های دو کشور تماس داشته است.

دهان کچی به رهبر جمهوری اسلامی
در این میان یکی از ثبت‌نام‌های خبرساز که حتی در رسانه‌های خارجی و غیر فارسی‌زبان نیز بازتاب زیادی داشت از سوی محمود احمدی‌نژاد بود. محمود احمدی‌نژاد، رئیس دولت‌های نهم و دهم از سال پیش تحرکاتی با هدف زمینه‌سازی برای ورود به کارزار انتخابات ریاست جمهوری انجام داد. اما با جدی شدن بحث ورود وی به انتخابات، علی‌خانه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی وارد صحنه شد و از او خواست که در انتخابات شرکت نکند. خواسته‌ای که به عنوان «توصیه به برادر مؤمن» نیز از پشت‌تربوین توسط رهبر جمهوری اسلامی مطرح شد. پس

ثبت‌نام داوطلبان، چهره‌های قابل توجه دیگری نیز مطرح شوند. بر اساس قوانین جمهوری اسلامی پس از پایان مهلت ثبت‌نام متقاضیان، شورای نگهبان بین ۵ تا ۱۰ روز فرصت دارد تا صلاحیت نهایی نامزدها را تأیید کند که همان نیز باید مورد تأیید ولی فقیه باشد. در سال ۹۲ و برای انتخابات دولت یازدهم چهره‌هایی چون اکبر هاشمی رفسنجانی، اسفندیار رحیم مشایی، مسعود پزشکیان، علی فلاحیان، علیرضا زاکانی، منوچهر متکی و قاسم شعله سعدی توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند.

از دختر خردسال تا کلاه شاپو

جدا از چهره‌های حکومتی که با هدف جنگ قدرت برای انتخابات



ریاست جمهوری ثبت‌نام کرده و در شرایطی که سیاستمداران مخالف نظام در رقابت‌های انتخاباتی در ایران ندارند، حضور صدها متقاضی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نیز همواره قابل تامل است زیرا هر بار این اتفاق می‌افتد.

صف طولانی از افراد پیر و جوان، بی‌کار و بی سواد که داوطلب ریاست دولت در ایران امروز هستند بدون شک نشانه‌ی کوچک شدن قامت رئیس دولت زیر سایه‌ی نظام اسلامی است که بویی از جمهوریت نبرده است.

در این ماجرا که هر چهار سال یک بار تکرار می‌شود، هجو و ریشخند نظام به جایی رسیده که پدری، با استناد به نبود شرط سنی برای متقاضیان ریاست جمهوری، دست دختر خردسال‌اش را گرفته و به ستاد انتخابات کشور رفته تا دخترک را برای انتخابات ریاست جمهوری نامزد کند. متقاضی دیگری می‌گوید در صورت ریاست جمهوری کشت خشکاش را در ایران آزاد می‌کند و دیگری با سبیلی کلفت و موهایی فرفری در مقابل خبرنگاران می‌ایستد و می‌گوید از اینکه کارمندان ستاد انتخابات کشور کلاه شاپو و لنگاش را موقع ورود به ساختمان ستاد انتخابات از او گرفته‌اند عصبانی است و تهدید می‌کند در صورت برنده شدن در انتخابات، وزارت کشور تاوان این حرکت را پس خواهد داد.

شماری از زنان نیز در دوره‌های اخیر داوطلب مقام ریاست قوه مجریه می‌شوند در حالی که هم طبق قانون و هم به تصریح وزات کشور، نه تنها «رجال» شامل زنان نمی‌شود بلکه اگر هم می‌شد، هیچ کدام از این داوطلبان شرط دیگر، یعنی «رجل مذهبی و سیاسی» بودن را ندارند! به هر روی، سیرک سرگرم‌کننده‌ای است که به نظر می‌رسد با هدایت حکومت برای پنج روز به نمایش عمومی گذاشته می‌شود و این متقاضیان خاص، مورد توجه ویژه صدا و سیما رژیم و رسانه‌های مختلف قرار می‌گیرند. البته با اینکه شورای نگهبان هم همواره از این همه متقاضی ابراز نارضایتی کرده، ولی به نظر می‌رسد تنها پاسخی که می‌توان برای این نمایش مضحک یافت، همانا توجیه نظارت استصوابی باشد.

تلاش ایتالیا و آلمان برای گسترش مبادلات تجاری با ایران



زیگمار گابریل وزیر امور خارجه آلمان و فدریکا موگرینی (ایتالیا) مسوول ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در نشست جی ۷، ۱۰ آوریل ۲۰۱۷

کشاورزی و فرآورده‌های پتروشیمی است. در ۱۸ ماه گذشته بیش از ۳۰ هیات اقتصادی مهم از آلمان، با هدف گسترش روابط اقتصادی و افزایش حجم مبادلات، به جمهوری اسلامی سفر کرده‌اند. هدف سفر این هیات‌ها به ایران، افزایش مبادلات تجاری بین دو کشور تا پایان سال ۲۰۱۷ میلادی تا سقف ۱۰ میلیارد یورو است.

مهم‌ترین مشکل بر سر راه افزایش مبادلات تجاری بین دو کشور، عدم همکاری بانک‌ها است. گودرز محبوبی، مدیر ایرانی تبار شرکت آلمانی Axxessio صحبت از چهار مشکل اساسی در گسترش روابط تجاری بین دو کشور می‌کند. اولین این مشکل‌ها وجود تحریم‌هایی است که چون در رابطه با برنامه اتمی جمهوری اسلامی وضع نشده‌اند، با امضای برجام نیز حذف نشدند. مشکل دوم بدهکاری ایران به بیمه‌های دولتی چون هرمس آلمان و یا ساچه ایتالیا است.

مشکل تهیه وام برای شرکت‌های آلمانی که قصد تجارت با ایران را دارند، مشکل دیگری است که گودرز محبوبی به آن اشاره می‌کند. بسیاری از نهادهای مالی از بیم تصویب تحریم‌های جدید،

سراسر افزایش قابل توجهی داشته است. بر اساس قرارداد جدید شرکت ملی نفت ایران با شرکت انی، روزانه بین ۶۰ تا ۱۰۰ هزار بشکه نفت خام بنادر ایران را به مقصد ایتالیا ترک خواهد کرد. شرکت انی ۱۴.۵ درصد از بهای این نفت را بابت بازپرداخت سرمایه‌گذاری‌های گذشته‌اش در فازهای یک و دو حوزه نفتی دارخوین برداشت خواهد کرد. ۸۵.۵ درصد دیگر نیز پستوانه‌واردات ایران از ایتالیا خواهد بود. البته واردات ایتالیا از ایران تنها به حوزه نفت خلاصه نمی‌شود. به عنوان مثال واردات فیبر مصنوعی از ایران نیز ۴۰۲.۸ درصد افزایش داشته است. یکی دیگر از زمینه‌های همکاری اقتصادی بین ایران و ایتالیا که در ماه‌های قبل آغاز شده و تا کنون نتایج قابل توجهی نیز داشته، در بخش مصرفی است. بسیاری از برندهای معروف ایتالیا در ماه‌های گذشته نمایندگی‌هایی در ایران باز کردند. از جمله می‌توان به دولچه گابانا، پیکاردو، امنجیلدو زینا و روبرتو کاولی اشاره کرد. بسیاری دیگر نیز چشم طمع به بیش از ۴۰۰ مرکز خرید موجود، و ۱۰۰ مرکز دیگر که در حال ساختمان

● روابط تجاری ایران و ایتالیا در سال ۲۰۱۶ میلادی افزایشی بیش از ۱۷ درصد داشته است.

● آلمان تلاش دارد مبادلات تجاری خود با جمهوری اسلامی را به ۱۰ میلیارد یورو برساند.

● عمده ترین مشکل گسترش روابط اقتصادی با جمهوری اسلامی عدم همکاری بانک‌ها است.

احمد رأفت - در آخرین نشست وزرای خارجه کشورهای عضو جی ۷، یا ۷ قدرت اقتصادی جهان، پیشنهاد تحریم‌های جدید علیه روسیه به دلیل بمباران شیمیایی خان شیخون، که بوریس جانسون، وزیر خارجه بریتانیا، مطرح کرده بود، مورد قبول واقع نشد. ایتالیا و آلمان دو کشوری بودند که به شدت با تحریم روسیه مخالفت کردند.

دلیل مخالفت سرسخت وزرای خارجه ایتالیا و آلمان با پیشنهاد تحریم روسیه بی دلیل نبود. مطرح شدن تحریم‌ها علیه روسیه به خاطر مسئولیت این کشور در بمباران شیمیایی خان شیخون، می‌توانست پای جمهوری اسلامی را نیز به میان بکشد. مسئولیت جمهوری اسلامی در بمباران شیمیایی خان شیخون کمتر از روسیه نیست و بعید به نظر می‌رسد که بتوان یکی از حامیان و شرکای بشار اسد را تشبیه کرد و دیگری را کاملاً از مسئولیت‌هایش مبرا ساخت.

ایتالیا و آلمان در اتحادیه اروپا با تحریم روسیه در پیامد وقایع اوکراین هرگز مخالفت نکردند و مخالفت آنها با تحریم پیشنهادی بریتانیا که از حمایت آمریکا و کانادا نیز برخوردار بود، تعجب



اعضای گروه جی ۷، ایتالیا ۱۰ آوریل ۲۰۱۷

به ویژه از سوی آمریکا، از دادن وام به شرکای تجاری جمهوری اسلامی خودداری می‌کنند. مشکل چهارم و آخر، عدم همکاری بانک‌های مهم اروپایی است. جریمه‌های بالایی که برخی از بانک‌های آلمان، فرانسه و بریتانیا در زمان تحریم‌ها به خاطر همکاری با جمهوری اسلامی پرداختند، و هراس از اجبار به پرداخت جریمه‌های جدیدی به خزانه‌داری آمریکا، چهارمین مشکل در گسترش روابط اروپا با ایران است. ورنر اشتاین مولر، از مدیران دوپچه بانک به خبرگزاری رویترز می‌گوید «ما در رابطه با ایران به شدت محتاط هستیم، و تازمانی که بانک‌های آمریکایی اجازه معامله با جمهوری اسلامی را نداشته باشند، اوضاع تغییر چندانی نخواهد کرد».

هستند، بسته‌اند. گردش پول در مراکز خرید جمهوری اسلامی، بنا بر آمار اتاق بازرگانی ایران و ایتالیا، بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار در سال و در حال رشد است. ایتالیا که در زمینه پوشاک، مواد غذایی و مبل‌مان در سطح جهانی شهرت دارد، در نظر دارد حضور خود در مراکز خرید را با سرمایه‌گذاری‌ها قابل توجهی گسترش دهد.

● آلمان، شریک مهم ایران در اروپا
حجم مبادلات اقتصادی جمهوری اسلامی با آلمان نیز در سال گذشته میلادی افزایشی حدود ۲۰ درصد داشته است. واردات ایران از آلمان بخش‌های مختلفی را در بر می‌گیرد، از ماشین‌آلات صنعتی تا مواد غذایی. آلمان به نوبه خود واردکننده محصولات صنایع غذایی، محصولات

بسیاری برانگیخت. دلیل مخالفت این دو کشور را باید در روابط اقتصادی گسترده‌شان با جمهوری اسلامی، چه قبل از تحریم‌ها و چه بعد از امضای برجام، جستجو کرد.

● هوایم‌های ایتالیایی برای ایران
قراردادی که همین روزها شرکت هوایم‌های ای تی آر ATR با شرکت ایران ایر برای فروش ۲۰ هوایم‌ها به ارزش ۵۳۶ میلیون دلار، نهایی شد، جدیدترین دلیل تلاش ایتالیا برای لطمه وارد نکردن به روابط اقتصادی‌اش با جمهوری اسلامی است. البته گفتگو‌هایی با شرکت ای تی آر خرید ۲۰ فروند دیگر نیز در جریان است. در سال‌های قبل از سخت شدن تحریم‌ها، ایتالیا و آلمان مهم‌ترین شرکای تجاری جمهوری اسلامی در اتحادیه اروپا بودند. با پایان تحریم‌ها، ده‌ها هیات اقتصادی دو کشور وزرای‌شان را در سفر به جمهوری اسلامی همراهی کردند.

در سال ۲۰۱۶ میلادی، با پایان تحریم‌ها، حجم مبادلات اقتصادی ایتالیا با جمهوری اسلامی رشدی ۱۷.۴ درصدی نسبت به سال قبل داشته است. پیش‌بینی می‌شود که در سال جاری میلادی نیز جهش ۲۰ درصدی دیگری داشته باشد. در برخی از بخش‌ها افزایش حجم صادرات ایتالیا به ایران واقعا چشمگیر بوده است. به عنوان مثال می‌توان از افزایش ۳۲.۳ درصدی صادرات ماشین‌آلات صنعتی صحبت کرد.

● ایتالیا خریدار نفت ایرانی

واردات ایتالیا از ایران نیز در سال جاری با دو قرارداد جدید نفتی، با شرکت دولتی انی و شرکت خصوصی

واشنگتن پست: ایران و روسیه به دنبال تقویت طالبان در افغانستان هستند

در کابل، هلمند، ارزگان و هرات همه ادعاهای مشابهی داشته‌اند. حیات‌الله حیات، والی ولایت هلمند در جنوب افغانستان، لیستی از سلاح‌هایی تهیه کرده که شورشیان از روسیه و ایران گرفته‌اند که مین‌های زمینی، تفنگ‌های تک‌تیرانداز، نارنجک‌انداز و خمپاره‌های ۸۲ میلی‌متری را شامل می‌شود.

حیات می‌گوید: «هیچ تردیدی نیست» که این دو کشور به طالبان کمک می‌کنند. وی به گزارش‌های

حمایت می‌کند». با وجود اینکه ایران و روسیه اکنون به نظر می‌رسد به متحد گروه سنی افراط‌گرا مثل طالبان تبدیل شده‌اند، ولی زمانی هر دو آنها از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ توسط آمریکا حمایت کرده‌اند. مدت‌هاست که این دو کشور حضور آمریکا در افغانستان را تهدیدی برای کشورهای خود تلقی می‌کنند.

محمد اکرم عارفی، استاد ایرانی علوم سیاسی در دانشگاه کاتب کابل می‌گوید: «ایران نگران است که

● نگرانی سیاستمداران افغانستان تقویت طالبان در افغانستان تحت نفوذ ایران و روسیه است.

● روسیه می‌خواهد از طالبان به عنوان سدی در برابر قدرت‌گیری داعش استفاده کند.

اندکی پیش از آنکه بزرگترین بمب غیراتمی آمریکا (بمب مادر)



حدود ۳۹۰ ولسوالی (فرمانداری) در سراسر افغانستان، ۱۱ ولسوالی به صورت کامل در تصرف گروه طالبان قرار دارد

نیروهای آمریکایی در افغانستان، نهایتاً به رویارویی ارتش‌های این دو کشور منجر شود. ضمن اینکه ایران با نفوذ در افغانستان در پی احیای قدرت خود در منطقه است و حضور آمریکا مانع چنین نفوذی خواهد شد».

روسیه افغانستان را بخشی از حوزه نفوذ خود در آسیای مرکزی می‌داند، آنها معتقدند طالبان سدی محکم در برابر ظهور دولت اسلامی است. شاخه‌ی محلی داعش حملات مرگباری را در افغانستان انجام داده و به دنبال آن است که پایگاه خود را از شرق افغانستان فراتر ببرد.

● کمک‌های نظامی و پولی ایران و روسیه به طالبان

روسیه افغانستان را بخشی از حوزه نفوذ خود در آسیای مرکزی می‌داند، آنها معتقدند طالبان سدی محکم در برابر ظهور دولت اسلامی است. شاخه‌ی محلی داعش حملات مرگباری را در افغانستان انجام داده و به دنبال آن است که پایگاه خود را از شرق افغانستان فراتر ببرد.

ایران و روسیه متهم به ارسال کمک‌های نظامی و پولی به طالبان هستند، اما هر دو آن را رد کرده‌اند (گزارش کیهان لندن درباره کمک‌های تسلیحاتی ایران و روسیه به طالبان). سفارت روسیه در کابل در هفته‌ی جاری در بیانیه‌ای گفته است که چنین ادعایی «دعایی پوچ» برای منحرف کردن افکار عمومی از شکست ماموریت آمریکا و ناتو در افغانستان است. این ادعا «در ادامه‌ی اتهامات بی‌پایه و اساس علیه سوریه درباره‌ی حمایت از طالبان است».

به نوشته‌ی واشنگتن پست، یک سخنگوی طالبان نیز این اتهامات را

در افغانستان منفجر شود، روزنامه‌ی واشنگتن پست در گزارشی نوشت که با بالا گرفتن تنش‌ها میان ایالات متحده از یک سو و ایران و روسیه در سوی دیگر در بحران سوریه، مقامات افغان نگران هستند که آتش این اختلاف‌ها، فرصت‌های صلح در افغانستان را بسوزاند. سال‌هاست که ایران و روسیه، آمریکا را تحت فشار می‌گذارند تا از افغانستان عقب‌نشینی کند.

مقامات آمریکایی و افغان می‌گویند ایران و روسیه، با توسعه‌ی روابط خود با طالبان و تضعیف دولت افغانستان، با قدرت گرفتن آمریکا در در این کشور مقابله می‌کنند.

اکنون که به نظر می‌رسد کاخ سفید فاقد سیاست روشن در قبال افغانستان است و طالبان در حال پیشروی است، ایران و روسیه نیز حمایت‌های خود را از شورشیان افزایش داده‌اند و در حال کنار زدن آمریکا از دیپلماسی منطقه‌ای هستند.

فرمانده ارشد نیروهای آمریکایی در افغانستان، ژنرال جان نیکلسون جونیور در اظهاراتی در ماه فوریه گفته روسیه «در حال مشروعیت بخشی عمومی به طالبان» است و اقدامات اخیر روسیه و ایران در افغانستان «در پی تضعیف ایالات متحده و ناتو» است. ایالات متحده در حال حاضر تقریباً ۸۴۰۰ سرباز در افغانستان دارد که بسیاری از آن بخشی از ماموریت ناتو



اواسط ماه مارس دولت افغانستان گزارش داد که روسیه از طالبان خواسته به صلح دولت‌محور در افغانستان بیبوند

نادرست خوانده است. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان در مصاحبه‌ای تلفنی گفته است: «ارتباط ما با روسیه صرفاً برای اهداف سیاسی و دیپلماتیک است». او درباره‌ی احتمال حضور نمایندگان طالبان در مذاکرات مسکو اظهار نظری نکرد.

این در حالیست که مقامات ایالات متحده و افغان می‌گویند رابطه روسیه و ایران با طالبان فراتر از دیپلماسی صرف است.

برای کمک به نیروهای افغان هستند. بقیه نیرو‌هایی هستند که در عملیات ضدتروریستی برای هدف قرار دادن القاعده و نیروهای محلی دولت اسلامی (داعش) در حال فعالیت هستند. نیکلسون گفت ایران و روسیه می‌کوشند از شورشیان طالبان حمایت کنند و روسیه این هدف را «در یک سال گذشته قاطعانه‌تر پیگیری کرده است».

وی ادامه داد: «ما می‌دانیم که بین ایران و روسیه در افغانستان ارتباط و گفتگو وجود دارد» و ایران که مرز مشترک زیادی با افغانستان دارد در غرب این کشور، «مستقیماً از طالبان

دارالترجمه بین المللی شریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

ادب از که آموختی؟ از موشک‌های کروز!



دیدار علی خامنه‌ای و فرماندهان نظامی رژیم روز یکشنبه بیستم فروردین ۱۳۹۶

اشاره به این مسائل، تاکید کرده یکی از نشانه‌های بی‌اعتمادی ایران به روسیه عدم صدور مجوز برای ادامه‌ی استفاده جنگنده‌های روسیه از پایگاه هوایی همدان است. عدم استفاده روس‌ها از خاک ایران برای انجام مأموریت در سوریه از توان رزمی در پشتیبانی از بشار اسد را بسیار کاهش داد.

از طرفی پس از حمله آمریکا به سوریه در ایران دو فرضیه مطرح شده است. اول اینکه پدافند دفاعی ارتش سوریه به‌مجهز به سیستم‌های S300 و S400 روسی برنامه‌ریزی شده در مقابل ۵۹ موشک «کروز تام هاک» آمریکا واکنش نشان نداد. دومین فرضیه درباره توانایی این سیستم موشکی در برابر موشک‌های آمریکایی است که از شناسایی آنها عاجز بود. آن هم در حالی که رژیم تهران پس از حدود ۱۰ سال تاخیر، سیستم دفاع موشکی S300 را از روسیه تحویل گرفت و آن را برای دفاع از تاسیسات حساس خود به کار بست.

به این ماجرا باید تردید در عملکرد سیستم‌های پدافند روسی ارتش بشار اسد پس از جمله‌ی جنگنده‌های اسرائیل به کاروان حمل سلاح متعلق به حزب‌الله در سوریه را اضافه کرد. اینها مسائلی است که بر نگرانی حکومت ایران از آینده و در برابر آمریکای ترامپ که ظاهراً با آمریکای اوپاما متفاوت است و روسیه‌ای که قابل اعتماد نیست، به شدت افزوده است. شاید برای همین است که علی خلیفه‌ای صراحتاً به فرماندهان نظامی خود گفت باید با توکل بر خدا و اعتماد به نفس، جلوی تضعیف روحیه مردم، و نیروهای مسلح را گرفت.

● توکل بر خدا و حفظ اعتماد به نفس، نسخه‌ی خامنه‌ای برای فرماندهان ارتش و سپاه پس از حمله آمریکا به سوریه.

دو روز پس حمله‌ی موشکی آمریکا به پایگاه الشعیرات در سوریه مقامات بلندپایه ارتش و سپاه به دیدار علی خامنه‌ای رهبر رژیم ایران رفتند و او به آنها گفت دشمن برای تضعیف روحیه مردم، مستولان و نیروهای مسلح و القای روحیه «نمی‌شود و نمی‌توانیم»، برنامه دارد ولی نیروهای مسلح باید با توکل بر خدا و اعتماد به نفس، روز به روز توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود را افزایش دهند و با ابتکار و همت بلند، کمبودها و خلاء را جبران کنند.

او در بخشی از اظهارات‌اش در ارزیابی حمله‌ی اخیر آمریکا به مواضع نظامی رژیم بشار اسد گفت: «کاری که آمریکایی‌ها کردند، اشتباه و خطایی راهبردی است و آنها در حال تکرار خطای گذشتگان خود هستند». واکنش او به حمله‌ی نظامی آمریکا به سوریه پس از ۴۸ ساعت سکوت دست‌مایه‌ی طنز در شبکه‌های اجتماعی شد.

یکی از کاربران پر مخاطب توئیتر با نام بابک نوشته است نقد عملکرد آمریکا، از «غلط زیادی» رسید به

حساب کار دست‌اش آمده که ترامپ هرگز اوپاما نیست. روز دوشنبه ۱۰ آوریل رژیم ایران و روسیه در بیانیه‌ای مشترک به آمریکا هشدار دادند حمله به سوریه بی‌پاسخ نخواهد ماند. در این بیانیه گرچه تاکید شده که این حمله عبور ایالات متحده از خط قرمزهاست، اما هیچ اشاره نشده که پاسخ دو متحد رژیم بشار اسد به آمریکا چه خواهد بود.

با این حال این یک روی ماجراست، گرچه ایران همسو با روسیه اقدام نظامی آمریکا را محکوم کرد، اما کارشناسان از یک بی‌اعتمادی بزرگ میان ایران و روسیه می‌گویند؛ آیا جمهوری اسلامی ایران تمام و کمال



تاسیسات پایگاه الشعیرات بعد از حمله‌ی آمریکا آسیب جدی دید و گزارش شد که تقریباً تمام زیرساخت‌های این پایگاه نابود شده و اکثر هواپیماهای آن از بین رفته است

برای همکاری با روسیه در میدان سوریه وارد عمل شده یا نه؟ یا خشم ایران از بی‌اعتمادی نسبت به روس‌ها که ریشه در دل تاریخ و سلطه‌گری این کشور دارد تا چه اندازه در بی‌اعتمادی تهران و مسکو تاثیر داشته است؟ نیویورک تایمز در گزارشی با

«خطای راهبردی»، فرزانه‌ای را گفتند «ادب از که آموختی؟ گفت از موشک‌های کروز آمریکا». عقب‌نشینی مقامات بلندپایه‌ی رژیم به ویژه فرماندهان سپاه و تغییر لحن علی خامنه‌ای این فرضیه را تقویت می‌کند که تهران پس از حمله‌ی اخیر،

«آمد نیوز» پس از اعلام وخیم بودن حال خامنه‌ای و نقشه‌ی احمدی‌نژاد برای ریاست جمهوری مسدود شد



یک منبع پزشکی موقت: وضعیت پزشکی رهبری به شدت وخیم است ترس نظام از جریان انحرافی در دوران پساخامنه‌ای



شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و در بین مخاطبان بازتاب فراوان یافت. از سوی دیگر منتظری، دادستان کل کشور ساعاتی پیش از آن در جریان بازدید از ستاد انتخابات کشور در جمع خبرنگاران درباره فعالیت ستاد پیشگیری از تخلفات انتخاباتی، اظهار کرد: «این ستاد در تهران و



احمدی نژاد و مشایی

استان‌ها فعال است و ما از طریق این ستاد فضای مجازی و حقیقی را رصد می‌کنیم. امیدواریم تخلفی انجام نشود اما اگر تخلفی انجام شود با آن برخورد می‌کنیم».

«آمد نیوز» به نقل از یک منبع نزدیک به گروه پزشکی رهبر جمهوری اسلامی با وخیم گزارش کردن وضعیت عمومی آیت‌الله خامنه‌ای گزارش داده است: «درمان‌های جدید در مداوای سرطان ایشان دیگر جواب‌گوی روند درمانی وی نیست و به نظر نمی‌رسد رهبری تا پایان سال جاری بتواند در برابر بیماری سرطان پروستات خود مقاومت کند». به گزارش آمدنیوز، این منبع مرتبط با تیم پزشکی بیت رهبری ضمن اعلام خبر فوق افزود: «هر چند که تیم

● یک منبع نزدیک به گروه پزشکی رهبر جمهوری اسلامی با وخیم گزارش کردن وضعیت عمومی علی خامنه‌ای به «آمدنیوز» گفته است: به نظر نمی‌رسد رهبری تا پایان سال جاری بتواند در برابر بیماری سرطان پروستات خود مقاومت کند. ● بیشترین نگرانی نظام در دوران پس از خامنه‌ای، ترس و حامیان است که «جریان انحرافی» خوانده می‌شوند.

در دومین روز از ثبت نام داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم و در شرایطی که احمدی نژاد با وجود منع رهبر جمهوری اسلامی وارد عرصه انتخابات شده است، سایت خبری «آمدنیوز» که گفته می‌شود یک سایت امنیتی است و برخی اطلاعات را به صورت هدفمند درز می‌دهد، از وخیم بودن حال علی خامنه‌ای خبر داد.

«آمد نیوز» پس از پرداختن به بیماری علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، و وخیم اعلام کردن حال وی نوشت: «سران تیم احمدی‌نژاد (موسوم به جریان انحرافی) ممکن است در صورتی که در انتخابات خویشت دست نیابند و با توجه به منابع مالی هنگفتی که در دوران هشت ساله صدارت محمود احمدی‌نژاد به دست آورده‌اند، مصمم شوند که پس از مرگ رهبری برای دستیابی به قدرت، از فاز سیاسی وارد فاز نظامی شوند». این در حالیست که بلافاصله پس از درج این خبر وبسایت خبری «آمدنیوز» فیلتر شد و فقط شبکه تلگرامی آن قابل دسترس است که از طریق این کانال، خبر یادشده در

ثبت نام محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶



احمدی نژاد در وزارت کشور، ۲۳ فروردین ۹۶

کانون تنها رییس دولتی بوده که در موارد مختلف در برابر خامنه‌ای ایستاده است و همین موضوع ممکن است قدرت بسیج وی را در میان گروه‌هایی که مخالف ولی فقیه هستند و نیز توده‌هایی که زیر فشار اقتصادی بسر می‌برند، افزایش دهد. این جنگ قدرت بر سر انقلاب

به گزارش خبرگزاری‌های داخلی ایران، محمود احمدی نژاد که برای مراجعه کرده بود خود نیز برای حضور در انتخابات ثبت نام کرد. به گزارش ایستا، در نخستین ساعات آغاز دومین روز ثبت نام داوطلبان دوازدهمین انتخابات ریاست جمهوری، محمود احمدی نژاد، رئیس دولت‌های دهم و نهم که برای همراهی حمید بقایی جهت ثبت نام به وزارت کشور مراجعه کرده بود خود نیز در این انتخابات ثبت نام کرد.

به گزارش خبرگزاری‌های داخلی ایران، محمود احمدی نژاد که برای مراجعه کرده بود خود نیز برای حضور در انتخابات ثبت نام کرد. به گزارش ایستا، در نخستین ساعات آغاز دومین روز ثبت نام داوطلبان دوازدهمین انتخابات ریاست جمهوری، محمود احمدی نژاد، رئیس دولت‌های دهم و نهم که برای همراهی حمید بقایی جهت ثبت نام به وزارت کشور مراجعه کرده بود خود نیز در این انتخابات ثبت نام کرد. احمدی نژاد که تبلیغات انتخاباتی را همراه با سفرهایی، چندین ماه پیش آغاز کرده بود، از سوی علی خامنه‌ای از شرکت در انتخابات منع شده بود. ثبت نام احمدی نژاد، جبهه‌ی دیگری را از رقابت‌ها و جنگ‌های داخلی درون جمهوری اسلامی به ویژه در برابر رهبری نظام می‌گشاید. به گفته‌ی ناظران، احمدی نژاد تا

شکاف در جبهه شیعیان حامی اسد: شمارش معکوس حکومت علویان در سوریه آغاز شده؟



در سوریه ۱۲ تا ۱۵ درصد جمعیت علوی هستند

در شش سال گذشته بیش از ۳۰۰ هزار کشته و سه میلیون آواره نتیجه‌ی جنگ فراگیر در سوریه بوده است. خبرگزاری فرانسه چندی پیش در تحلیلی به قلم فابریس بالانش مدیر گروه تحقیقاتی مدیترانه و خاورمیانه نوشت که اقلیت علوی سوریه، که طی قرن‌های متمادی، مورد آزار و اذیت دیگران بودند، برای حفظ قدرت، در برابر یک اکثریت سنی مذهب، که آنان را غاصبان قدرت می‌دانند، تا آخر خواهند جنگید.

به گفته کارشناسان، اگر رژیم بشار اسد، که جزئی از همین مذهب علوی است، شکست بخورد، اقلیت علوی سوریه، احتمالاً به کوه‌ها پناه خواهند برد، و در قله‌ها و سواحل شمال غربی این کشور، محوطه‌ای برای خود خواهند ساخت. غیر از این، آنان باید بین مهاجرت و مرگ، یکی را انتخاب کنند.

را به عقب‌نشینی نظامی از سوریه فرا خوانده تا مردم این کشور زمام امور را به دست بگیرند. او از آمریکا، روسیه و گروه‌های دیگر خواست از آزار و اذیت سوریه دست بردارند. ساعتی پس از انتشار این بیانیه حجت‌الاسلام حسن روحانی در تماس تلفنی با اسد به او اطمینان داده جمهوری اسلامی همچنان پشت رژیم او خواهد ماند.

روحانی تأکید کرده که ایران در کنار دولت سوریه ایستاده است، و از جنگ علیه تروریسم، و راهکارهای آن برای رسیدن به راه حل مسالمت‌آمیز حمایت می‌کند. این در حالیست که تا کنون نزدیک به سه هزار نیروی نظامی وابسته به سپاه قدس در سوریه کشته شده‌اند و ایران بیش از ۲۰ هزار نیرو در سوریه دارد که به همراه حزب‌الله و روسیه در کنار اسد می‌جنگند.

● مقتدی صدر از اسد خواسته تاریخی و قهرمانانه کنار روز پس از آن حسن روحانی به اسد اطمینان خاطر داده که ایران پشت او خواهد ایستاد.

● شکاف بین دیدگاه‌های مقتدی صدر به عنوان رهبر بخشی از جریان شیعه در عراق با جمهوری اسلامی، یعنی انشقاق در صف شیعیان حامی حکومت علوی در سوریه.

در حالی که مقتدی صدر رهبر جریان صدر در عراق و از روحانیون با نفوذ شیعه در بیانیه‌ای از بشار اسد خواسته از قدرت کنار رود، حسن روحانی رییس جمهوری اسلامی ایران در تماس تلفنی با اسد به او اطمینان خاطر داده که ایران همچنان از رژیم سوریه حمایت می‌کند.

رهبر جریان صدر عراق در بیانیه‌ای اعلام کرده «منصفانه این است که بشار اسد استعفا کند و از سر دوست داشتن سوریه، از حکمرانی کناره‌گیری کند تا این کشور را از جنگ دور کند و مانع از سیطره تروریست‌ها بر این کشور شود. بشار اسد می‌تواند با سپردن زمام امور به طرف‌های مردمی بانفوذ قبل از آنکه دیر شود و پشیمانی باقی بماند، موضع تاریخی قهرمانانه‌ای اتخاذ کند». صدر طرف‌های درگیر در سوریه

آسوشیتد پرس: ولیعهد تبعیدی ایران خواستار یک انقلاب مسالمت آمیز است

● شاهزاده رضا پهلوی خواستار جایگزینی حکومت دینی با پادشاهی پارلمانی، رعایت حقوق بشر، و مدرنیزاسیون اقتصاد دولتی است.

● به گفته‌ی رضا پهلوی برای بسیاری از ایرانی‌ها، انقلاب هنوز تمام نشده است.



رضا پهلوی: تمرکز من بر آزاد کردن ایران است و برای این کار، بدون به خطر انداختن منافع ملی و استقلال کشور، هر راهی باشد پیدا می‌کنم

رضا پهلوی، فرزند آخرین شاه ایران که تا سال ۵۷ بر سر قدرت بود، فعالیت‌های خود را در ماه‌های اخیر به نحو چشمگیری افزایش داده است، بخصوص بعد از انتخاب دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، که در وعده‌های انتخاباتی‌اش گفته در مقابل حکومت شیعه می‌ایستد. شاهزاده رضا پهلوی خواستار جایگزینی حکومت دینی با پادشاهی پارلمانی، رعایت حقوق بشر، و مدرنیزاسیون اقتصاد دولتی است و نیز می‌خواهد حسن نیت خود را به کشورهای غربی و همسایگان سنی در حوزه خلیج فارس ثابت کند تا سوء ظن به اهداف سیاسی ایران به خاطر نقشی که در آشوب‌های عراق، سوریه و یمن ایفا کرده از بین برود. اما خاورمیانه پر از داستان‌های



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

عبرت برای دولت‌های غربی است که همه تلاش‌شان را برای بازگرداندن تبعیدی‌های دور از وطن کرده‌اند. آیا رضا پهلوی می‌تواند شکوه گذشته‌ی تخت طاووس را بازگرداند؟

رضا پهلوی در مصاحبه‌ای با آسوشیتدپرس گفت: «این رژیم قابل اصلاح نیست چرا که ذات آن، «دی.ان.ای» آن، به‌گونه‌ای است که اصلاح‌پذیر نیست. مردم ایده اصلاحات را رها کرده‌اند و فکشان اکنون این است که باید تغییر اساسی رخ دهد. حال سؤال بزرگ این است که این تغییر چگونه می‌تواند رخ بدهد؟»

رضا پهلوی در ۱۷ سالگی ایران را ترک کرد تا به دانشگاه نیروی هوایی آمریکا برود، این درست قبل از بیماری سرطان محمدرشاه پهلوی و ترک تاج و تخت ایران بود. پس از آن انقلاب شروع شد، جمهوری اسلامی شکل گرفت، سفارت آمریکا در تهران را اشغال کردند و همه‌ی نشانه‌های یک رژیم پادشاهی با حمایت آمریکایی‌ها را از بین بردند.

با این وجود پهلوی‌ها و سلطنت هنوز در ایران ایهت خود را حفظ کرده، حتی اگر ۸۰ میلیون ایرانی آن را به روشنی حس نکنند. سربال‌های تلویزیونی درباره حکومت قبل تهیه شده، از جمله سربال تلویزیونی «معمای شاه» که پرخرج‌ترین سربال تلویزیونی است که تا کنون ساخته شده است. با این که روابط عاشقانه و گانگستربازی به داستان اضافه شده، اما داستان فقط درباره انتقادهای مکرر از دستگاه و دربار سلطنتی است.

تاکید رضا پهلوی ۵۶ ساله به مراجعه‌ی روزافزون جوانان به

گذشته‌ی ایران است. او به تظاهرات اخیر در آرامگاه کوروش کبیر، امپراتور ایران باستان اشاره می‌کند که به وسیله نیروهای مخالف دولت تبدیل به شورش شده بود. در دوره‌ی حکومت سکولار و غربی شاه، ایرانی دوره‌ی رشد و نوسازی را با تکیه بر افزایش قیمت نفت تجربه کرد. رضا پهلوی در گفتگو با آسوشیتد پرس گفت: «گر به میراثی که هم از پدر من و هم پدر بزرگم به‌جا مانده بنگرید... تضاد آن را با این نظام متحجر، واپسگرا که ریشه در مذهب

داریت می‌بیند.» از زمان برگزاری انتخابات اخیر آمریکا، رضا پهلوی چندین مصاحبه با رسانه‌ها داشته از جمله با وبسایت «برایت‌پارت»، وبسایت راست افراطی که استیو بنن، استراتژیست اصلی ترامپ زمانی مدیرت آن را برعهده داشت. شاهزاده رضا پهلوی نامه‌هایی هم به دولت ترامپ فرستاده است.

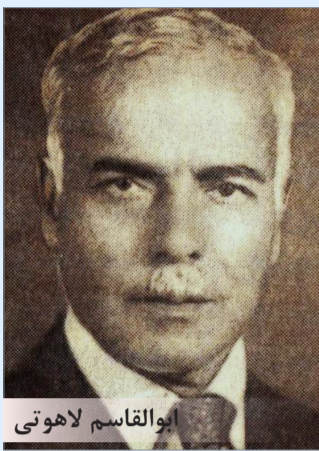
با وجود سختگیری‌های بعد از انتخابات ۸۸ نمی‌توان درباره احساسات ملی ایرانیان نسبت به بازگشت سلطنت به کشور تحقیق میدانی کرد. رسانه‌های دولتی ایران معمولاً از رژیم پادشاهی پهلوی با عنوان «مستبد» یاد می‌کنند، اما بازنگری‌هایی در مورد تاریخ این دوره صورت گرفته است.

سال گذشته کتابی منتشر شد با عنوان: «سقوط بهشت: خاندان پهلوی و آخرین روزهای شاهنشاهی ایران» که یک تاریخ‌شناس درباره شاه نوشته است. ضمن اذعان به سوءاستفاده سرویس‌های اطلاعاتی از قدرت و فساد در وابستگان حکومت، این کتاب او را فردی اسیر تقدیر نشان می‌دهد آن هم در دوره‌ای که پادشاهی‌های خاورمیانه یکی پس از دیگری از بین می‌رفتند.

اندرو اسکات کوپر نویسنده این کتاب می‌گوید: «رژیم حاکم آنقدر حرف زدن درباره پهلوی‌ها را سرکوب کرده که تاثیر معکوس گذاشته، جوانان ایرانی کنجکاو شده‌اند درباره آنچه گفته نمی‌شود بدانند. شکاف نسلی قابل توجهی بین جوانان امروز و نسل پدران و پدر بزرگ‌هایشان وجود دارد. جوانان

*منبع: آسوشیتدپرس
*ترجمه از کیهان لندن

۶۰ سال پس از مرگ ابوالقاسم لاهوتی: گر چرخ به کام ما نگردهد..!



ابوالقاسم لاهوتی

باقی است ولی آن سه تن دیگر را درست نشناختیم و ارزش‌های ادبی و اجتماعی حضور آنها را در ادبیات مشروطه درنیافته‌ایم. از سه تن دیگر یحیی ریحان کم‌نام‌تر از دو تن دیگر است. از آن دو تن نیز یکی را می‌گذاریم برای مناسبتی دیگر و در این «تکم‌مضرب» می‌پردازیم به ابوالقاسم اقبال لاهوتی. ابوالقاسم لاهوتی از خانواده‌ای فقیر برمی‌خاست (۱۲۶۶ تا ۱۳۳۵) پدرش شاعر بود و روشن است اگر طبع شعر را به پسر انتقال داده باشد. پدر و پسر که فقر را با رگ و پوست خود تجربه کرده بودند ساحت شعر را به مئابه عرصه‌ای برای با فقر ستیزیدن و ریشه‌های آن را از زمین برکشیدن می‌انگاشتند و شعرهایشان فراوان بوی اعتراض و خشم و عصیان می‌داد. ابوالقاسم در نوجوانی به تهران آمد و نخستین شعر خود را برای «جبل‌المتین» در کلکته فرستاد. از همان نوجوانی سرش بوی قورمه اطلایه و شب‌نامه پخش می‌کرد. لاهوتی برای مشروطه‌طلبان کار می‌کرد و نشان ستارخان را به جبران خدمات خود دریافت کرده است. از آن پس لاهوتی از زندگی روی خوش ندید و همه‌اش با در گریز بود و یا در حصن. یکی دو بار نیز به جرم خرابکاری دستگیر و زندانی شد و تا پای چوبه اعدام رفت و مختصر شانس و وسیله نجات‌اش شد. در مهاجرت بزرگ ایرانیان، به استانبول رفت و این در زمانی بود که جنگ بین‌الملل اول آغاز شده بود. لاهوتی در استانبول به کار مطبوعات وارد شد. اول روزنامه بیستون را

ادبیات دوره مشروطه حوزه‌های مختلفی دارد که همه از جاذبه‌های شگفت‌انگیز برخوردار است. قصه‌ها، شعرها و خاطره‌نویسی‌ها سرشار از نکته‌هایی است که با دریافت آنها می‌شود رسالت‌ها و شیوه‌های اجتماعی در حکومت‌مداری را نیز کشف کرد. یکی از این حوزه‌ها را می‌توان بی‌واسطه همزمان با آغاز جنبش مشروطیت دید. از عارف قزوینی بگیرد و عبور کنید از میرزاده عشقی تا برسید به یحیی ریحان، ابوالقاسم لاهوتی و فرخی یزدی. در مقایسه آنها با یکدیگر روشن می‌شود که این پنج تن آل قلم از یک نسل بوده‌اند. نظرات مشابه داشته و از جهان‌بینی یکسانی پیروی می‌کرده‌اند.

هر پنج تن در محدوده دهه ششم قرن گذشته به دنیا آمده‌اند، بین سال‌های ۱۲۶۰ تا ۱۳۲۰ خورشیدی. سال‌های رشد و پرورش فرهنگی یعنی همزمان با آغاز جنبش مشروطه بوده است. هر پنج تن آنان هم در دهه دوم قرن جاری از دار دنیا رفته‌اند. مهم‌تر از همه، آنها از یک ناسیونالیسم پر شور و داغ پیروی می‌کردند. این ناسیونالیسم گاه از حد متعارف تجاوز می‌کند و پهلوی به شوونیسیم می‌زند. آغاز خوب است و شدت یافتن‌اش فاجعه‌بار.

این پنج تن آل قلم گرفتار رومانس گاه افراطی‌اند. به جای میهن‌دوست خود را «میهن‌پرست» می‌نامند و این پرستش را از حد پرستش خداوند باریتعالی فراتر می‌برند. در برابر این نقطه ضعف، نقاط قوتی دارند که تحسین برانگیز است. عارف و عشقی پیش از این در رسانه‌ها بررسی شده‌اند و شهرت‌شان

حسین سرشار تنها باریتون پرورش یافته‌ی اپرای تهران را نیز مستقیم یا غیر مستقیم باید از زمره‌ی قربانیان انقلاب واپس‌گرای اسلامی دانست. او در بیست و سوم فروردین ماه ۱۳۷۱، بیست و پنج سال، بیش بیکار و بی‌امید در تهران از دار دنیا رفت. مرگ او را در دور روایت مختلف نقل کرده‌اند. روایت اول بیماری آلزایمر را سبب می‌داند در حالی که روایت دوم با ذکر شهادت صادق، از دست رفتن او را حلقه‌ای از قتل‌های زنجیره‌ای سال‌های هفتاد خورشیدی می‌داند.

حسین سرشار در سال ۱۳۱۰ در تهران زاده شد. تحصیلات اولیه را در هنرستان عالی موسیقی گذراند و چون صدای بم پرطنینی داشت به توصیه استادان هنرستان رشته‌ی آواز را برگزید. ادامه تحصیلات را اگر می‌خواست به جایی برسد می‌بایست به برون‌مرز منتقل می‌کرد. همین کار راهم کرد. در جوانی به ایتالیا رفت و در کنسرواتوار معروف «سانتا چچیلیا» به فراگیری آوازخوانی بین‌المللی مشغول شد. در ایتالیا با مرتضی حنانه آشنا شد که او نیز در ایتالیا تحصیل می‌کرد و در کنار کار موسیقی، استودیویی برای دوبله فیلم‌های ایتالیایی به فارسی بنیاد کرده بود. سرشار هم به حنانه پیوست و توانست از درآمد کار دوبلاژ و تأمین معیشت، کار موسیقی خود را نیز به پایان برساند. در همان سال‌ها تازه تالار رودکی در تهران به راه افتاده بود. همکاری با این تالار در سال‌های بعد، هم به اپرای تهران وزن و اعتبار دیگری بخشید و هم حسین سرشار را به اوج شهرت رساند.

صدای سرشار باریتون گرم به شمار می‌رفت. صدایی که در جهان موسیقی کمیاب است و از همین

بهرتر! یک غرب‌زده‌ی طاغوتی کمتر!

حسین سرشار تنها باریتون پرورش یافته‌ی اپرای تهران را نیز مستقیم یا غیر مستقیم باید از زمره‌ی قربانیان انقلاب واپس‌گرای اسلامی دانست. او در بیست و سوم فروردین ماه ۱۳۷۱، بیست و پنج سال، بیش بیکار و بی‌امید در تهران از دار دنیا رفت. مرگ او را در دور روایت مختلف نقل کرده‌اند. روایت اول بیماری آلزایمر را سبب می‌داند در حالی که روایت دوم با ذکر شهادت صادق، از دست رفتن او را حلقه‌ای از قتل‌های زنجیره‌ای سال‌های هفتاد خورشیدی می‌داند.

حسین سرشار در سال ۱۳۱۰ در تهران زاده شد. تحصیلات اولیه را در هنرستان عالی موسیقی گذراند و چون صدای بم پرطنینی داشت به توصیه استادان هنرستان رشته‌ی آواز را برگزید. ادامه تحصیلات را اگر می‌خواست به جایی برسد می‌بایست به برون‌مرز منتقل می‌کرد. همین کار راهم کرد. در جوانی به ایتالیا رفت و در کنسرواتوار معروف «سانتا چچیلیا» به فراگیری آوازخوانی بین‌المللی مشغول شد. در ایتالیا با مرتضی حنانه آشنا شد که او نیز در ایتالیا تحصیل می‌کرد و در کنار کار موسیقی، استودیویی برای دوبله فیلم‌های ایتالیایی به فارسی بنیاد کرده بود. سرشار هم به حنانه پیوست و توانست از درآمد کار دوبلاژ و تأمین معیشت، کار موسیقی خود را نیز به پایان برساند. در همان سال‌ها تازه تالار رودکی در تهران به راه افتاده بود. همکاری با این تالار در سال‌های بعد، هم به اپرای تهران وزن و اعتبار دیگری بخشید و هم حسین سرشار را به اوج شهرت رساند.

صدای سرشار باریتون گرم به شمار می‌رفت. صدایی که در جهان موسیقی کمیاب است و از همین

صدای سرشار باریتون پرورش یافته‌ی اپرای تهران را نیز مستقیم یا غیر مستقیم باید از زمره‌ی قربانیان انقلاب واپس‌گرای اسلامی دانست. او در بیست و سوم فروردین ماه ۱۳۷۱، بیست و پنج سال، بیش بیکار و بی‌امید در تهران از دار دنیا رفت. مرگ او را در دور روایت مختلف نقل کرده‌اند. روایت اول بیماری آلزایمر را سبب می‌داند در حالی که روایت دوم با ذکر شهادت صادق، از دست رفتن او را حلقه‌ای از قتل‌های زنجیره‌ای سال‌های هفتاد خورشیدی می‌داند.

حسین سرشار تنها باریتون پرورش یافته‌ی اپرای تهران را نیز مستقیم یا غیر مستقیم باید از زمره‌ی قربانیان انقلاب واپس‌گرای اسلامی دانست. او در بیست و سوم فروردین ماه ۱۳۷۱، بیست و پنج سال، بیش بیکار و بی‌امید در تهران از دار دنیا رفت. مرگ او را در دور روایت مختلف نقل کرده‌اند. روایت اول بیماری آلزایمر را سبب می‌داند در حالی که روایت دوم با ذکر شهادت صادق، از دست رفتن او را حلقه‌ای از قتل‌های زنجیره‌ای سال‌های هفتاد خورشیدی می‌داند.



حسین سرشار تنها باریتون پرورش یافته‌ی اپرای تهران را نیز مستقیم یا غیر مستقیم باید از زمره‌ی قربانیان انقلاب واپس‌گرای اسلامی دانست. او در بیست و سوم فروردین ماه ۱۳۷۱، بیست و پنج سال، بیش بیکار و بی‌امید در تهران از دار دنیا رفت. مرگ او را در دور روایت مختلف نقل کرده‌اند. روایت اول بیماری آلزایمر را سبب می‌داند در حالی که روایت دوم با ذکر شهادت صادق، از دست رفتن او را حلقه‌ای از قتل‌های زنجیره‌ای سال‌های هفتاد خورشیدی می‌داند.

روی ارزش فراوان دارد. این موهبت خدایی در بهترین و معروف‌ترین اپراها جایگاه ویژه‌ای برای او فراهم آورد. سرشار در بسیاری از اپراهای جهانی مثل «عروسی فیگارو»، «کارمن»، «لابوه»، «ایل ترو واتوره» و بسیاری از اپراهای دیگر شرکت داشت و سبب موفقیت اپرای تهران می‌شد. آهنگسازان ایرانی هم با تکیه بر صدای سرشار به ساخت و پرداخت اپرای ملی مشغول شدند و در طی ده سال، ده اپرای ایرانی ساختند که سرشار در بعضی از آنها مثل «خسرو و شیرین»، «دلاور سهند» و اوراتوریوی «سپیده» نقش فعال داشت. حسین سرشار که از میان رفت، گوشه‌ای از رضایت خاطر کارگزاران فرهنگی فراهم آمد. چون به قول یکی از آنها چه بهتر! یک غرب‌زده‌ی طاغوتی کمتر! از حسین سرشار علاوه بر اپراها، و دیولاژ فیلم، آریاهای کوچکی نیز به یادگار مانده است. از جمله قطعه آوازی «فروغ عشق» که از پیوند شعری دل انگیز از عطار نیشابوری و موسیقی حسین دهلوی است و گویی سایه‌هایی از پایان عمر او را تصویر کرده است: گمشدم در خود چنان کز خویش ناپیداشدم شبنمی بودم ز دریا، غرقه در دریا شدم سایه‌ای بودم از اول بر زمین افتاده خوار راست، کان خورشید پیداش گشت ناپیداشدم

صادر کرده است.

بررسی ناآرامی در سیستان و بلوچستان پس از یک بازداشت روحانی اهل سنت



احمد رأفت: بازداشت مولوی فضل الرحمن کوهی روحانی اهل سنت منطقه سرباز در بلوچستان، به حکم دادگاه ویژه روحانیت مشهد، واکنش‌هایی را در چندین شهر این استان به دنبال داشت. ما برای اطلاع بیشتر در رابطه با دلایل این بازداشت و واکنش اهالی بلوچستان سری به دبی می‌زنیم تا با حبیب‌الله سربازی فعال حقوق بشر بلوچ گفتگویی داشته باشیم.

● آقای سربازی، چرا این مولوی را بازداشت کرده‌اند؟ آیا واقعیت دارد که دلیل احضار ایشان به دادگاه ویژه روحانیت انتقاداتشان از حضور نظامیان ایرانی در سوریه و به ویژه اعزام جوانان بلوچ و اهل سنت به این جنگ بوده؟

- همانطور که خودتان هم اشاره کردید مولوی فضل الرحمن کوهی امام جمعه یکی از روستاهای کوچک در بلوچستان بودند. اما به خاطر صراحت لهجه‌شان در برخی از انتقادهایی که عموماً این انتقادات را توسط افراد دیگری از تحصیل کردگان و روشنفکران و علما نمی‌شنویم، ایشان مورد توجه بیشتر مردم قرار گرفتند و همین توجه زیاد مردم به ایشان و سخنان ایشان که به مذاق مسئول تامين امنیت استان سیستان و بلوچستان و قدرت اول کشور که در واقع سپاه پاسداران الان محسوب می‌شود خوش نیامده بود و تصور بر این هست که بازداشت

ایشان مربوط هست به فشارهای سپاه پاسداران، ایشان در خطبه‌های نماز جمعه زمانی که گزارش‌های موکد و دقیقی پخش شد در این باره که سپاه پاسداران به دنبال بازکردن جبهه‌هایی در جنگ سوریه هست که می‌خواهد از افراد جامعه اهل سنت ایران یعنی از جوانان اهل سنت ایران استفاده بکند در این جبهه‌ها، می‌خواست هم از این موضوع تبلیغاتی استفاده بکند که بله اهل سنت ایران هم با ما همراه هستند صرفاً ما شیعیان نیستیم که در ایران داریم میریم به جنگ سوریه و مثلاً به قول خودشان با داعش می‌جنگیم یا هر ادعای دیگری که در جنگ سوریه مطرح می‌کردند، تلاششان بر این بود که سنی‌ها را هم با خودشان همراه و هم‌نوا بکنند. در این باره از فقر مردم سوء استفاده می‌کردند، چون در استان سیستان و بلوچستان فقر زیاد هست. بیش از هشتاد درصد مردم در اکثر مناطق جنوب بلوچستان زیر خط فقر هستند. در شمال اندکی وضع بهتر هست. این آماری نیست که من بیان بکنم بلکه نمایندگان مجلس بیان کردند و استاندار در مورد بیکاری‌ای که در آنجا وجود دارد و محرومیت‌هایی که در این منطقه هست آشکار است برای همه. وقتی در ایران هر کسی می‌خواهد صحبت بکند می‌گوید استان سیستان و بلوچستان محروم‌ترین استان کشور. به هر حال سپاه از فقر مردم سوء استفاده می‌کرد برای اینکه آنها را به سوریه بکشند برای جنگ و با تطمیع و پولی که بهشان پرداخت می‌کند. مولوی فضل الرحمن کوهی در آن ببحوجه نسبت به این مسئله موضع‌گیری کردند و با صراحت این موضوع را رد کردند در خطبه‌های نماز جمعه و گفتند کسی که به جنگ سوریه برود از جوانان اهل سنت، ما کاری به دولت نداریم دولت مسئول کارهای خودش هست، اما از اهل سنت کسی که بخواهد برود آن فرد را ما جزو اهل سنت نمی‌دانیم و هیچ وقت ما این موضوع را نخواهیم پذیرفت که یک فرد سنی مذهب از اینجا بلند بشود یا حتی از جوانانی که در این منطقه هستند برده بشوند به کشوری دیگر تا جان افراد دیگری که بی‌گناه هستند را بگیرند و یعنی با سخنرانی‌ای که کرده بود سپاه پاسداران را به خاطر کاری که دارد انجام می‌دهد محکوم کرده بود. این خیلی جالب بود که در سخنرانی‌های خودش گفته بود که این صحبت مرا بروید به هر کسی که می‌خواهد برسانید من مسئول صحبت‌های خودم هستم و پاسخگو هم خواهم بود. همچنین بعد از اینکه یک‌بار دیگر ایشان افشاگرایی‌هایی کردند در تلاش

هست برخی علمای اهل سنت را که با وعده پول و تسهیلات و امکانات برای سفرهای تفریحی به سوریه برد و از این موضوع به هر حال استفاده‌های جانبی ببرد که اینها آمدند و از مناطق عملیاتی دیدار کردند، ایشان این موضوع را بیان کردند در خطبه نماز جمعه‌شان و رد کردند و انتقاد کردند از این موضوع. این مواضع ایشان و این انتقادات صریحی که انجام داده بود در نهایت تصور و گمان غالب ما بر این هست که به همین دلیل ایشان احضار شدند و بعد از احضار در دادگاه ویژه روحانیت بازداشت شدند. آقای علی موحدی راد بعد از دو روز از اعتراضاتی که برای این موضوع صورت گرفته بود هم به این موضوع اشاره کردند و گفتند که این مولوی موحدی بوده که بر علیه وحدت کشور صحبت می‌کرده. در حالی که صحبت‌های ایشان بر علیه وحدت کشور نبود. صرفاً انتقاداتی بودند به این موضوع که نباید مردم جامعه اهل سنت، مردم منطقه، بومی‌های بلوچ مورد سوء استفاده قرار بگیرند.

● کم و بیش بازداشت مولوی فضل الرحمن کوهی همزمان با انتشار ویدئوی منتسب به داعش بود که در این ویدئو حتی به زبان بلوچی برخی از روحانیون اهل سنت مورد انتقاد قرار می‌گیرند و برخی از آنها مثل شخصیتی چون مولوی عبدالحمید «منافق» خوانده می‌شوند. آیا رابطه‌ای بین این ویدئو و این بازداشت می‌تواند وجود داشته باشد؟

- دو نکته اینجا هست. یکی این موضوع که این سخنان مولوی فضل الرحمن کوهی تاریخ‌اش بر می‌گردد به قبل از صحبت‌های داعش که کلیپی را منتشر کرده بودند و عکس‌ها و تصاویری از برخی علمای اهل سنت در آن وجود داشت. و لفظ «منافق» و الفاظ دیگری که بیان شدند ضمنی بیان شدند در هنگامی که تصاویر در واقع مونتاژ می‌شوند با تصاویر علما. مشخص نیست دقیقاً این کار را کرده باشند. یعنی آنچه مشخص است، بله داعش تصاویر مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان، مولانا گرگیج و چند نفر از علمای اهل سنت دیگر را میکس و مونتاژ کرده بود در فیلم خودش و صحبتی که می‌کند که در آن به زبان بلوچی هست و علیه علمای اهل سنت صحبت می‌شود. اما واژه‌هایی به نام تهدید به ترور که ما آنها را ترور خواهیم کرد یا به قتل می‌رسانیم وجود نداشت. بعداً این موارد در فضای مجازی به شکل مشکوکی منتشر شدند. که داعش مولوی عبدالحمید را تهدید به حذف کرده، تهدید به ترور کرده،

کوکچی در نمازهای جمعه مطرح بکنند و بنابراین صحبت می‌کنند، موضع‌گیری می‌کنند. انتقادات در واقع وجود دارد از سپاه پاسداران در استان سیستان و بلوچستان، چون از سال ۸۸ که به طور رسمی امنیت منطقه را به دست گرفته، کل برنامه‌هایی که در استان سیستان و بلوچستان اجرا شده، نه تنها امنیت را اجرا نکرده، بلکه گویا این شعارهای امنیتی که داده می‌شود صرفاً منظورشان امنیت خود ماموران امنیتی است نه امنیت مردم. چون الان مردم در مورد این صحبت می‌کنند که برادر مرا دیروز سارقان مسلح آمدند جلوی ما گرفتند، یا پسرعموی مرا موبایلش را از ما گرفتند، فلانی را اسلحه روی سرش گرفتند و نمی‌دانم موتور از ما گرفتند، ماشینش را بردند. ناامنی به این شکل گسترش پیدا کرده. قبلاً در شهر ایرانشهر بود، الان چابهار که به اصطلاح به عنوان قطب اقتصادی کشور هم می‌خواهند مطرح‌اش بکنند، و طرح توسعه سواحل مکران را دارند مطرح می‌کنند، در آنجا هم بسیار زیاد شده. شما اگر از یک فرد عادی معمولی بلوچ که در استان سیستان و بلوچستان زندگی می‌کند، این موضوع را بپرسید، با ناراحتی زیاد موضوع را حتماً برایتان بیان خواهد کرد. یک مسئله‌ای شده که عام هست. ولی سپاه پاسداران ترجیح داده در رسانه‌های خودش و سخنرانی‌هایشان، مثلاً سردار مارانی و سردار فلانی در بلوچستان، این بحث این را مطرح می‌کنند که ما امنیت پایدار برقرار کردیم و هیچ مشکلی در منطقه وجود ندارد. گمان ما بر این هست که منظورشان از امنیت پایدار امنیت خودشان هست. چون مردم احساس امنیت نمی‌کنند در بلوچستان.

● این بار واکنش مردم در بلوچستان به بازداشت یک روحانی اهل سنت به نوعی متفاوت و شاید بی‌سابقه بوده. در گذشته زمانی فشار قرار می‌گرفتند و با بازداشت می‌شدند دیگر روحانیون بودند که با مقامات وارد مذاکره می‌شدند. این بار مردم به خیابان آمدند. آیا ما در مقابل حرکت مدنی تازه‌ای در بلوچستان هستیم؟

- این تغییر زاویه‌افزایش مشکلاتی هست که در منطقه بلوچستان مردم شاهدش بودند. در سال‌های گذشته حداقل ۴ نفر از روحانیان اهل سنت بازداشت شدند که مردم با آنها ارتباط داشتند، پای منبرهاشان می‌نستند، سخنرانی‌هاشان را گوش می‌کردند. مولوی عبدالقدوس ملازهی امام جمعه چاه جمال ایرانشهر، مولوی محمدیوسف سهرابی، مولوی زارعی،

مولوی صلاح الدین سیدی. هر کدام از اینها مدرس قرآن و مسئول مدرسه دینی و امام جمعه منطقه‌ای بوده‌اند. در سال‌های گذشته برای بار اول مولوی عبدالقدوس و مولوی یوسف را بازداشت کردند، و بعد اتهاماتی را به آنها زدند و مردم و علما وقتی پیگیری می‌کردند و اعتراضاتی می‌کردند و علما پیگیر مسئله بودند. نهایت امر با یک تهمت‌هایی که هیچ گاه نتوانستند اثباتشان بکنند آنها را به پای چوبه دار بردند و اعدام‌شان کردند. من روزی که مولوی یوسف سهرابی و مولوی عبدالقدوس ملازهی را اعدام کردند در بلوچستان بودم. صبح که از خانه بیرون آمدم متوجه شدم که سر هر چهار راهی ده‌ها نفر نیرو و ماشین و ایستاده و من فکر کردم که مسئول بلندپایه‌ای از سطح کشور آمده و اینها در حال تامین امنیت برای ایشان هستند. ولی ظهر خبر رسید که دو مولوی را اعدام کرده‌اند. متوجه شدیم که همه این گستردگی پخش ماموران نیروی انتظامی و امنیت و غیره به خاطر این هست که مردم شورش می‌کنند. برای اولین بار بود در تاریخ بلوچستان که دو نفر از روحانیان را در داخل کشور اعدام می‌کردند و خودشان هم این انتظار را داشتند که مردم بلند می‌شوند و باید سرکوب بشوند. اما این احتمال صورت نگرفت. مردم بلند نشدند. ولی بسیار ناراحت شدند. تا جایی که انتقادات همه‌اش متوجه علما شد که شما دفاع نکردید به همین خاطر آنها اعدام شدند. بعد از آن مولوی زارعی را اعدام کردند. مولوی صلاح‌الدین جریان باز هم اعتراضاتی صورت نگرفته بود. همه موارد همراه بود با اینکه قول آزادی می‌دادند. بعدش مولوی خطیب محمد نقشبندی امام جمعه راسک را بازداشت کردند، مولوی عبدالله ملازاده امام جمعه پارد سرباز را بازداشت کردند. مولوی عبدالله ملازاده در زندان زیر شکنجه سخته کرد و به همین خاطر آزادش کردند. مولوی نقشبندی را نگه داشتند. ولی پروژه را کلید زدند تحت عناوین مختلف که از شان اعتراضات بگیرند وقتی اعتراف نکردند پسری که پرونده‌شان را پیگیری می‌کردند و خودشان هم امام جمعه موقت راسک بودند را بازداشت کردند. وقتی این بازداشت اتفاق افتاد مردم شهر راسک بعد از ششمین عالمی که به شکل مکرر بازداشت می‌شد و پرونده‌سازی برایش صورت می‌گرفت بلند شدند برای اولین بار در شهر راسک. یعنی پیش زمینه‌ای بود برای اینکه مردم بی اعتماد

بشوند به صحبت‌های مسئولان و ناراحتی‌های خودشان را به صورت اعتراض عنوان بکنند. تظاهرات در شهر راسک صورت گرفت، مردم را سرکوب کردند. یک نفر به نام جان محمد دهقانی ترور و کشته شد در آن تظاهرات. چند نفر دیگر زخمی شدند. و آن تظاهرات همانجا خوابید بعد از آنکه یک نفر کشته شد. مردم از مجموع این اتفاقاتی که افتاده بود بعد از اینکه قول آزادی مولوی نقشبندی را حتی فرزندش را در همان روزهای ابتدایی می‌دادند ولی چهار سال سه سال و نیم طول کشید و پرونده‌هاشان بسیار سنگین شد. حکم‌های سنگینی صادر کردند. همه اینها باعث شد که الان بعد از اینکه مولوی فضل الرحمن کوهی را بازداشت کردند مردم بی اعتماد باشند نسبت به همه وعده‌هایی که در ابتدا به آنها داده می‌شود که فردا آزاد خواهند شد. این بی اعتمادی سبب شده که مردم به شیوه‌های جدیدی دست به اعتراض بزنند. نه اینکه جلوی فرمانداری فقط تجمع بکنند. مثلاً حتی گمان ما بر این بود که فقط ما مردم بلوچ در منطقه هستیم که معترضیم گمان ما بر این بود کسانی که وارد سپاه شدند دیگر خیلی سخت است این افراد دوباره برگردند. اما وقتی مولوی فضل الرحمن کوهی را گرفتند کسانی که در سپاه هند در سپاه پشامگ کار می‌کردند سلاح‌های خودشان را به فرمانده خودشان تحویل دادند و گفتند تا زمانی که مولوی آزاد نشود ما به سر کارمان بر نمی‌گردیم. این تازگی داشت. تجمع مردم در بستن مغازه‌ها در شهر کلات و در چند روستای دیگر در همان منطقه تازگی داشت و برای اولین بار اتفاق می‌افتاد و فریادهای الله اکبر در کوچه و خیابان می‌گفتند. اینکه مثلاً شروع کردند به دیوارنویسی و امروز داره پخش می‌شود همین امروز گزارشش به دست ما رسید در شهر ایرانشهر. یعنی همچنان ادامه دارد پس‌لرزه‌های این موضوع در شهر ایرانشهر، شروع به دیوارنویسی کردند، خیلی عکس‌ها دارد پخش می‌شود، روی ماشین‌ها و خودروهای خودشان اسم مولانا فضل الرحمن کوهی را نوشته‌اند، جلوی بخش‌داری‌ها تجمع کرده‌اند. خودروهایی دسته جمعی که هر خودرو چندین نفر سوارش بودند پشت سر هم حرکت کردند و فریاد سر دادند و از جلوی پایگاه‌های سپاه رد شدند. مسیر ترانزیتی بین ایرانشهر چابهار را بستند. مسیر ترانزیتی بین سرباز چابهار را بستند. مسیر ترانزیتی بین ایرانشهر بمپور را بستند. این اعتراضات به این گستردگی قبل از این سابقه نداشته و من فکر می‌کنم که علتش بر می‌گردد به بی اعتمادی مردم نسبت به حاکمیت و سرکوب شدید مردم و علمای اهل سنت که پیش آمده و این هم وجود شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌های حقوقی است که اخیراً کلید خورده و مردم رسانه‌هایی دارند که به شکل موثق اخبار خودشان را از آنجا دریافت بکنند. همه اینها عواملی بوده که توانسته به نحوی ساماندهی ایجاد بکند در این اعتراضات و اعتراضات بیش از گذشته خودشان را نشان بدهند.

● مولوی فضل الرحمن کوهی در آخرین سخنرانی‌اش به طور غیر مستقیم به احتمال بازداشت خود اشاره می‌کند و می‌گوید که اگر تحت فشار مجبور به گفتن حرف‌هایی شد که با صحبت‌های او در جریان سخنرانی‌هایش در روزهای جمعه متفاوت هستند، مردم آنها را باور نکنند. او در همین سخنرانی از مردم می‌خواهد که مطالبات‌شان را به صورت مدنی در چهارچوب قانون و با مراجعه به مقامات و ادارات مطرح کنند و استفاده از هرگونه خشونت و مبارزه مسلحانه را مردود می‌داند. با این وجود در بسیاری موارد روحانیون اهل سنت در سیستان و بلوچستان از سوی نظام متهم به هواداری یا پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم از مبارزه مسلحانه شدند. - مولوی فضل الرحمن کوهی هیچ گاه دعوت ندادند به فعالیت‌های مسلحانه. ادامه در صفحه ۱۵

ایران و قربانیان انفجار مین در سال ۱۳۹۵



توضیح کیهان لندن: عکس مربوط به ژانویه سال ۲۰۰۱، یعنی شانزده سال پیش است که از سربازان با وسایل ابتدایی برای کشف و خنثی کردن مین‌ها در مناطق جنگ‌زده‌ی ایران استفاده می‌شد. به نوشته‌ی رویترز در سال ۲۰۰۱، در طول ۱۲ سال پس از پایان جنگ ایران و عراق، ۱۰۸ سرباز هنگام جمع‌آوری و خنثی کردن مین‌ها کشته و ۴۸۰ سرباز نیز زخمی شدند

به رییس جمهور خواستار رسیدگی هرچه سریع‌تر به معضل صدومین مین در این استان شد. در بخشی از این نامه آمده بود:

«من بارها به وزیر کشور سابق در مورد پاکسازی مناطق جنگی از مین تذکر دادم و ضمن تذکر به آقای رحمانی فضلی، وزیر کشور دولت یازدهم کار به طرح سوال از ایشان رسید. مین‌های دوران جنگ که در مناطق کوهستانی کاشته شده بود، طی سال‌های گذشته توسط آب و سیلاب و رانش زمین جابه‌جا شده و سالانه شاهد قربانیانی هستیم که بر اثر انفجار مین‌های باقیمانده از دوران جنگ، جان‌شان را از دست می‌دهند یا دچار معلولیت می‌شوند و در حالی که این جنگ‌افزارهای باعث معلولیت یا کشته شدن این عزیزان، از ابزارهای دولت و بازمانده‌های جنگ است، به ندرت هم تحت پوشش بنیاد شهید قرار می‌گیرند و اغلب به عنوان مددجویان کمیته امداد مورد حمایت قرار می‌گیرند که مستمری‌های کمیته امداد هم بسیار ناچیز است و این افراد نمی‌توانند با این رقم‌ها امرار معاش کنند.

متأسفانه روند پاکسازی هم بسیار کند است و با وجود تذکر کتبی و شفاهی و حتی طرح سوال از وزیر کشور، شاهد تحرک لازم در پاکسازی‌ها نبوده‌ایم. بارها شاهد بوده‌ایم که این افراد به صورت گروهی مقابل مجلس می‌آیند تا دادشان را به گوش ما برسانند و واقعا درد سنگینی دارند و ما هم از روند پاکسازی و حمایت‌های دولت از این افراد ناراضی هستیم.»

این نامه در پی کشته و زخمی شدن سه برادر کشاورز تنظیم و ارسال شد. آنها سوار بر تراکتور از سر زمین زراعی به خانه بازمی‌گشتند که بر روی مین سنگین در مسیر راه می‌روند و به دنبال انفجار، یکی از آنها به شدت زخمی و دو برادر دیگر جان‌شان را از دست می‌دهند. حادثه در منطقه دشت آواتان سردشت در استان آذربایجان غربی در روز پنجشنبه ۱۳ خردادماه ۱۳۹۵ (دوم ژوئن ۲۰۱۶) روی داد در حالی که این منطقه نزدیک به شش سال پیش به عنوان منطقه پاکسازی شده اعلام شده بود.

علیرزاده نماینده مرکز مین‌زدایی و نماینده تام‌الاختیار مرکز مین‌زدایی در استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۹۰، بعد از اعلام پاکسازی این منطقه از هر نوع مین و مواد منفجره (UXO) با اتهاماتی همچون فساد مالی و اختلاس و محاکمه و در نهایت با زندان روبرو شد. او پس از مدت کوتاهی از زندان آزاد و از مجموعه اتهامات نیز تبرئه و پرونده نیز در دادگاه مستومه اعلام شد. در این استان همچنان افراد روی مین می‌روند و هیچ کس جوابگوی این معضلات نیست. کودک ۸ساله‌ای به نام محمد در منطقه چه‌کو در سردشت از توابع آذربایجان غربی هنگام بازی در کنار رودخانه در تاریخ ۱۵ شهریور ۹۵ با مین برخورد کرد و جان‌اش را از دست داد.

سخن آخر

کشور ایران با وجود ۷۰۳۲ قربانی انفجار مین بعد از پایان جنگ و تعداد بسیار دیگری که هیچ‌گاه در هیچ نهادی ثبت نشده‌اند از بین مردم مدنی و نزدیک به ۱۸۰۰ نیروی نظامی قربانی مین یکی از آلوده‌ترین کشورهای دنیاست که علاوه بر آلودگی، نگاه غیر کارشناسی و امنیتی نیز بر این مقوله حاکم است. نگارنده که متخصص پاکسازی میادین مین و خود یکی از قربانیان مین در حین کار پاکسازی است معتقد است که اهمال و قصور مرکز مین‌زدایی که متولی امر پاکسازی در ایران است باعث اتلاف حیات گردیده. پاکسازی غیر اصولی میادین مین و نداشتن علامت و تابلو که تقریباً همه‌ی قربانیان از وجود علایم هشداردهنده، اظهار بی‌اطلاعی نموده‌اند یکی از دلایل این فاجعه است. حال آنکه تنها با یک علامت‌گذاری ساده می‌توان از بسیاری از این حوادث پیشگیری کرد. نبود امکانات آموزشی و عدم رسیدگی کمیسیون ماده ۲ استانداری به صدومین مین نیز این مشکلات را مضاعف کرده است.

شده یکی از خطرناک‌ترین و پر تلفات‌ترین نقاط کشور است. با توجه به اینکه آلودگی استان کردستان به مراتب از استان‌های خوزستان و ایلام و کرمانشاه کمتر است ولی وجود پایگاه‌هایی که اغلب متروکه و به حال خود رها شده‌اند و نزدیکی این نقاط آلوده به مراکز انسانی، این استان را به یکی از کانون‌های اصلی تلفات مین بدل کرده است.

در سال گذشته تنها در شهرستان سروآباد از توابع مریوان ۷ تن قربانی انفجار مین شدند که در میان آنها ۵ کودک و نوجوان دیده می‌شود. هیچ شرکت خصوصی و نیمه خصوصی در منطقه کردستان کار پاکسازی انجام نداده و تمامی کار ناقص پاکسازی تحت نظارت کار ناقص مرکز مین‌زدایی بوده است. مستقیم مرکز مین‌زدایی بوده است. همان کار ناقص پاکسازی هم مدت سه سال است که به طور کلی در استان کردستان انجام نمی‌شود و عملاً مرکز مین‌زدایی این منطقه را رها کرده و هیچ فعالیتی در این استان ندارد. در اولین ماه سال ۹۵ جوان ۱۸ساله‌ای به نام کارزان سردوشی و یک روز بعد از روز جهانی آگاهی‌رسانی از خطرات مین در منطقه مریوان با مین برخورد کرد و یک پای‌اش را از دست داد.

استان آذربایجان غربی

استان آذربایجان شرقی نیز چون کردستان از مساحت آلودگی کمتری نسبت به چهار استان دیگر برخوردار است. وجود نزدیک به ۷۲۰ پایگاه متروکه و هزار و هفتصد و سی هکتار آلودگی، این استان را در دو نقطه سردشت و پیرانشهر از کانون‌های پرخطر کشور کرده است و وجود پدیده کولبری یکی از عوامل افزایش تلفات مین در این استان است. کولبرانی که برای تامین مخارج خود مجبورند بارهای مختلف را به وسیله شانه‌های خود از آن‌سوی مرز به این‌سو بیاورند و در مسیر قربانی انفجار مین می‌شوند. وجود بیش از ۱۰۰۰ پرونده‌ی بسته شده در کمیسیون ماده ۱۲ استانداری آذربایجان غربی که افرادی را که حین کولبری با مین برخورد کرده‌اند شامل هیچ نوع حمایت دولتی نمی‌کند خود گواه بر این ماجراست. رسول خضری نماینده شهرهای پیرانشهر و سردشت در مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای

قربانیان این استان بعد از جشن رسمی و در بهمن ۹۱ در یک جشن پاکسازی هیچ‌گونه تضمینی برای اصرار بر پاک بودن این استان از مین و مواد منفجره باقی‌مانده از جنگ ۸ ساله در این استان وجود ندارد. پس از جشن پاکسازی یاد شده تا کنون بیش از ۲۰۳ تن در این استان قربانی انفجار مین



توضیح کیهان لندن: به نوشته‌ی رویترز در سال ۲۰۰۱، در طول ۱۲ سال پس از پایان جنگ ایران و عراق، ۱۰۸ سرباز هنگام جمع‌آوری و خنثی کردن مین‌ها کشته و ۴۸۰ سرباز نیز زخمی شدند

شده‌اند که در بعضی موارد این مین‌ها بسیار به محل سکونت شهری نیز نزدیک بوده‌اند؛ در آخرین نمونه از این دست حوادث، کشته شدن چوپانی ۴۰ساله در منطقه سومار از توابع قصرشیرین در کرمانشاه است. این چوپان در پی چرای دام در منطقه چم نفت سومار در ۸دی ماه ۱۳۹۵ با مین برخورد کرده و در دم جان سپرد.

استان کردستان

استان کردستان با مساحت آلودگی نزدیک به یک‌هزار و نهصد هکتار و ۱۸۴۰ پایگاه آلوده به مین شناسایی

رسمی و در بهمن ۹۱ در یک جشن پاکسازی اعلام کرد که همه این استان از انواع مین و گلوله‌های عمل نکرده پاک شده است. در اولین ماه سال ۹۵ نه مورد انفجار مین توسط معاونت سیاسی امنیتی فرمانداری قصرشیرین نعمت‌الله آزموده گزارش شد که همه این

را از دست داد و مسولان جمهوری اسلامی هر دو حادثه را چند متری خارج از محدوده مرزی اعلام کردند که به هیچ وجه این‌طور نیست و هر دو حادثه در خاک و محدوده‌ی جغرافیایی کشور ایران اتفاق افتاد و این سرپوشی است برای پاک جلوه دادن مناطق آلوده به مین در نواحی‌ای که آنها را پاک اعلام کرده‌اند. استان ایلام با یک میلیون و هفتصد هزار هکتار رتبه دوم آلودگی در کشور را دارد و این دو ناحیه یعنی منطقه عین خوش و میمک توسط مرکز مین‌زدایی به عنوان کار امانی و مهندسی سپاه امیرالمومنین ایلام به عنوان پیمانکار به اصطلاح پاکسازی شده بودند.

استان خوزستان

استان خوزستان با یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار هکتار آلودگی و متخصص پاکسازی میادین مین و گلوله‌های عمل نکرده است

در ادامه به بررسی ۵ استان آلوده به مین از نگاهی نزدیک‌تر خواهیم پرداخت.

استان ایلام

اولین حادثه انفجار مین در سال ۹۵ مربوط به روزهای پایانی اسفند ۹۴ بود در ۲۸ اسفند ۹۴ جوان عرب اهل دشت عباس در استان ایلام با مین برخورد کرده و یک پای‌اش را از دست داد. مهدی خراسانیان اهل روستای چم هندی در استان ایلام بود. دومین حادثه انفجار مین با فاصله کمی در روزهای ابتدایی فروردین ۹۵ در همان منطقه دشت عباس در استان ایلام اتفاق افتاد که یکی از عشایر کوچ‌رو اهل کرمانشاه به نام لطیف علی بزم که در حال چرای گوسفندان در منطقه عین خوش بود با مین برخورد کرد و از ناحیه پا مصدوم شد. آخرین حادثه مین سال ۹۵ باز هم در همین استان احمد جلیزی که در دم کشته شد و محمد جلیزی برادرزاده‌ی فرد متوفی نیز صدمات زیادی بر اثر برخورد با مین والما ۷۶۹ دید. هفته قبل‌تر از این حادثه باز هم در استان ایلام کارمند بازسنجسته آموزش پرورش مرتضی نادی در منطقه میمک در ۴۰ کیلومتری جنوب شهر ایلام با همین نوع مین برخورد کرده که در دم جان خود

استان کرمانشاه

پرتلفات‌ترین استان کشور در سال ۹۵ استان کرمانشاه بود. نزدیک به ۴۷ درصد قربانیان انفجار مین در این استان بوده‌اند. مناطق اطراف قصر شیرین و سومار پرتلفات‌ترین مناطقی بودند که دولت به صورت

● پس از نزدیک به سی سال از پایان جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق، هنوز مین و تسلیحات عمل نکرده در مناطق سابق جنگی در ایران، قربانی می‌گیرد.

عیسی بازبار - افزایش ۲۳ درصدی قربانیان انفجار مین نسبت به سال ۹۴ نشان از عدم رویکرد مناسب نهاد ملی مین نسبت به پاکسازی مناطق آلوده به مین در کشور است.

طبق آماري که نگارنده جمع‌آوری کرده ۵۹ تن در سال ۹۵ قربانی انفجار مین شده‌اند که ۱۸ تن کشته ۴۱ تن مجروح گردیده‌اند.

در میان این تعداد کشته‌ها و قربانیان مین ۸ کودک و سه زن وجود دارند. سه کولبر و یک کاسبکاران مرزی نیز بر اثر رفت و آمد در مناطق آلوده دچار حادثه انفجار مین گردیدند. لازم به ذکر است «نهاد ملی مین ایران» موسوم به «مرکز مین‌زدایی» هیچ گونه اطلاعاتی در مورد مجروحین و کشته شدگان انفجار مین چه به صورت عمومی و چه با عنوان گزارش سالیانه در معرض عموم قرار نداده و این مغایر با استانداردهای جهانی پاکسازی مین است که مرکز مین‌زدایی خود را مکلف به اجرای آن نموده و اصولاً بیش از سه سال است که سایت مرکز مین‌زدایی غیر فعال و دسترسی به آمار پاکسازی و قربانیان مین وجود ندارد و این آمارها به صورت رصد فردی و منابع داخلی تهیه شده است.

در استانداردهای پاکسازی آیپس (استاندارد ۸۰۵۰/۰) بخش آموزش، اطلاعات نهاد ملی مین (مرکز مین‌زدایی در ایران) موظف به در اختیار دادن اطلاعات به صورت کلی و جزئی برای همگان است و این شیوه در تمام کشورهای آلوده به مین وجود دارد و هر ساله آمار قربانیان مین به صورت عمومی در اختیار رسانه‌ها قرار می‌گیرد. در تشریح این استانداردها، به طور مشخص نهاد ملی مین موظف شده ارایه و جمع‌آوری اطلاعات تلفات انسانی و نحوه‌ی عملکرد بهینه در راستای پیشبرد جامع امر آگاهی‌رسانی از خطرات مین (MRE) و فرآیند ارزیابی کلی و کامل آن اطلاعات را برای برنامه‌های گسترده‌تر و نظارت و ارزیابی و توسعه سازمان آگاهی‌رسانی از خطرات مین به طور مداوم و نه برای یک بار به کار گیرد و تا کنون حتی برای یک‌بار نیز شاهد این امر از طرف نهاد ملی مین نبوده‌ایم.

عیسی بازبار که خود از قربانیان انفجار مین است، فعال حقوق بشر و متخصص پاکسازی میادین مین و گلوله‌های عمل نکرده است

در ادامه به بررسی ۵ استان آلوده به مین از نگاهی نزدیک‌تر خواهیم پرداخت.

استان ایلام

اولین حادثه انفجار مین در سال ۹۵ مربوط به روزهای پایانی اسفند ۹۴ بود در ۲۸ اسفند ۹۴ جوان عرب اهل دشت عباس در استان ایلام با مین برخورد کرده و یک پای‌اش را از دست داد. مهدی خراسانیان اهل روستای چم هندی در استان ایلام بود. دومین حادثه انفجار مین با فاصله کمی در روزهای ابتدایی فروردین ۹۵ در همان منطقه دشت عباس در استان ایلام اتفاق افتاد که یکی از عشایر کوچ‌رو اهل کرمانشاه به نام لطیف علی بزم که در حال چرای گوسفندان در منطقه عین خوش بود با مین برخورد کرد و از ناحیه پا مصدوم شد. آخرین حادثه مین سال ۹۵ باز هم در همین استان احمد جلیزی که در دم کشته شد و محمد جلیزی برادرزاده‌ی فرد متوفی نیز صدمات زیادی بر اثر برخورد با مین والما ۷۶۹ دید. هفته قبل‌تر از این حادثه باز هم در استان ایلام کارمند بازسنجسته آموزش پرورش مرتضی نادی در منطقه میمک در ۴۰ کیلومتری جنوب شهر ایلام با همین نوع مین برخورد کرده که در دم جان خود

زنان شاخص

جمیله شیخی

(۱۳۰۹ - ۱۳۸۰)



«کاغذ بی خط»، «همسر دلخواه

از معروفترین نمایش‌هایی که بازی کرد می‌توان به «ملاقات با بانوی سالخورده» (حمید سمندریان)، «از پشت شیشه‌ها» (اکبر رادی) و «بن‌بست» (علی نصیریان) اشاره کرد. جمیله شیخی در روز پنجشنبه سوم خرداد ۱۳۸۰ در سن ۷۱ سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت. پیکر وی روز ششم خرداد ۱۳۸۰ در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. استادان بزرگ تئاتر مانند بهرام بیضایی و احمد کامیابی مسک در مراسم درگذشت او شرکت کردند.

هیچ چیز خنده‌دار و سرگرم‌کننده‌ای در عادت ماهیانه نیست

دوره عادت ماهیانه معمولا مخاطراتی دارد، استرس‌زا، افسرده‌کننده، دردناک و گاهی حتی خوشنواست. اما لزومی ندارد که این دوره را سرشار از رنج بشمارید، این امکان وجود دارد تا یاد بگیرید چگونه از دوره عادت ماهیانه خود لذت ببرید و هر ماه دوره‌ای سخت و ناراحت‌کننده نداشته باشید.

اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهید؟

آیا در دوره عادت ماهیانه اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهید؟ به این موضوع فکر کنید. وقتی زنی را موقع خریدن تامپون می‌بینید آیا به خودتان می‌گویید که عادت ماهیانه است؟ احتمالا نه. لزومی ندارد که به شما بگویم که عادت ماهیانه اتفاقی طبیعی و عادی است و خجالت کشیدن و عصبی شدن از



شادی ناشی از تحرک دارد. ورزش باعث کاهش علائم عادت ماهیانه مثل دل درد، نفخ و تغییر خلق و خو می‌شود. در این دوره درجه حرارت بدن به شدت بالاست ولی باید برخی ورزش‌های سبک مثل پیاده‌روی را اجرا کنید. با دوست خود به پیاده‌روی بروید، سگ خود را برای گردش بیرون ببرید و یوگا کنید. هر چیزی که به بدن شما تحرک و فعالیت ببخشد، احساس بهتری را بر می‌انگیزد. شاید بدن به شدت بالاسد کمی دشوار باشد ولی استفاده از تامپون اجرای حرکات را راحت‌تر می‌کند.

فراموش نکنید که عادت ماهیانه مفید است

به خودتان یادآوری کنید که این دوره مفید است. در حالی که ممکن است آن را مزاحم زندگی بدانید ولی نشان می‌دهد که بدن شما در سلامت به سر می‌برد. مغز شما پیام‌های شیمیایی را به تخمدان‌ها می‌دهد و بنابراین بدن هورمون‌های استروژن و آندروژن را می‌سازد که هر دو آنها بسیار مهم هستند. اگر درک کنید که در بدن شما چه اتفاقی در حال وقوع است، وجه مثبت عادت ماهیانه را خواهید دید.

مراقب غذای خود باشید

مراقب آنچه می‌خورید باشید. این که هر چند وقت یکبار هوس خوردن چیزی را بکنید، ضرری ندارد ولی اگر



ارتباط نخستین حاملگی با مبتلا شدن به دیابت

دیابت بارداری موجب شده است که گیرنده های انسولین به درستی عمل نمی‌کند. این به احتمال زیاد به دلیل عوامل مربوط به حاملگی است که جفت انسانی با گیرنده های انسولین تداخل میکند. این به نوبه خود باعث افزایش سطح قند خون نامناسب میشود. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که زایمان در سنین پایین خطر ابتلا به دیابت را افزایش می‌دهد. بر اساس پژوهش‌های جدید صورت گرفته توسط محققان، سن مادران در اولین زایمان، با خطر ابتلا به دیابت آنها ارتباط دارد. محققان گروهی از بیمارستان دانشگاه چوسان در گوانگجو اطلاعات مربوط به سلامت ملی کره و سنجش تغذیه را بررسی کردند تا ارتباط بین سن زایمان اول و تحمل گلوکز در زنان یائسه را دریابند. نتایج نشان داد خطر ابتلا به دیابت به طور چشمگیری بین گروه‌ها متفاوت است. محققان دریافتند در زنانی که اولین زایمان آنان در سن ۱۹ سالگی و کمتر است با توجه به سبک زندگی، عوامل اجتماعی جمعیتی، عوامل خطر شناخته شده ابتلا به دیابت و عوامل باروری نزدیک به ۱/۵ درصد احتمال ابتلا به دیابت بیشتر است. با این وجود ارتباط چشمگیری بین سن اولین زایمان و اختلال قند خون ناشناخته مشاهده نشد. محققان افزودند: سن اولین زایمان بر دیابت در زنان یائسه تاثیر دارد و بارداری در نوجوانی مستقل از خطر ابتلا به دیابت در زنان یائسه نیست. نتایج این تحقیق در نشریه Diabetes Care منتشر شده است.

شما همه تحقیق در نشریه Diabetes Care منتشر شده است. از یک محصول پیری زودرس ما نقش استفاده می‌کنند، شما هم باید از این کار تبعیت کنید. باید راحت‌ترین گزینه برای بدن خود را انتخاب کنید، محصولی که باعث شود کمتر دشواری خونریزی را احساس کنید. استفاده از روغن ضروری است. استفاده از روغن‌های ضروری، راه طبیعی برای افزایش قدرت بدن است، وقتی احساس سستی می‌کنید، چند قطره از روغن را در وان آب گرم بریزید یا با آن خودتان را ماساژ دهید. بوی این روغن‌ها به خودی خود

از روغن استفاده کنید

استفاده از روغن ضروری است. استفاده از روغن‌های ضروری، راه طبیعی برای افزایش قدرت بدن است، وقتی احساس سستی می‌کنید، چند قطره از روغن را در وان آب گرم بریزید یا با آن خودتان را ماساژ دهید. بوی این روغن‌ها به خودی خود

تحرک داشته باشید

شاید وسوسه اینکه روی میل بخوانید و تمام روز را به تماشای تلویزیون بگذرانید، رهایتان نکند ولی اتفاقا بدن شما نیاز به احساس



زن روز



بروین اعتصامی

برگار زمانه بر تو میگردد چون نقطه تو در حصار پرکاری بکچند شوی بخواب چون مستان ناگه برسد زمان بیداری آید که در گذشتنت ناچار خود بگذری، آنچه هست بگذاری رفتند بجایکی سبکباران زین مرحله، ای خوشا سبکباری کردار بد تو گشت زنگارش آیینه دل نبود زنگاری از لقمه تن بگناه تا روزی بر آتش از دیگ مگذاری بشناس زین ز سود، تا وقتی سرمایه بدست دزد نسپاری

با این سبک زندگی پیر خواهید شد!

تماشا می‌کنند، پنج سال کمتر از سایر هم سن و سالان خود عمر می‌کنند. دکتر کاسیاری معتقد است، نشستن بیشتر از ۳۰ دقیقه باعث می‌شود بدن قند بیشتری در سلول‌ها ذخیره کند و این باعث افزایش وزن شما هم خواهد شد.

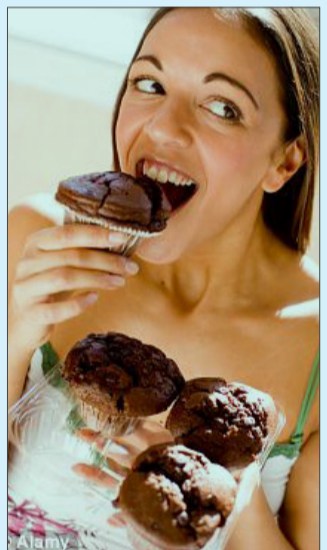
سلول‌ها آسیب می‌زنند و پیر شدن را به دنبال دارند. دکتر کاسیاری پیشنهاد می‌کند به جای اینکه چند کار را باهم انجام بدهید، روی یک کار تمرکز کنید و وقتی آن را انجام دادید سراغ کار بعدی بروید.

از دست ندادن دسرها

خوراکی‌های شیرین علاوه بر اینکه به وزن اضافه می‌کنند، سنی را که چهره نشان می‌دهد هم افزایش می‌دهند. «سوزان استوارت» متخصص پوست می‌گوید: «مولکول‌های قند در داخل سلول‌ها به رشته‌های پروتئینی می‌چسبند.» این روند مخرب، باعث کاهش درخشندگی چهره، ایجاد حلقه‌های سیاه زیر چشم، پف کردگی صورت، افزایش چین و چروک و بزرگ شدن منافذ پوست می‌شود. اگر می‌خواهید نشاط جوانی تان را حفظ کنید، عادت به خوردن شیرینی جات را

استفاده نکردن از کرم دور چشم

حتی یک مراقبت معمولی از پوست هم ایجاب می‌کند، برای جلوگیری از چین و چروک زیر چشم‌ها، از کرم دور چشم استفاده شود. دکتر استوارت می‌گوید پوست اطراف چشم، بسیار نازک تر از پوست سایر قسمت‌های صورت است و افزایش سن را زودتر نشان می‌دهد. مرطوب نگه داشتن پوست ناحیه دور چشم، می‌تواند از تاثیر گذشت سال‌ها بر صورت شما بکاهد.



می‌توانند به سن و سال چهره ای که در آینه می‌بینید بیفزایند. کارشناسان، عادت‌های معمولی را که علت زودتر پیر شدن هستند بیان می‌کنند.

انجام همزمان کارها

آیا درحال راه رفتن، پیامک هایتان را ارسال می‌کنید؟ هنگام نشپزی با دوستان تان چت می‌کنید و در نهایت فکر می‌کنید چیزی از فهرست کارهای قابل انجام دادن تان کم نمی‌شود؟ استرسی که از یک زندگی پر تلاش و تکاپو به شما وارد می‌شود، به بدن تان فشار وارد می‌کند. مردم اغلب فکر می‌کنند اینکه کارهایشان را همزمان انجام دهند عادت خوبی است، اما شما در واقع هیچ یک از کارهای تان را انجام نمی‌دهید، بلکه فقط استرس بیشتری به خودتان وارد می‌کنید. مطالعات زیادی نشان می‌دهند استرس مزمن، محرک آزاد شدن رادیکال‌های آزاد است. این رادیکال‌ها به

شادی‌بخش و آرامش‌دهنده است. ترنج، مریم گلی و اسطوخودوس بهترین روغن‌ها هستند.

استرس را کنترل کنید

یکی از نشانه‌های عادت ماهیانه استرس است. در این دوران حتی بیشتر استرس خواهید داشت. سعی کنید استرس را هدایت و ذهن خود را خاموش کنید. استراحت در حمام، یوگا و مدیتیشن هدایت‌کننده استرس است.

خوش تیپ باشید

خیلی از زنان فکر می‌کنند با دل‌درد و احساس نفخ، ظاهری غیرجذاب پیدا می‌کنند. با این احساس مبارزه کنید؛ به خرید بروید و بهترین لباس‌های خود را بپوشید. شلخته نباشید و در طول روز حتی اگر برنامه‌ای برای بیرون رفتن با دوستان خود ندارید، خوش لباس باشید. سعی کنید مراسم ماهانه‌ای با دوستان خود در این مواقع بگذارید، رستوران جدید بروید و خرید کنید. همه این برنامه‌ها را با ظاهر و موهای آراسته اجرا کنید، احساس بهتری خواهید داشت.

دکتر استوارت می‌افزاید، بهترین کرم‌های مرطوب‌کننده حاوی «رتین آ»، (نوعی ویتامین آ)، آنتی اکسیدان‌ها، هیالورونیک اسید و ویتامین سی هستند. این مواد تولید «کلاژن» و «الاستین» را افزایش داده و باعث کشیدگی پوست و کاهش چروک‌های اطراف چشم می‌شوند.

استفاده زیاد از مواد آرایشی

استفاده زیاد از مواد آرایشی می‌تواند به شکل غیرملموس تری بر سن چهره شما بیفزاید. دکتر استوارت معتقد است، استفاده از مقادیر زیاد مواد آرایشی، بویژه فرآورده‌های روغنی، باعث بسته شدن منافذ پوست می‌شوند. مواد آرایشی همچنین به دلیل دارابودن مواد شیمیایی و الکلی، چربی‌های طبیعی پوست را از بین برده و با خشک ساختن پوست به ایجاد چین و چروک‌ها زودتر از زمان طبیعی آن منجر می‌شوند.

مردان شاخص



آتیلای پسیانی (۱۳۳۶ - تهران)

آتیلای پسیانی بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون و پسر جمیله شیخی است. آتیلای پسیانی فرزند جمیله شیخی [۱] هنرپیشه سینما، تلویزیون و تئاتر ایران [۲] و همسر فاطمه نقوی بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر است. او دارای دختری به نام ستاره و پسری به نام خسرو است که از بازیگران جوان تئاتر به حساب می‌آیند. او در سال ۱۳۶۱ از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشته کارگردانی و بازیگری تئاتر فارغ‌التحصیل شد. بازی در فیلم را از سال ۱۳۶۲ با مرگ سفید کاری از حسین زندیاف تجربه کرد. وی بازی در تئاتر را از سال ۱۳۴۷ آغاز کرد و تاکنون نمایش‌های «باغ آلبان»، «عرق خورشیداشک ماه»، «مخمل آبی»، «متابولیک»، «کلاغ و دوچرخه»، «غلیظ مثل عسل»، «تجوای خاک»، «کالیگولا شاعر خشونت»، «بحرالغراب»، «بازی در گالری»، «بسه دیگه خفه شو»، «گنگ خواب دیده»، «قهوه قجری»، «درد دل با سگ»، «رستخیز»، «تبار خون»، «برف سبز»، «ایمن از این»، «آبی که مار می‌خورد، زهر می‌شود»، متعدددی بوده است.

«آبی که گاو می‌خورد، شیر می‌شود»، «بودن یا نبودن»، «فاطمه عنبر»، «بودن یا نبودن»، «آتورا»، «آتورا»، «مجلس تقلید هفت‌خون»، «ارکستر زنان آشویتس» و «هرامسا» را کارگردانی کرده است. وی در عرصه سینما و تلویزیون صرفنظر از ایفای نقش‌های هنری، عهده دار مسئولیت‌هایی نظیر برنامه‌ریزی، دستیار کارگردانی، بازیگردانی، انتخاب بازیگر و دستیار صحنه و لباس نیز بوده و در جشنواره‌های هنری نیز کاندیدای جوایز متعددی بوده است.



زعفران و تقویت بینایی

مطالعات اخیر نشان داده است که زعفران می‌تواند به صورت کاملاً طبیعی بینایی شما را بهبود بخشد. در این بررسی بیماران دژنراسیون ماکولا یا AMD (بیماری که شایع‌ترین علت کوری در افراد مسن است) که زعفران را در رژیم غذایی خود گنجانده‌اند با بهبود سلول‌ها و بینایی بهتر مواجه شده‌اند. آنها ۲۰ میلی گرم زعفران را به مدت سه ماه مصرف کرده‌اند و با نتایج شگفت‌انگیزی در بینایی خود مواجه شدند. دکتر Silvia Bišić محقق که روی این بیماران کار می‌کند، اظهار داشت: به نظر می‌آید که زعفران روی زن‌هایی تأثیر می‌گذارد که وظیفه‌ی تنظیم اسید چرب غشای سلولی را بر عهده دارند و این امر سبب بهبود بینایی می‌شود. زعفران اغلب به عنوان یک ادویه در انواع غذاها استفاده می‌شود اما با توجه به یافته‌های جدید این ماده ممکن است در برنامه‌های درمانی به ویژه بیماران AMD قرار گیرد. زعفران شامل آنتی‌اکسیدان کاروتنوئید می‌باشد که به عنوان کروستین و کروستین شناخته می‌شوند. فعالیت‌های ضد اکسیداسیون در کروستین بسیار قدرتمند است و می‌تواند از شکل‌گیری سوپراکسید دیس‌جلوگیری کند. همچنین می‌تواند تا حدی فعالیت‌های سوپراکسید دیس‌موتاز (SOD) را ترمیم کند. SOD یکی از آنزیم‌های ضد اکسیداسیون در بدن است که سبب کاهش استرس اکسیداتیو در بدن می‌شود. زعفران می‌تواند فعالیت‌های این آنزیم را در بیماران مبتلا به AMD بهبود بخشد. بنابراین اگر شما احساس می‌کنید که بینایی شما نیاز به تقویت دارد با پزشک خود درباره‌ی مصرف مکمل زعفران مشورت کنید.



مرد روز



سهراب سپهری

روزی خواهیم آمد و پیامی خواهیم آورد...
خواهیم آمد گل یاسی به گدا خواهیم داد
زن زیبای جذامی را گوشواری دیگر خواهیم بخشید
کور را خواهیم گفتم: چه تماشا دارد باغ...
خواهیم آمد، سر هر دیواری می‌خکی خواهیم کاشت
پای هر پنجره‌ای شعری خواهیم خواند
هر کلاغی را کاجی خواهیم داد
مار را خواهیم گفت: چه شکوهی دارد غوک
آشتی خواهیم داد
آشنا خواهیم کرد
راه خواهیم رفت
نور خواهیم خورد
دوست خواهیم داشت

روش‌های ترک اعتیاد تماشای فیلم‌های پورنو

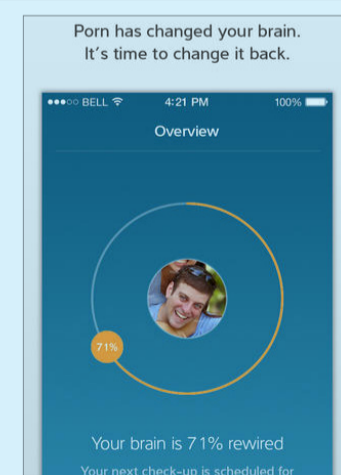
اگر به دنبال راه‌هایی برای پرهیز از تماشای فیلم‌های پورنو روی کامپیوتر خود هستید؛ مطمئن باشید که با اعتیاد به پورنو به سلامت جسمی و روانی خود آسیب بزنید و باید هر چه زودتر سرگرمی‌های دیگر را جایگزین آن کنید. اگر می‌خواهید پیام‌های پورنو را از زندگی لذت ببرید و از تماشای فیلم‌های پورنو جلوگیری کنید، برای دوران نقاهت راه‌نمایی‌های زیر را اجرا کنید.

قبول کنید که این مشکل را دارید
قبول کنید که مدت زمان زیادی را صرف تماشای فیلم‌های پورنو می‌کنید. قبل از اینکه تماشای فیلم پورنو را متوقف کنید، باید قادر به این اعتراف باشید که بخشی از ساعات بیداری خود را صرف دیدن فیلم پورنو می‌کنید و این بر روی عواطف و جسم شما اثر منفی دارد. Brainbuddy یک برنامه رایگان است که می‌تواند به شما کمک کند تا تماشای برنامه‌های پورنو را کنترل کنید.

فقط شما می‌دانید که چه مقدار فیلم پورنو نگاه می‌کنید، اینکه ساعتی را در هفته را به این کار اختصاص می‌دهید یا برایش هدف‌گذاری می‌کنید، نشان‌دهنده یک اعتیاد است. یاد بگیرید که علائم هشداردهنده را جدی بگیرید و قاضی خودتان باشید.

کشف کنید که می‌توانید متوقف شوید یا نه
شاید تقریباً غیرممکن باشد فردی که در اواسط تماشای یک صحنه تحریک‌آمیز است، بتواند آن را متوقف کند اما اگر از خواب بیدار می‌شوید و مصمم هستید تا فیلم پورنو تماشا کنید یا تمام روز به این فکر می‌کنید که چه وقت فرصت تماشای پورنو دارید، باید بدانید که اعتیاد تماشای پورنو امری جدی است. تمایل داشتن به توقف این عادت به معنای این نیست که بتوانید این مشکل را متوقف کنید.

ذهن خود را کنترل کنید
افکار خود را کنترل کنید، اگر خودتان را در کلاس درس، در طول کار یا حتی وقتی مشغول مرادبه با دوستان خود هستید؛ مشغول فکر کردن به موضوع‌های جنسی پیدا می‌کنید، باید به وضعیت جدی که در آن هستید فکر کنید و برایش برنامه ریزی کنید. درست است که همه انسان‌ها به موضوع‌های جنسی فکر می‌کنند ولی اگر نزدیک روابط عاشقانه و دوستانه و خانواده‌تان باشد. به خاطر اینکه شما می‌توانید زندگی کنید به جای اینکه تمام وقت جلوی صفحه نمایش کامپیوتر باشید. به خاطر اینکه نمی‌خواهید اسیر یک اعتیاد باشید. نمی‌خواهید بدخواب باشید، غذا کم بخورید و احساس منفی تماشای آن بر زندگی خود را پیدا کنید. بنویسید که در صورت توقف این کار، چه کمکی به بهبود وضعیت شما می‌شود. شاید توقف تماشای پورنو بازگشت به سلامتی، روابط عاشقانه و دوستانه و خانواده‌تان باشد. به خاطر اینکه شما می‌توانید زندگی کنید به جای اینکه تمام وقت جلوی صفحه نمایش کامپیوتر باشید. به خاطر اینکه نمی‌خواهید اسیر یک اعتیاد باشید. نمی‌خواهید بدخواب باشید، غذا کم بخورید و احساس



می‌کنید یک مسدودکننده پورنو روی کامپیوتر مانند حفاظت وب کی ۹، همه این سایت‌ها را بلاک می‌کند و شما باید راه دشوار و طولانی را برای بستن این برنامه بروید. این کار شاید انگیزه تماشای پورنو را کاهش دهد. از گشت و گذار در اینترنت و استفاده بیش از حد کامپیوتر اجتناب کنید. در فضاهای بسته و زمانی که تنها هم هستید از کامپیوتر استفاده نکنید. اگر قادرید اینترنت را قطع کنید تا زمانی که نیاز مبری به آن دارید. یک راه دشوار برای روشن کردن اینترنت بوجود بیایید، یک حرف رمز طولانی و پیچیده انتخاب کنید یا آن را چند مرحله‌ای کنید. افزایش اعتیاد به پورنو اغلب به دلیل دسترسی آسان است، اگر این دسترسی را برای خودتان سخت‌تر کنید برای انجام آن تمایل کمتری خواهید داشت.

روز به روز آن را ترک کنید
اگر بخواهید با یک تصمیم بزرگ این کار را انجام دهید، قاعدتاً غیرممکن خواهد بود که به طور کامل آن را کنار بگذارید. سعی کنید برنامه‌ریزی روزانه‌ای داشته باشید تا کم کم تماشای فیلم پورنو را متوقف کنید.

بیماری که بینایی شما نیاز به تقویت دارد با پزشک خود درباره‌ی مصرف مکمل زعفران مشورت کنید. اینک احساس می‌کنید باید به خودتان احترام بگذارید و عزت نفس خود را حفظ کنید و کنترل زندگی خود را به دست بگیرید.

دیدن فیلم پورنو را برای خود سخت کنید
برای رهایی از اعتیاد تماشای فیلم پورنو، سعی کنید شرایط دسترسی به آن را دشوار کنید. اگر چه بسیاری از مردم دنیا اغلب وقت خود را مقابل کامپیوتر نشسته‌اند ولی راه‌های مسدود کردن سایت‌های پورنو وجود دارد. هنگامی که برای بار دوم و سوم در روز این سایت‌ها را باز

هر مشکل برای خودش ورزش مخصوصی دارد؟

منجر می‌شود. افزایش تمرکز به آرامش و پایداری روانی شخص کمک می‌کند.

دوپینگ با دوچرخه ثابت
حتی اگر سوار دوچرخه ثابت شوید و دوچرخه حرکتی نداشته باشد، اما باز هم چرخاندن چرخ ناخودآگاه باعث شادابی و افزایش انرژی می‌شود. محققان در دانشگاه جورجیا اعلام کرده‌اند که تنها بعد از ۳۰ دقیقه دوچرخه سواری امواج مثبت شده مغزی توسط دستگاه ثبت امواج نشان داد مدارهای عصبی مغز فعال‌تر شده‌اند و همین موضوع باعث افزایش انرژی شده است. هر چند که به نظر می‌رسد دوچرخه سواری فرد را خسته می‌کند اما در واقع سطح انرژی بدن را افزایش می‌دهد و نشاط را بالا می‌برد. البته توصیه می‌شود دوچرخه

تمرکز با وزنه
طبق مطالعاتی که در سال ۲۰۱۰ در مجله نوروسایکولوژی منتشر شد، تمرین با وزنه به مدت سه تا پنج بار



سواری در هوای آزاد انجام شود زیرا نور و تماس باد با صورت هم به افزایش شادابی کمک می‌کند اما اگر امکان آن فراهم نیست، می‌توان از دوچرخه ثابت هم استفاده کرد.

برای کاهش استرس تایچی را امتحان کنید
تایچی یک هنر رزمی چینی است که روی روان و جسم به طور همزمان کار می‌کند و با انجام تمرینات ذهنی و بدنی به طور همزمان باعث افزایش تمرکز می‌شود. دو مطالعه که در ایالات متحده و انگلستان انجام شده نشان داده تایچی با انجام تنفس ریتمیک، بهبود تعادل و افزایش قدرت، تعادل بیشتر و انعطاف‌پذیری باعث تشویق به حرکات آرام و مطمئن می‌شود. عادت به این حرکات باعث آرامش و اطمینان قلبی می‌شود و استرس را کاهش می‌دهد. برای نتیجه بهتر لازم است هر روز صبح به مدت ۲۰ دقیقه این حرکات را انجام دهید.

در هفته، تأثیر مستقیم روی افزایش توانایی برنامه‌ریزی، تنظیم رفتار و توانایی انجام چند کار با هم دارد. تحقیقات تکمیلی نشان داد تمرین با وزنه به مدت یک ساعت، یک یا دو بار در هفته هم می‌تواند توانایی اشخاص در انتخاب و تمرکز را افزایش دهد. محققان در حال حاضر به دنبال پیدا کردن ارتباط ذهن و عضله هستند اما تاکنون ثابت شده فاکتورهای تقویت عضلات در مغز به تولید نورون بیشتر در این عضو



انجام شده در سال ۲۰۱۰ که در مجله طب مکمل و جایگزین منتشر شد، حرکات کششی می‌تواند تا حد زیادی به کاهش اضطراب کمک کند. برای انجام این تحقیق صد نفر که اضطراب داشتند را به مدت یک ماه بررسی کردند. آنها هفته‌ای سه بار حرکات کششی انجام می‌دادند و در پایان اضطراب آنها به مقدار قابل‌توجهی کاهش پیدا کرده بود.

پزشکان معتقدند حرکات کششی با افزایش اکسیژن‌رسانی به بدن منجر به عملکرد بهینه تمام اعضا مخصوصاً مغز می‌شود و خلق و خو را تا حد زیادی کنترل می‌کند. این تحقیقات نشان داد انجام یوگا به مدت سه ماه، روی اعصاب پاراسمپاتیک هم تأثیر مستقیم می‌گذارد. در حالت کلی این حرکات کمک می‌کند اعصاب آرام‌تر و خلق ثابت‌تری داشته باشید. برای خواب بهتر، پیلاتس را امتحان کنید

اغلب کسانی که از مشکلات خواب شکایت می‌کنند، نمی‌توانند در زمان استراحت آرام باشند. وقتی افراد تحت استرس باشند خواب‌شان

مسابقات مقدماتی قهرمانی بانوان آسیا ایران ۱۲ سوریه صفر



بازیکنان تیم بانوان ایران در این مسابقه اینها بودند:

فاطمه عادل، کویستان خسروی، زهرا قنبری، سارا ظهرا، وحیده ایثاری، سارا قمی، صفورا جعفری، کوثر کمالی، شقایق روزبهان و الهام فرمند

بازی ۱۸ گل وارد دروازه حریفان کردند بدون آنکه تیم رقیب بتواند دروازه ایران را باز کند. در بازی برابر سوریه سارا ظهرا (۴ گل)، زهرا قنبری (۴ گل)، سارا قمی (۲ گل)، فاطمه قاسمی و شقایق روزبهان هر یک (یک گل) به ثمر رساندند.

مرحله مقدماتی جام ملت‌های آسیا این هفته پایان یافت. تیم ملی فوتبال دختران ایران در این رقابت‌ها ۲ باخت مقابل برمه و ویتنام و ۲ برابر سنگاپور و سوریه داشت. نتیجه بازی ایران با سنگاپور ۶ بر صفر و با سوریه ۱۲ بر صفر بود. در واقع دختران فوتبال‌باز ایران در این دو

معاون وزارت خارجه:

بعضی فدراسیون‌ها از نوشتن یک نامه صحیح عاجزند



عراقچی از صحنه‌های زشت و به قول او خجالت‌آور در محیط ورزشی ایران هم صحبت کرده مثلاً از درگیری دو بازیکن تیم ملی فوتبال در زمین هنگام مسابقه جلوی دوربین‌های تلویزیونی می‌گوید: در یک بازی که شخصاً در استادیوم حاضر بودم دو بازیکن پرسپولیس با یکدیگر درگیر شدند این نشان می‌دهد ما در ساختن یک تیم و فرستادن آن به زمین مشکل داریم، متأسفانه در سطوح مدیریت هم همینطور است.

وی اضافه کرد: قبل از انقلاب منزل ما نزدیک استادیوم امجدیه بود و زیاد به آنجا می‌رفتم و حتی یاد

کشورها موثر است. ورزشکاران و تیم‌های ورزشی غالباً به کشورهایی می‌توانند سفر کنند که سیاسیون و اقتصاددانان نمی‌توانند، بارها اتفاق افتاده هنگامی که روابط دو کشور سرد بوده با سفر تیم‌های ورزشی آن کشورها به یکدیگر تغییر و تحولی در ارتباط فی‌مابین به وجود آمده. مثلاً از زمانی که روابط ایران و آمریکا قطع شده تماس‌های ورزشی میان دو ملت برقرار بوده است.

هیچ ایرانی در فدراسیون‌های جهانی حضور موثر ندارد

عباس عراقچی معاون وزارت خارجه و عضو تیم مذاکره کننده هسته‌ای ایران در دوران ریاست جلیلی و محمدجواد ظریف از طرفداران پر و پا قرص تیم پرسپولیس است، او به ماهنامه «دنیا فوتبال» گفته است: ورزش همیشه با سیاست رابطه تنگاتنگ داشته بسیاری از مرادوات و روابط خارجی ورزش در دنیا از طریق وزارت خارجه کشورها انجام می‌شود. او تأکید کرده که ایران هم مانند شماری از کشورها باید در سازمان‌های بین‌المللی ورزش نمایندده و نفوذ داشته باشد، اما متأسفانه در حال حاضر هیچ شخصیت ورزشی ایران در فدراسیون‌های جهانی حضور موثر ندارد. در گذشته کسانی مانند دکتر محمد توکل پزشک معروف که نایب رئیس فدراسیون کشتی جهان «فیلا» بود، آقای دنیا مالی که عضو فدراسیون جهانی قایقرانی است و آقای مرادی هم که در فدراسیون جهانی وزنه‌برداری فعال است، متأسفانه در هیچ سازمان یا فدراسیون بین‌المللی دیگر کسی را نداریم.

عراقچی گفته: بعضی فدراسیون‌های ورزشی از نوشتن یک نامه صحیح عاجز هستند و در جریان بازی‌های بین‌المللی در صورت لزوم از احقاق حق خود نیز عاجزند، به همین دلیل حق آنها به راحتی ضایع می‌شود، بعد می‌گویند شکایت کرده‌ایم، اما چگونه شکایت کرده‌اند با نوشتن نامه‌ای سر تا پا غلط از نظر حقوقی و حتی املائی. به گفته عراقچی نقش ورزش گاهی اوقات در تحکیم رابطه میان



گرفته بودم چطور بدون بلیت وارد ورزشگاه شوم، او درباره ورود خانم‌ها به ورزشگاه‌ها هم گفته محیط ورزشگاه‌ها خوب نیست. چندی پیش با پسرم برای تماشای مسابقه پرسپولیس به استادیوم رفتیم و واقعا خجالت کشیدم و شاهد بودم که به بازیکن، مربی و خانواده آنها فحش می‌دادند.

فدراسیون جهانی بسکتبال:

دختران بسکتبالیست ایران باز هم صبر کنند



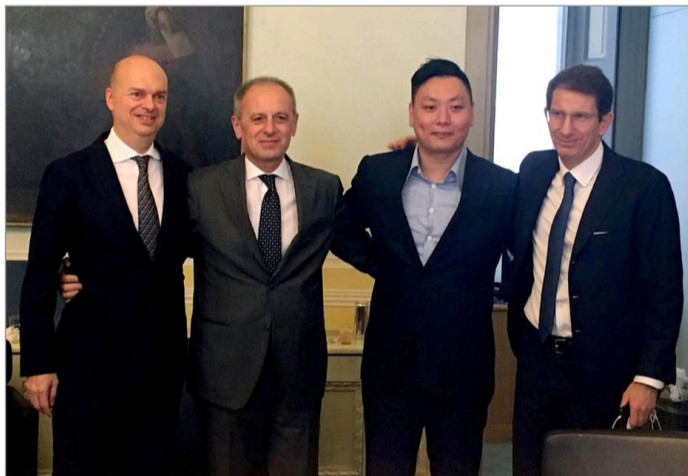
بسکتبال دختران را تماشا کند و بعد از گزارش او فدراسیون جهانی بسکتبال در مورد حضور دختران ایران در مسابقات بین‌المللی تصمیم بگیرد.

این بازی بین تیم‌های گاز تهران و کوشا سپهر در حضور تماشاگران زن و داورزنی معاون وزارت ورزش برگزار شد و تیم کوشا سپهر حریف خود را ۷۵ بر ۶۰ شکست داد. در پایان این دیدار نماینده فدراسیون جهانی گفت: به رفع ممنوعیت تیم بسکتبال دختران محجبه ایران بیشتر امیدوار شده‌ایم اما آنها هنوز باید صبر کنند.

سر تا پا پوشیده مخالف هستند. آنها می‌گویند این نوع پوشش در بازی بسکتبال که به دوندگی و جهش و پرش مداوم نیاز دارد آن هم در سالن سرپوشیده باعث می‌شود دخترهای بسکتبالیست به شدت عرق کنند و گرم‌زده شوند که نتیجه آن ریزش مو و ناراحتی‌های دیگر است، به خصوص آنکه رژیم جمهوری اسلامی اصرار دارد حتی گردن دختران ورزشکار در مسابقات پوشیده باشد.

بیش از پنج سال از تلاش‌های مداوم فدراسیون بسکتبال ایران به خصوص در دوران ریاست محمود مشحون بر این فدراسیون برای جلب رضایت مسئولان «فیبا» و حضور تیم بسکتبال دختران ایران در مسابقات بین‌المللی می‌گذرد. از سال گذشته به این سو این تلاش‌ها شدت بیشتری به خود گرفته و ملاقات‌های متعددی میان مسئولان فدراسیون بسکتبال ایران و مقامات «فیبا» صورت گرفته است، اما هنوز اکثر اعضای هیأت رئیسه فدراسیون جهانی بسکتبال با شرکت دختران ایران با لباس‌های

برلسکونی، میلان را به چینی‌ها فروخت



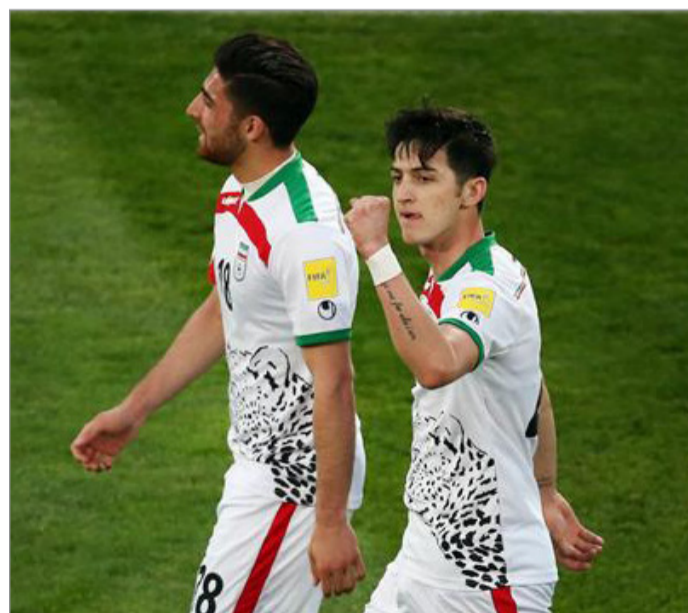
باشگاه فوتبال آث میلان از قدیمی‌ترین باشگاه‌های فوتبال جهان و قهرمان هشت دوره مسابقات لیگ برتر فوتبال ایتالیا «کالچو» این هفته به کنسرسیوم (روسونری لوکس) چین فروخته شد. صاحب آث میلان سیلویو برلسکونی نخست‌وزیر پیشین ایتالیا ثروتمند معروف و صاحب فرستنده‌های تلویزیون آن کشور است. شرکت «فینین وست» که بخشی از تشکیلات بازرگانی برلسکونی است طرف معامله چینی‌ها است. برلسکونی تیم میلان را در سال ۱۹۸۶ خریداری کرده بود.

پلیس آلمان: انفجار اتوبوس بازیکنان دورتموند کار تروریست‌ها بود



پلیس آلمان ساعتی پس از انفجار بمب در نزدیکی اتوبوس تیم فوتبال بورسیا دورتموند از لیگ برتر آن کشور در روز سه‌شنبه اعلام کرد این انفجار یک حادثه تروریستی بوده است. در این ماجرا مچ دست مارس بارتر بازیکن اسپانیایی دورتموند شکست. قرار بود بورسیا دورتموند و تیم موناکوی فرانسه در مرحله یک هشتم نهایی مسابقات فوتبال اروپا دیدار کند، این مسابقه به دنبال انفجار به روز چهارشنبه موکول شد. به اتوبوس حامل بازیکنان بورسیا دورتموند خسارتی وارد شده است.

مدیرعامل باشگاه ذوب‌آهن: فوتبال ما «شتر، گاو، پلنگ» است



بلکه منصفانه است. ما در بازی‌های رفت تیم ذوب‌آهن استادیوم تیم‌های العین و بنیادکار را دیدیم که چه اندازه از ورزشگاه‌های ما مجهزتر و بهتر هستند، فوتبال ما «شتر، گاو، پلنگ» است برخی تیم‌ها دولتی، برخی خصوصی و بعضی نیمه خصوصی هستند. تیم‌های پرسپولیس و استقلال توسط وزارت ورزش اداره می‌شود یعنی در اختیار دولت هستند. باشگاه‌های بزرگ ما هنوز پنجاه متر زمین برای تمرین ندارد و همه چیز آنها اجاره‌ای است.

فوتبال ایران روی شاخ بازیکنان مقیم خارج می‌چرخد

سعید آذری مدیرعامل باشگاه ذوب‌آهن از لیگ برتر ایران می‌گوید حضور ایران در رده هشتم باشگاه‌های آسیا واقعیت فوتبال ما است و موفقیت‌های تیم ملی را هم باید مدیون بازیکنان شاغل در تیم‌های خارجی بود. به نظر آذری حضور ایران در رده هشتم باشگاه آسیا تعجب‌آور نیست

مهسا به سارق خوش قیافه دل باخت و با او همدست شد



مهسا دختری که در جریان یک رابطه عاشقانه و به امید ازدواج با مرد مورد علاقه خود با سارقین یک طلافروشی همکاری کرده این هفته در صحبت‌های خود در دادگاه در مورد اثرات منفی جدائی پدر و مادرش بر زندگی او و اینکه چرا عاشق یک سارق خوش قیافه شده است توضیح داد.

در مرداد ماه سال ۱۳۹۴ پلیس در جریان یک سرقت از یک جواهرفروشی در خیابان خانی‌آباد تهران قرار گرفت. مأموران در محل حادثه متوجه شدند چهار مرد و یک زن به نام مهسا، با اسلحه کلاشینکف به مغازه طلافروشی دستبرد زده‌اند و با تهدید و شلیک چند گلوله، نزدیک به چهار کیلو و ۷۰۰ گرم طلا دزدیده‌اند. مهسا هنگام فرار توسط راننده تاکسی که او را سوار کرده بود به مأموران تحویل داده شد.

او به پلیس گفت: اخیرا با مرد جوانی به نام امیر آشنا شدم، همیشه از داشتن یک مرد در زندگی محروم بودم؛ برای همین بعد از گذشت چند ماه عاشق او شدم. یک روز امیر با من تماس گرفت و گفت اگر از تو کاری بخواهم برایم انجام می‌دهی، گفتم بله؛ با من قرار گذاشت و گفت می‌خواهم با سه نفر از دوستانم به نام مهران، افشین و حسن به یک طلافروشی دستبرد بزنیم از تو می‌خواهم وارد مغازه بشوی و در را باز بگذاری تا ما وارد شویم، به این ترتیب می‌توانم پول دیه دعوائی را که کرده بودم پرداخت کنم تا بتوانیم با هم ازدواج کنیم و یک زندگی خوبی را داشته باشیم. اول فکر کردم دارد شوخی می‌کند یا

می‌خواهد مرا امتحان کند، به هر حال قبول کردم با آنها همکاری کنم. فردای آن روز طبق قرار به محل رفتیم به مغازه‌دار اشاره کردم که در را باز کند، قفل در باز شد و من چند ثانیه مکث کردم در همان حین امیر و دوستانش وارد مغازه شدند و من از محل فرار کردم و سوار تاکسی شدم، اما راننده تاکسی متوجه ماجرا شد و مرا به پلیس تحویل داد. با دستگیر شدن مهسا، سایر متهم‌ها شناسائی و در شهرهای شمالی ایران دستگیر شدند و به جرم خود اعتراف کردند و نزدیک به دو کیلو و ۴۸۳ گرم از طلاها را به پلیس تحویل دادند.

مهران پس از بازداشت به جرم خود اعتراف کرد و گفت: مدتی پیش سعید به ما پیشنهاد داد از یک مغازه طلافروشی در خانی‌آباد سرقت کنیم همان روز نقشه کشیدیم و قرار شد من همراه امیر، حسن و افشین طلاها را بدزدیم و آنها را به سعید بفروشیم. روز قبل از سرقت سراغ مهسا رفتیم

و از او خواستیم با ما همکاری کند، او هم قبول کرد. آن روز طبق نقشه مهسا وارد مغازه شد و ما پشت سر او وارد شدیم من و افشین اسلحه داشتیم، کارکنان مغازه را با شلیک چند گلوله بیرون کردیم بعد امیر کیسه‌های آورد و طلاهای و بترین را در کیسه ریختیم فرار کردیم، چند ساعت بعد طلاها را بین خودمان تقسیم کردیم تقریبا به هر کداممان ۸۳۰ گرم طلا رسید.

با توجه به شکایت شاکیان و سایر مدارک موجود پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری تهران ارسال شد. هفته گذشته دادگاه این حادثه تشکیل شد، شاکیان در جایگاه حاضر شدند و بار دیگر شکایت خود را مطرح کردند.

متهمان هم دفاعیات خود را بیان نمودند، شاکیان با شنیدن حرف‌های دختر جوان تحت تأثیر قرار گرفتند و رضایت دادند و از شکایت علیه مهسا صرف‌نظر کردند و مهسا تبرئه شد.

خانواده قاتل گوشت مقتول را خوردند



چند هفته پیش مردی به پلیس شهرستان ایرانشهر خبر داد سپیده همسرش ناپدید شده است. تحقیقات پلیس نشان داد صمیمی‌ترین دوست سپیده ۲۲ ساله یکی از همسایه‌های او بوده است. کارآگاهان به سراغ این زن رفتند اما معلوم شد او به شیراز رفته است. کارآگاهان مطمئن شدند سفر ناگهانی این خانم به شیراز با ناپدید شدن سپیده بی‌ارتباط نیست. این زن بعد از بازگشت از شیراز توسط مأموران دستگیر شد.

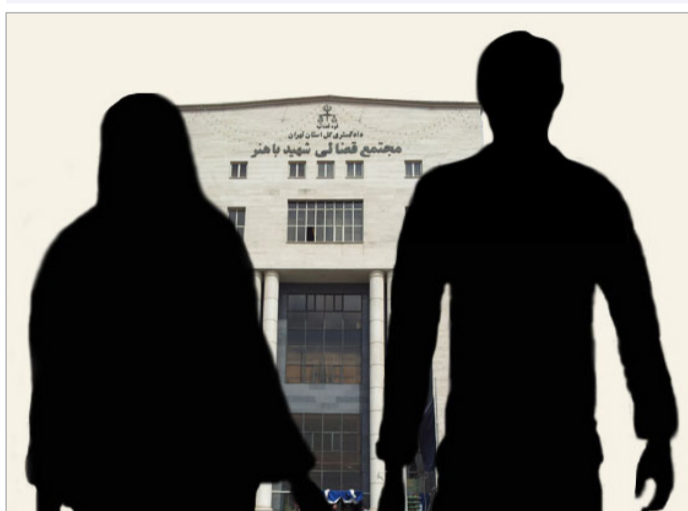
در بازرسی از خانه زن جسد مثله شده سپیده در یک کیسه پلاستیکی به دست آمد. وی در جریان بازجویی به قتل سپیده اعتراف کرد و گفت، وضع مالی من خوب نیست اما سپیده پولدار بود و جواهرات زیادی داشت که همواره مرا وسوسه می‌کرد، بنابراین تصمیم گرفتم طلاهای او را بدزدم اما برای این کار نیاز به کمک و در واقع همدست داشتن موضوع را با یکی از دوستانم در میان گذاشتم و او برادر شوهرش را به من معرفی کرد.

با سپیده در خانه‌ام قرار گذاشتم و تصمیم گرفتیم وقتی به بهانه یک خرید

فوری از منزل خارج می‌شوم در را باز بگذارم، دوستم همراه برادر شوهرش به عنوان سارق وارد خانه شوند ضمن دزدیدن بعضی وسایل طلاهای سپیده را به زور از او بگیرند، اما آنها به من تلفن کردند که اتفاق بدی افتاده است، به منزل بازگشتم دیدم جسد سپیده در اتاق پذیرائی افتاده، همدستانم گفتند وقتی می‌خواستند جواهرات سپیده را از او بگیرند با وی درگیر شدند و سر سپیده به دیوار اصابت کرده به

زمین افتاده و مرده. سه نفری جسد را تکه‌تکه کردیم آنها رفتند اما من دستگیر شدم، ساعتی بعد دوستم و شوهر خواهرش هم بازداشت گردیدند. او به مأموران گفت قسمتی از بدن سپیده را در کیسه فریزر گذاشته و به عنوان گوشت شتر برای برادرش به شیراز فرستاده. کارآگاهان در شیراز به خانه برادر این زن مراجعه کردند و متوجه شدند خانواده برادرش گوشت‌ها را به عنوان گوشت شتر خورده‌اند.

پنجاه درصد از دواج‌ها در تهران به جدائی می‌انجامد



ایران در حال حاضر یکی از پر طلاق‌ترین کشورهای دنیا است وجود مشکلات فراوان در زندگی روزمره مردم از یک سو، بیکاری و گرانی از سوی دیگر باعث افزایش سن ازدواج شده است و ازدواج دختران و پسران در ایران را می‌توان از کم دوام‌ترین ازدواج‌های دنیا دانست.

شاید ایران تنها پایتخت در جهان باشد که میزان طلاق در آن به ۵۰ درصد رسیده است، یعنی اینکه این روزها ۵۰ درصد وصلت‌ها در پایتخت ایران به جدائی می‌انجامد. خدادادی نماینده مجلس جمهوری اسلامی و رئیس کمیسیون اجتماعی آن می‌گوید در گذشته فاصله ازدواج و جدائی زوج‌ها ۵ تا ۷ سال بود اما حالا به ۳ تا ۵ سال رسیده است.

ایرانی‌ها در ایام نوروز ۵۴ میلیون دقیقه با خارج صحبت کردند



در ایام نوروز امسال ایرانی‌ها ۵۴ میلیون و ۳۷۲ هزار دقیقه با بستگان و دوستان خود در خارج تلفنی گفتگو کردند. حجم این مکالمات ۳۴ میلیون و ۹۴۷ هزار و ۶۳۱ دقیقه از ایران به دیگر کشورها و ۱۹ میلیون و ۴۳۳ هزار و ۹۱۸ دقیقه از خارج به ایران بوده است.

بیشتر این تماس‌های تلفنی هم با افغانستان، عراق، امارات متحده عربی، آمریکا، پاکستان، ترکیه، آلمان و کانادا بوده است. بیشترین میزان صحبت تلفنی روز سی اسفند ۱۳۹۵ هم زمان با تحویل سال ۱۳۹۶ انجام گرفته به طوری که تنها در آن روز ۵ میلیون و ۶۶۰ هزار و ۶۱۹ دقیقه سلام، احوالپرسی و تریک رد و بدل شده است.

کارشناسان شرکت تلفن در ایام نوروز ۲۴ ساعته در محل کار خود حاضر بوده‌اند تا در جریان مکالمات مشکلی بروز نکند.

قتل زن تاجر چینی در جزیره قشم



جنازه یک خانم اهل چین که در جزیره قشم فعالیت‌های بازرگانی داشت این هفته در چمدانی در گوشه‌ای از حیات خلوت خانه او پیدا شد.

این خانم وقتی در محل کار خود حاضر نشد همکاران وی نگران شدند و پلیس را در جریان قرار دادند، مأموران به منزل او رفتند و هنگام جستجو در حیاط خلوت

خانه با چمدانی مواجه شدند، وقتی در آن گشودند جنازه زن تاجر را در آن دیدند.

تلاش‌های پلیس سرانجام به نتیجه رسید و یک مرد چینی که در قشم برای یک شرکت چینی کار می‌کند به اتهام قتل دستگیر شد. قاتل در بازجویی‌ها به قتل همکارش اعتراف کرده و دلیل کشتن او را اختلافات مالی ذکر کرده است.

جوان ۲۶ ساله در بهشهر خود را حلق آویز کرد

در هیچ نقطه‌ای از دنیا جوان‌های سرخورده و دل شکسته به اندازه ایران برای خلاصی از فشارها و مشقت‌های زندگی در فضای خفقان‌آور جمهوری اسلامی خود را دار نمی‌زنند. تقریبا هر هفته خودکشی دختران و پسران جوان به این شکل را در رسانه‌ها می‌خوانیم.

پلیس بهشهر در مازندران می‌گوید: خانواده این پسر بیکر او را به بیمارستان رساندند اما خیلی دیر شده بود. به گفته پلیس هنوز دلیل خودکشی این جوان اعلام نشده است.

حمله زن و شوهر با چاقو به یکدیگر

زن و شوهری که در چند ماه اخیر غالبا بر سر موضوعات مختلف با یکدیگر درگیر می‌شدند آخرین مشاجره آنها به زد و خوردی شدید با چاقو منجر شد، این دو نفر که نامشان از سوی پلیس اعلام نشده این هفته در خانه خود در شهر بابل پس از دقایقی کشمکش هر یک چاقویی از آشپزخانه برداشتند و به جان هم افتادند و یکدیگر را سخت مجروح کردند.

همسایه‌ها به پلیس خبر دادند و آمبولانس اورژانس زن و شوهر مجروح را به بیمارستان منتقل کرد، هر دو نفر از ناحیه دست و گردن مجروح شده‌اند. مرد ۴۳ سال دارد و همسر او ۳۲ ساله است.

«کلاشینکف» زیر چادر دزدان زن نما



دو مرد که با لباس زنانه چادر به سر داشتند وارد یک جواهرفروشی معروف در چهارباغ اصفهان شدند، سلاح کلاشینکف را از زیر چادر بیرون آوردند و با تهدید صاحب مغازه جواهرات را با خود بردند. چند روز بعد از این حادثه مردان زن‌نمای چادر به سر به جواهرفروشی دیگری در خارج از شهر اصفهان یورش بردند و به همین ترتیب مغازه را خالی کردند. پس از مدتی تحقیق چند روز پیش محل سکونت دزدان مسلح چادری کشف شد و با هجوم مأموران دستگیر شدند.

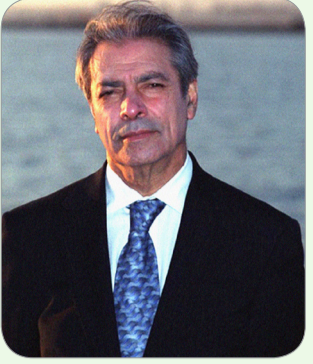
نامزد کراواتی ریاست جمهوری ایران: ترامپ تحت فرمان من است



یکی از نامزدهای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری ایران به نام ذکریا روز سه‌شنبه این هفته برای ثبت‌نام در وزارت کشور حاضر شد او در حالیکه کت و شلوار سرمه‌ای شیک به تن و کراوات قرمزی به گردن داشت برای شرکت در انتخابات ثبت‌نام کرد.

ذکریا به خبرنگاران گفت مستقل هستم و به هیچ حزب و گروهی وابستگی ندارم، ذکریا همچنین گفت در صورتی که رئیس جمهوری شوم ماهی پانزده میلیون تومان به بیکاران حقوق می‌دهم.

وی ضمناً یادآور شد که پرزیدنت دونالد ترامپ تحت فرمان اوست، روز سه‌شنبه یک جوان هفده ساله هم برای انتخابات ریاست جمهوری رژیم ایران ثبت‌نام کرد.



داروش همایون
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

داروش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌های نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی‌وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به باز نشر گلچینی از آثار داروش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشیو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

زمینه واقعی همرائی ملی

کیهان لندن شماره ۱۲۳۶ - ۲۱ آذر ماه ۱۳۸۷

مردمان. از شش دهه‌ای پیش ما می‌توانیم آن فرمول را در جزئیات آن تعریف کنیم. اعلامیه جهانی حقوق بشر که بعدها با میثاق‌های پیوست آن تکمیل شد بیشترین سود بیشترین مردمان را در خود دارد. هم امروز یکی دو میلیارد تن از مردم جهان در جامعه‌های زندگی می‌کنند که بیشترین مردمان یا از وضع خود

معنای درست همرائی را نمی‌دانیم. فرمول واگذاشتن هر مسأله اصولی (و نه شکل پادشاهی و جمهوری یا مسائل عملی مربوط به قانون اساسی) به رای آینده مردم نیز گریز از برابر مسؤولیتی است که ما هم اکنون در برابر ملت خود داریم. در مسائل اصولی هیچ امتیازی نمی‌توان داد. برای دموکراسی و حقوق بشر

در روزهای پایانی ماه گذشته در واشنگتن همایشی، یک کنگره حزبی مخالفان تبعیدی رژیم اسلامی، برپا شد که فرایند دگرگون کردن فضای سیاست ایران را اندکی پیش‌تر برد. دگرگون کردن فضای سیاست را در اینجا دست کم نمی‌باید گرفت. از کارزار سیاسی و فرهنگی ما با حکومت و جهان‌بینی آخوندی تا ساختن یک جامعه شهروندی در ایران، همه چیز بستگی به آن دارد. اگر ملت ما امروز در اینجا، فرامد فضای سیاسی است که دو نسل ایرانیان، با کوردلی باور نکردنی، خود را محکوم به زیستن در آن کردند. در آن کنگره جمعی از نمایندگان انتخابی واحدهای حزبی که توانسته بودند خود را به پایتخت آمریکا برسانند همایش را با دعوت از چند سخنران میهمان رونق بیشتری بخشیدند - درست به همان قصد کمک به دگرگونی که از آن سخن رفت.

همایش، کنگره حزب مشروطه ایران بود که همان نامش مرزی ناگذشتنی با دیگرانی می‌کشد. حزبی با چنان نام در یک سوی دره است - یکی از دره‌های فراوان جغرافیای سیاست ما - دیگرانی که هر اشاره به پادشاهی، اگر چه در بهترین دگرگویی آن، دست‌هاشان را بر سر سلاح دشمنی می‌برند، در سوی دیگر آن. با اینهمه در کنگره، هم شاهدان رضا پهلوی سخن گفت و هم دو تن از مشهورترین نمایندگان گرایش جمهوریخواه. از آن مهم‌تر پیام هر سه سخنران و خود کنگره نیز، همه در روشنگری معانی دگرگون کردن فضا بود - در صورت اولویت دادن به محتوای دموکراتیک نظام سیاسی به جای تمرکز بر شکل آن؛ پذیرفتن مسؤولیت شخصی و گروهی، و اسطوره‌زدایی از تاریخ که سیاست ایران را دنباله رو فولکلور شیعه آخوندی گردانیده است؛ اشتباه نگرفتن برنامه سیاسی با ایدئولوژی و جلوگیری از ایدئولوژی زده شدن؛ گذاشتن یکپارچگی و یگانگی ملی ایران در بالاترین جاها که سخنران میهمان دیگری پیرامون آن سخن گفت.

نامی توانیم در اهمیت آن نشست و تاثیر آن مبالغه کنیم. این نیز یکی دیگر از رویدادهای ضروری کوچکی بود که می‌تواند به دگرگونی‌های بزرگ بینجامد. حتی نمی‌توان گفت که با همه آنچه گفته شد موافق بودیم. حزب از جمله با قرار دادن فدرالیسم به عنوان یکی از صورت‌های تمرکز زدایی مخالف است. فدرالیسم و جدا کردن هم‌زمان از یکدیگر، از هم پاشی ایران و افتادن گروه‌های قومی به جان یکدیگر و باز شدن پای بیگانگان را به دنبال دارد؛ یک مسأله اصولی است که با بنیاد ایران به عنوان یک کشور - یک ملت در ستیز است. آن را نمی‌باید در کنار مثلاً شکل حکومت گذاشت که موضوع رای‌گیری آینده خواهد بود. آنچه برای ما می‌تواند پایه یک همرائی consensus قرار گیرد تقسیم قدرت حکومتی و شناخت حقوق فرهنگی و مدنی «افراد وابسته به گروه‌های قومی» است، در هر گوشه ایران باشند - چنانکه عیناً در میثاق‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است. ما برای هیچ فرد و گروهی حقی بیش از آنچه در آن اسناد آمده است نمی‌شناسیم و فدرالیسم برای ما یک گزینه و موضوع مذاکره نیست. این شیوه که برای رسیدن به همرائی، به هر کس هر چه خواست بدهند نشان از آن دارد که ما هنوز



النوروزولت در هنگام نگاه داشتن نسخه اسپانیایی اعلامیه جهانی حقوق بشر

خشنودند و یا دگرگون کردن آن را در قدرت خود می‌دانند. ما تنها لازم است در احوال آن جامعه‌ها، در نظام سیاسی که بر آن اعلامیه ساخته شده است و نامی جز دموکراسی لیبرال ندارد (لیبرال در کاربردهای اقتصادی خود امر دیگری است) بار یک شویم و دست از تعاریف خود خواسته و ساختگی، و از خواست‌های بیشترینه (حد اکثر)، و سازشکاری بر اصول برداریم.

همرائی بر دموکراسی به معنی اعتبار رای اکثریت - اکثریت مردم ایران و نه هر گوشه کشور - و در چهار چوب و محدود به اعلامیه جهانی حقوق بشر، آن زمینه همرائی است که بیشترین خوشبختی بیشترین ایرانیان در آن خواهد بود. ارتباطی هم به هیچ حزب و گروهی ندارد. از دو سه هزار سال دگرگشت (تحول) اندیشه و عمل سیاسی بشری پدید آمده است و ما می‌باید خیلی هنر کنیم که آن را دریابیم و به عمل درآوریم. با اینهمه چنانکه آن کنگره و نمونه‌های فراوان دیگر نشان داده است جامعه روشنفکری ایران دارد به صورتی تردیدناپذیر به سپهر دموکراسی لیبرال گام می‌گذارد. کمونیست‌های سربلند کرده که بار دیگر همراه حزب‌اللهی‌های دیگر از هر رنگ، بحث سیاسی را میدان بدترین لجن پراکنی (به سخنگویان لیبرال) کرده‌اند در برابر این موج بالاگیرنده بختی بیش از متحد تاکتیکی توتالیتر خود در کاخ ولایت فقیه ندارند. گزارش‌هایی می‌رسد که پاره‌ای از پرشورترین شان ترور شخصیت مخالفان خود را بس نمی‌دانند و چاقو کشانی را نیز به خدمت گرفته‌اند که دگردانیشان را از گرد هم آمدن بترسانند. سرمشق رئیس جمهوری در وارد کردن چاقوی ضامن‌دار در گفتمان سیاسی، ظاهراً دموکرات‌های شورا (سایوت)‌های آمده است - کودتای ۱۹۱۷ با همین شیوه‌های خلقی، زمینه‌ساز استالینسم شدند.

مردم ایران هر چه هم حافظه تاریخی کوتاهی داشته باشند دیگر به دام هیچ ایدئولوژی توتالیتری نخواهند افتاد.

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۴)

(کیهان لندن شماره ۱۱۹۴)

باز نشر

احمد احرار

آمد. انگلیسیها خیلی مراقبت کردند که دولتپناه نمانند کیهان در داخل سفارت هستند... اطراف سفارت را قزاق محاصره کرد. انگلیسیها از این بابت خیلی متغیر شدند. پروتست به دربار فرستادند و به لندن تلگراف کردند. محاصره شدت پیدا کرد... دو سه روزه آمده بودیم، بیست و چند روز ماندیم. کاغذ نوشتند و اصرار کردند قزاق و سوار را بردارند، نشد. آخر به غیظ افتادند و اولتیماتوم دادند. اولتیماتوم بدون مدت که اولاً سرباز و قزاق را فوراً از اطراف سفارت بردارید و برای رفع توهین، دولت با لباس رسمی توسط وزیر امور خارجه معذرت بخواهد و همچنین شاه توسط وزیر دربار، فوراً قبول کردند. وزیران خارجه و دربار با لباس رسمی آمدند عذرخواهی کردند و مذاکره راجع به متحصنین شروع شد...

رفته بود به آتاشه میلیتر که در حمام بود مطلب را گفته بود. او فارسی می‌دانست. کاغذ را همانجا گرفته و خوانده بود. گفته بود برو بگو بیایند. گویا به قلهک تلفن کرده بود. اجازه داشتند که فقط در هنگام خطر فوری کسی که جانش به خطر بیفتد به سفارت راه بدهند. روسها روی این موضوع بعداً پیچیدگی کردند (دولت تزاری روسیه از محمدعلی شاه حمایت می‌کرد) و به سفارت انگلیس شکایت کردند. نامبرده خوشبختانه خیلی ضد روس بود. گویا کسی را هم از غلامان سفارت همراه میرزا علیمحمدخان فرستاده بود. کار خوب دیگری که میرزا علیمحمدخان کرده بود این بود که شاپوی او را گرفته گذاشته بود سرش. شاپو آن وقتها علامت فرنگی بود. بعد میرزا علیمحمدخان خواسته بود درشکه بگیرد پیدا نشده بود. درشکه یک قران بود. آخر یک

در مذاکراتی که قبل از توسل به قوای نظامی بین دربار و مجلس جریان داشت، مجلسیان خواستار آن بودند که شاه تنی چند از اطرافیان فتنه‌گر خود را کنار بگذارد و متقابلاً شاه، خواهان شکستن قلم چند روزنامه‌نگار و بستن دهان چند وکیل و خطیب تندزبان بود. از وکلا تنی‌زاده، از خطبا ملک‌المتکلمین و سید جمال‌الدین اصفهانی و از روزنامه‌نگاران میرزا جهانگیرخان مدیر صوراسرافیل، سلطان‌العلماء مدیر روح‌القدس و سید محمدرضا شیرازی مدیر مساوات در لیست سیاه شاه قرار داشتند. پس از به توپ بستن مجلس، صوراسرافیل و ملک‌المتکلمین و روح‌القدس گرفتار شدند و در باغشاه به قتل رسیدند. سیدجمال‌الدین در بروجرود به دام افتاد و کشته شد. تنی‌زاده و دهخدا جان به‌در بردند و در سفارت انگلیس تحصن گزیدند و در پی مذاکراتی که بین دولت و سفارت صورت گرفت، اجازه یافتند از ایران خارج شوند.

مسالوات مدتی ناپدید بود اما بخت آن داشت که زنده از ایران خارج شود و بار دیگر در بازگشت به وطن دست به قلم برد و روزنامه منتشر کند. تنی‌زاده داستان فرار از مهلکه و تحصن در سفارت و مهاجرت به فرنگ را چنین می‌نگارد: «مخبر السلطنه به کسی روایت کرد که محمدعلی شاه گفته بود مرا بگیرند و قسم خورده بود یا دست خودش مرا بکشد. همان طور آنجا وحشت داشتیم... گفتیم کجا برویم و پناه ببریم؟ عقل ما به جایی نمی‌رسید. مرحوم (سید عبدالرحیم) خلخالی که مدتی در رشت بود و با همه رشتی‌ها روابط داشت گفت حاجی سید محمود رشتی در خیابان عین‌الدوله منزل دارد. بفرستیم منزل او، اگر به ما جا می‌دهد برویم آنجا. فرستادیم، در خانه‌اش نبود. گفتند رفته است، کسی نیست. از آنجا ناهمید شدیم. شاید هم این از اتفاقات عجیب باشد زیرا او خودش از مستبدین بود. چه بسا ممکن بود ما را تسلیم بکند.

باز در پی چاره‌جویی بودیم که چه کار کنیم. نظر بر این شد برویم حضرت عبدالعظیم و یک طوری خود را به آنجا برسانیم. غیر از این راهی به‌نظر نرسید. صحبت آمد بلکه خود را به یکی از سفارتخانه‌ها برسانیم. من حتی یک نفر فرنگی نمی‌شناختم. دو سال بود در مجلس بودیم، از فرنگیها دوری می‌کردیم. غیر فرنگی، یکی میرزایانسی ارمنی که بعدها وکیل ارمنه شد، یکی هم اردشیر جی زردشتی تبعه انگلیس خاطرمد آمد. گفتیم شاید یکی از این دو نفر در این روز مبادا به‌در ما بخورند... کاغذی نوشتیم. گویا خطش را دهخدا نوشت. کاغذ و قلم پیدا نمی‌شد. آخراً کاغذ که قند زیر نم‌بریده نوشتیم. مخاطبش معلوم نبود. نوشتیم ما چند نفر هستیم در خطر، می‌خواهیم بدانیم ممکن است به ما پناه بدهید. دادیم به میرزا علی‌محمدخان تربیت که جوانی رشید و نترس بود، که میرزایانسی اردشیر جی را پیدا کند و به‌وسیله یکی از آنها، آن را به یکی از سفارتخانه‌ها برساند. رفت، برگشت. ناهمید شدیم.

هوا تاریک شد. گفتیم برویم شاه‌عبدالعظیم. اسبابها را جمع کردیم و می‌خواستیم برویم که یکمتر به به‌شدت هرچه تمامتر زده شد. دهخدا رفت در را باز کرد. دیدیم میرزا علیمحمدخان با عجله وارد شد. گفت حتی یک ثانیه هم معطل نشوید. قزاقها می‌آیند. او اردشیر جی را پیدا نکرده بود. رفته بود سفارت انگلیس. غلامها گفته بودند هیچکس نیست، به قلهک (محل تابستانی سفارت انگلیس) رفته‌اند. گفته بودند چه می‌خواهید؟ گفته بود کاغذی دارم به یکی از انگلیسی‌بدهم. در شهر از اعضای سفارت کسی نبود. آن روز که صدای تفنگ و توپ را شنیده بودند ماژور استوکس (آتاشه میلیتر) سفارت از قلهک آمده بود شهر و روی وظیفه رفته بود جلو مجلس. برگشته بود به سفارت که عصری برود بالا. میرآخور رئیس غلام‌های سفارت

تذکره اول: بی‌سابقه‌ترین رویداد سیاسی و تاریخی در تاریخ ایران...
تذکره دوم: ...
تذکره سوم: ...
تذکره چهارم: ...
تذکره پنجم: ...
تذکره ششم: ...
تذکره هفتم: ...
تذکره هشتم: ...
تذکره نهم: ...
تذکره دهم: ...

تومان داده و درشکه‌ای را آورده بود. اصرار داشت نیم دقیقه هم دیر نشود. انگلیسیها گفتند تأمین بدهید. محمدعلی شاه گفت تأمین می‌دهم به شرط این که شش نفر را از ایران بیرون کنند و چهار نفر به ولایات خودشان برونند. اول می‌گفتند که تا ده سال. اینها چانه می‌زدند. آخر در مورد یک سال و نیم، درباره بقیه یک سال شد. این شش نفر اینها بودند: مرحوم دهخدا، معاضدالسلطنه (پیرنیا)، صدیق حرم که خواجه دربار محمدعلی‌شاه بود، مرتضی قلی خان نائینی، بهاء‌الواعظین. چهار نفر دیگر که قرار شد از طهران به ولایات خودشان بروند عبارت بودند از: سید عبدالرحیم خلخالی و برادر من (جواد) و امیرحشمت (نیساری) و برادرش. مذاکره شد که برای ماها که باید برویم تا رشت و انزلی، دولت درشکه بدهد. انگلیسیها گفتند اینها که می‌روند، بعضیها زندگانی هم ندارند، بایستی به آنها پول داده شود. معاضدالسلطنه گفت من چیزی نمی‌خواهم، دو بیست تومان از دولت طلب دارم آن را بدهند. او رئیس انجمن آذربایجان و قبلاً کنسول ایران در باکو بود. حسن شهرت داشت و همیشه کمک کرده بود.



سیدحسین تقی‌زاده

عجله کرده سوار شدیم. من و مرحوم خلخالی نشستیم. مرحوم دهخدا اخلاق خیلی غریبی داشت. گفت تا برادرم یحیی خان با ما نیاید من نمی‌روم. برادر او می‌توانست آزادانه در کوچه و بازار گردش بکند و هیچ خطری او را تهدید نمی‌کرد. ولی او به هیچ وجه حاضر نشد تا مجبور شدیم یکی دو نفر را جا گذاشته او را برداریم. من که از همه بیشتر در خطر بودم در جلو نشستیم. میرزا علیمحمدخان در کنار درشکه چی نشست و شاپو را بر سر خود گذاشت... از خیابان منوچهری فعلی به سفارت انگلیس رسیدیم. همه جا تاریک بود. در همه چهارراهها قزاقها بودند. جایی رسیدیم، قزاقی آمد جلو و کبریت کشید ولی ملتفت ما نشد. شاید شاپوی میرزا علی‌محمدخان مانع بود که خیال بد درباره ما بکنند... در سفارت انگلیس روی علفهای باغ نشستیم. شام نخورده بودیم. مستخدمی داشتند. صدا کردیم که کمی نان برای ما بخرد. گفت نانوا بسته. پول دادیم، نان بیات و پنیر خریدند، خوردیم... فردا صبح که در سفارت باز بود عده‌ای از مردم از ترس جان آمدند. دولت و شاه ملتفت نشدند جلو بگیرند. تا ظهر گویا هفتاد نفر از کسبه و مشروطه‌طلب متفرقه آمدند تا بالاخره فهمیدند و کاغذ نوشتند و اعتراض کردند. انگلیسیها حوالی ظهر درها را بستند و دیگر کسی را راه ندادند. الا یک نفر که از راه‌آب آمد. او بهاء‌الواعظین بود که با لباس مبدل

«ادامه دارد»

در نخستین ساعات بامداد ۲۹ بهمن ۱۳۲۴ قوام برای مذاکره با رهبران شوروی عازم آن کشور شد. در پی دیداری یک روزه از یادکوبه و توتفی کوتاه در استالینگراد، در مسکو از جانب مولوتوف، کمیسار خارجه و شماری از مقامات بلند پایه شوروی مورد استقبال قرار گرفت و روز بعد مذاکرات رسمی خود را با رهبران شوروی آغاز کرد.

قوام با اعتماد به نفس همیشگی رخت سفر بست. دیربازی بود که باور داشت تنها در لحظات سخت و کشاکش‌های سترک به خدمت فراخوانده خواهد شد. شاه هم چپسبا با همین باور، به رجل پر نخوت قاجار روی آورده بود. همه چشم‌ها به سوی او بود و این پرسش بر سر زبان‌ها که: آیا این سیاستمدار کار کشته می‌تواند گره از کار فرو بسته ایران بازگشاید؟ نحوه تجلیل از قوام و اقامت او در محلی که پیش از آن چرچیل، دوگل و یتش، رئیس جمهور چکسلواکی، در آن اقامت داشتند، نشانه توجه به اهمیتی بود که مقامات شوروی برای قوام و نتایج سفر او قائل بودند. او پس از مذاکراتی کوتاه با مولوتوف، پیرامون مسائل مورد علاقه دو کشور، در کاخ کرملین با استالین به گفتگو و مذاکره پرداخت.

قوام در آغاز خطاب به استالین اعلام کرد که: «من برای مباحثه حقوقی و استناد به معاهدات که هر یک به جای خود هست، نیامدم. بلکه با یک نیت صادقانه و دوستانه آمدم که از شما خواهش کنم مقدمه و شرط اصلی شروع روابط دوستی و حل مشکلات بین ایران و شوروی را که تخلیه فوری ایران از نیروی شوروی است با یک اراده فراهم کنید و در باب اصلاح مسئله آذربایجان که با این وضع، خلاف قوانین و حق حاکمیت ایران است کمک معنوی به ما ابراز دارید»، او در خصوص مسئله آذربایجان به ویژه اضافه کرد که دولت آمادگی خود را برای انجام اصلاحات و دادن امتیازاتی که مغایر با قوانین کشور نباشد اعلام می‌دارد. هر دو پیشنهاد از جانب استالین رد شد. او با استناد به ماده ششم قرارداد اسفند ۱۲۹۹ (فوریه ۱۹۲۱) میان دو کشور، اعلام کرد شوروی حق دارد نیروهایش را در ایران حفظ کند و در همین زمینه به ادعاهای ارضی ایران نسبت به شوروی پس از پایان جنگ جهانی اول اشاره کرد. استالین موضوع آذربایجان را مسئله داخلی ایران خواند و همزمان اعلام کرد مقوله خودمختاری آذربایجان مغایر با استقلال ایران نیست. او در مقابل، مسئله امتیاز نفت شمال را پیش کشید که با استناد قوام به ماده‌ای که بنا بر مصوبه مجلس شورای ملی در آذرماه ۱۳۲۳، عقد هر قراردادی در این زمینه را بدون تصویب مجلس ممنوع می‌ساخت، از دستور مذاکرات خارج شد. او همچنین اضافه کرد که قرارداد فوریه ۱۹۲۱ تنها در صورتی به شوروی اجازه استقرار نیروهایش را در ایران می‌دهد که از سوی کشور سومی از خاک ایران مورد تهدید قرار گرفته باشد و چنین شرایطی وجود ندارد.

قوام بیش از هر کس به تجربه می‌دانست که در سیاست، به ویژه پس از ماکیاوول، جایی برای دوستی و «نیت صادقانه» وجود ندارد. سیاست در جوهر خود چیزی جز ادامه نبرد به اشکال دیگر نیست؛ آشکالی که تأکید بر ابزار تهدید و تحجیب و مانور و محاسبه، نبرد قدرت را در عرصه دیپلماتیک به پیش می‌برد. مذاکرات قوام با کارگزاران بلشویسم در مسکو، جلوه گاه آشکار و گاه پنهان کشمکش در چنین عرصه‌ای بود. از این دیدگاه، او با پشت سر گذاشتن نخستین دور مذاکرات که وجه بارز آن ناشکیبایی و ایستادگی تا به آخر بر سر مواضع و اصول خدشه‌ناپذیر بود، خود را برای دور تازه‌ای از نبرد آماده می‌ساخت.

قوام در دور جدیدی از مذاکره با مولوتوف، آمادگی‌اش را برای گفتگو پیرامون مسئله نفت که منتفی دانسته بود، اعلام کرد. او همزمان خاطر نشان کرد که با توجه به قوانین ایران، انجام مذاکره در این زمینه عملی نیست، مگر آن که مجلس جدیدی انتخاب شود و این ماده قانونی را ملغی سازد. اما برگزاری انتخابات،

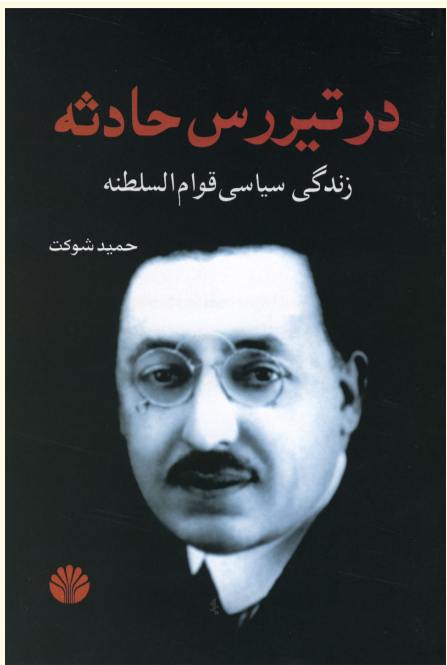
قوام السلطنه، مردی که نمی‌توان نادیده‌اش گرفت (۵)



احمد قوام، «قوام السلطنه» از آن جمله رجال سیاسی ایران در نیمه اول قرن بیستم محسوب می‌شود که زندگی آنان در خور بازنگری و بازنویسی است. به همین ملاحظه نیز، در سالهای پس از انقلاب اسلامی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، شماری از پژوهشگران به تحقیق در احوال قوام پرداخته و زندگی سیاسی او را موضوع کتابها و رسالات و مقالات متعدد قرار داده‌اند.

«در تیر رس حادثه» را می‌توان در شمار بهترین تحقیقات و تألیفات در این زمینه به شمار آورد. این کتاب، یک بررسی موشکافانه است درباره زندگی سیاسی قوام السلطنه از سوی نویسندگانی که در کارهای پیشین خود منحصرأ به جنبش چپ و چهره‌های چپ‌گرای ایران، به ویژه در کادر کنفدراسیون دانشجویی خارج از کشور نظر داشت. حمید شوکت، با تألیف «در تیر رس حادثه» یا زندگی سیاسی قوام السلطنه» با دقت نظر و رعایت انصاف و بی‌طرفی به شرح زندگی و افت و خیزهای مردی همت گمارده که فرمان مشروطیت ایران به خط اوست، همچنان که نامه‌اش به محمدرضا شاه در مخالفت با تشکیل مجلس مؤسسان و دستکاری در قانون اساسی یک سند قابل اعتنای تاریخی محسوب می‌شود.

نقش ماهرانه قوام در فیصله مشکل آذربایجان به



در تیررس حادثه

زندگی سیاسی قوام السلطنه

حمید شوکت

و غوغای عوام را بر نمی‌تابید.

ما، چند فصل از کتاب «در تیر رس حادثه» را که به مهمترین برخوردهای قوام السلطنه در زندگی سیاسی او اختصاص دارد برای مطالعه شما برگزیده‌ایم که در چند شماره به نظر تان خواهد رسید.

دست و پنجه نرم کردن قوام السلطنه با استالین بر سر بحران آذربایجان و امتیاز نفت شمال

شوروی در تاریخ مقرر ایران را ترک کنند و همزمان اضافه می‌کرد که شماری دیگر از نیروهای ارتش سرخ با تکیه بر ماده ششم قرارداد فوریه ۱۹۲۱ در خاک ایران باقی خواهند ماند. مولوتوف فراخواندن آنان را به زمانی موکول می‌کرد که اقدامات تبعیض‌آمیز دولت ایران نسبت به شوروی خاتمه یافته و آن کشور امکان آن را داشته باشد مجدداً احساس امنیت نماید! و این همه نشان آن بود که شوروی برای نخستین‌بار بی‌اعتنایی خود را نسبت به قراردادهای جنبه میان‌متفقین رسمیت می‌بخشید. از این دیدگاه، دیگر تا آغاز جنگ سرد چند گامی بیش فاصله نبود.



احمد قوام السلطنه در دیدار با استالین

عبارت «برده آهنین» که تجسم آشکاری سيطرة شوروی بر اروپای شرقی به شمار می‌آمد، رویارویی قوام و سادچیکوف، سفیر شوروی در تهران، پیرامون مسئله نفت و آذربایجان انتخابی حساس و پرمعنا بود. قوام از یک سو با ادامه مذاکرات دوجانبه میان دو کشور که مورد نظر دیگر سخن گفته بود. همه شواهد نشان از آن داشت که جنگ سردی که بر سر آذربایجان آغاز شده و صلح جهانی را در فاصله‌ای اندک پس از سقوط آلمان نازی دستخوش مخاطره ساخته بود، به واقعیتی غیرقابل انکار بدل شده است.

حاصل سفر قوام به مسکو را نمی‌توان شکست کامل مأموریت او دانست. ضیافت شامی که استالین در آخرین لحظه، خارج از برنامه رسمی، برای او و همکارانش در کاخ کرملین ترتیب داده بود، نشان از آن داشت که رهبران شوروی هنوز دستیابی به قراردادی مشترک با ایران را ناممکن نمی‌دیدند. حضور مقامات عالی رتبه شوروی چون

عمومی برای اعضای فرقه دموکرات، انتخاب انجمن ایالتی، واگذاری بودجه محلی، وضع مالیات به منظور بهبود و ایجاد تسهیلات رفاهی برای مردم و شماری دیگر از اصلاحات در زمینه سیاست، اقتصاد و امور فرهنگی و توجه به «تقاضاهای مشروع قانونی» در آذربایجان اعلام می‌کرد.

هیچ یک از این پیشنهادها با واکنش مثبت مولوتوف روبه رو نشد. او، در مقابل، خطاب به قوام گفت: «شوروی نیازی به سرزمین‌های بیگانه ندارد» و اضافه کرد: «ما تنها خواهان صلح در مرزهای مان هستیم و برای تضمین چنین صلحی ضروری است تا دو



احمد قوام السلطنه در دیدار با استالین

مسئله روشن شود: نفت و آذربایجان.» به گفته مولوتوف، تقاضای امتیاز نفت شمال از جانب شوروی به منطقه‌ای محدود می‌شد که به مراتب کوچک‌تر از قلمرو نفوذ انگلستان در جنوب بود و از این نظر، مخالفت دولت ایران با اعطای امتیاز، نشانه سیاست تبعیض‌آمیز نسبت به شوروی بود. مولوتوف برای محدودیت‌های قانونی قوام در برابر مجلس پیرامون مسئله امتیاز نفت نیز اعتباری قائل نبود و در مورد مسئله آذربایجان هم تفاهمی وجود نداشت. او خاطر نشان ساخت که خود مختاری آذربایجان ضرورتاً استقلال ایران را به خطر نخواهد انداخت و خواهان آزادی عمل کامل فرقه دموکرات و خواستار گسترش حقوق و به رسمیت شناختن دولت خود مختار آذربایجان شد.

در طرح مولوتوف پیرامون فراخواندن نیروهای ارتش سرخ از ایران که موعد آن بنا بر قرارداد سه جانبه متفقین در ۱۱ اسفند ۱۳۲۴ (دوم مارس ۱۹۴۶) به سر می‌رسید، نکته‌ای گنجانده شده بود. او قول می‌داد شماری از نیروهای

در دو سوی پرده آهنین

با شکست مذاکرات مسکو، هنگامی که جهان در انتظار خروج نیروهای

ویشینسکی، معاون کمیسار خارجه و دادستان سابق دادگاه‌های فرمایشی مسکو که شماری از رهبران درجه اول بلشویسم چون زینوف، کامنوف، رادک و بوخارین را به جوخه اعدام سپرده بود؛ سادچیکوف، سفیر آینده شوروی در تهران و شماری از وزراء، مارشال‌ها و نظامیان بلندپایه در کنار مولوتوف و استالین، حاکی از اهمیت به آتیه و سرنوشت مذاکرات با قوام بود. هر چند که کتن، سفیر آمریکا در شوروی، پیش از بازگشت نخست‌وزیر ایران به کشور، او را «نامید» یافته و از قول قوام، مذاکرات مسکو را «بی‌نتیجه» خوانده بود.

نامامیدی قوام نسبت به روند مذاکرات مسکو، در خاطراتی که برخی از همراهان او نوشته‌اند بازتاب یافته است. او ظاهراً پس از شکست مذاکرات، تمایل خود را برای استعفا و رفتن به اروپا به چند تن از همراهانش ابراز کرده بود.

اما این گفته را نباید حرف قطعی و نهایی قوام تلقی کرد، چرا که او هیچ‌گاه به میل خود از مقامی استعفا نکرده و همواره نیز اعلام داشته بود هرگز چنین نخواهد کرد. دیگر آن که در گزارش کتن، سفیر آمریکا در مسکو که با قوام تماس داشت و به «نامیدی» او از روند مذاکرات اشاره کرده است، از موضوع استعفا سخنی در میان نیست. می‌توان گمان کرد که قوام با طرح مسئله استعفا نزد همراهان خود، در پی آن بوده باشد که این مطلب را به نوعی به گوش مقامات شوروی برساند؛ با این امید که آنان را متوجه خطر استعفاي خود سازد و از ایستادگی تا به آخر بر سر مواضعشان باز دارد. او در چند نوبت دیگر نیز برای خام کردن رهبران شوروی به چنین شیوه‌ای دست زد. قوام با این استدلال که با رفتن او، نخست‌وزیر سرخست‌تری روی کار خواهد آمد، کوشش کرد رهبران شوروی را به ضرورت سازش با خود مجاب سازد.

شاید با توجه به محدودیت‌ها و دشواری کار قوام در متقاعد ساختن رهبران شوروی، پذیرفتن این اصل را که «آذربایجان مسئله داخلی ایران است» بتوان از دستاوردی این مذاکرات او در مسکو دانست. این نکته، موقعیت ایران را نزد مراجع بین‌المللی برای تثبیت حق حاکمیت خود بر آذربایجان تحکیم می‌کرد.

از سوی دیگر، توافق او با مقامات شوروی مبنی بر آن که مذاکرات در تهران دنبال خواهد شد، موفقیت دیگری محسوب می‌شد؛ موفقیتی که ظاهراً در ازای امکان مذاکره پیرامون مسئله نفت حاصل شده بود. او هنگامی که راهی برای فتح سنگرهای دشمن نمی‌دید، تنها چاره را اعلام آتش بس و تدارک عقب‌نشینی برای دور تازه از رویارویی با شوروی جست و جو کرد، دفاعی فعال را سازمان می‌داد. طرح دومین شکایت ایران نسبت به حضور نیروهای شوروی در شورای امنیت سازمان ملل، بیان آشکار چنین سیاستی بود.

در آخرین روزهای اسفند ۱۳۲۴، قوام به حسین علاء نماینده ایران در سازمان ملل، دستور داد تا شکایت رسمی دولت متبوع خود را نسبت به عدم فرا خواندن نیروهای شوروی و دخالت آن کشور در اوضاع داخلی ایران در شورای امنیت مطرح سازد. این اقدام، آن هم در استانه آغاز مذاکرات میان قوام و سادچیکوف، سفیر شوروی در تهران، پیرامون مسئله نفت و آذربایجان انتخابی حساس و پرمعنا بود. قوام از یک سو با ادامه مذاکرات دوجانبه میان دو کشور که مورد نظر دیگر سخن گفته بود. همه شواهد نشان از آن داشت که جنگ سردی که بر سر آذربایجان آغاز شده و صلح جهانی را در فاصله‌ای اندک پس از سقوط آلمان نازی دستخوش مخاطره ساخته بود، به واقعیتی غیرقابل انکار بدل شده است.

حاصل سفر قوام به مسکو را نمی‌توان شکست کامل مأموریت او دانست. ضیافت شامی که استالین در آخرین لحظه، خارج از برنامه رسمی، برای او و همکارانش در کاخ کرملین ترتیب داده بود، نشان از آن داشت که رهبران شوروی هنوز دستیابی به قراردادی مشترک با ایران را ناممکن نمی‌دیدند. حضور مقامات عالی رتبه شوروی چون

«دنباله دارد»

سخنگوی قوه قضائیه: اتهام ادمنین‌های تلگرامی بازداشت شده ضد امنیتی است



کسی مرتکب جرم شده است یا نه وزیر اطلاعات نیست. یک زمانی بنده هم وزیر اطلاعات بودم و لذا مرجع صالح به عنوان اینکه بگوید کسی مجرم است یا نیست، وزیر اطلاعات نمی‌باشد.

او همچنین تاکید کرده «در خصوص این پرونده خاص مطالبی در مورد خود وزیر اطلاعات مطرح است که طبعاً حتی ایشان نمی‌توانند در این پرونده اظهار نظر کنند و گزارشی تهیه نمایند».

در ماه‌های گذشته ادمنین کانال‌های «اصلاحات نیوز»، «مجمع اصلاح‌طلبان»، «هواداران دکتر حسن روحانی»، «دانشجویان اصلاح‌طلب»، «تلخند سیاسی» و «حامیان دولت» دستگیر شدند و هیچ مرجعی این دستگیری را تایید یا تکذیب نکرد. گفته شده مرجع دستگیری آنها اطلاعات سپاه است. دستگیری ادمنین‌های کانال‌های تلگرامی فقط در تهران نبود بلکه تعدادی از فعالین فضای مجازی در شهرستان‌ها مثل استان آذربایجان و استان گلستان نیز به اتهام اداره کانال‌های «مستهبان» و غیراخلاقی» در ماه‌های گذشته بازداشت شدند و از سرنوشت آنها خبری در دست نیست.

در ایران فعالین سیاسی و روزنامه‌نگاران مطرح می‌کنند که این دستگیری‌ها رابطه‌ی مستقیم با انتخابات ریاست جمهوری دارد. همزمان با ادمنین‌های کانال‌های تلگرامی فضای مجازی تعدادی از خبرنگاران از جمله طاهره ریاحی دبیر اجتماعی «برنایوز» و احسان مازندارنی و فعالین اجتماعی مثل مونا معافی و هنگامه شهیدی نیز دستگیر شدند.

وزیر اطلاعات مرجع صالح برای قضاوت نیست. پرونده‌ی ادمنین‌ها مسئله‌ی خاص است و مطالبی در مورد خود وزیر مطرح است.

سخنگوی قوه‌ی قضائیه جمهوری اسلامی گفته پرونده‌ی ادمنین‌های تلگرامی بازداشت شده ضد امنیتی است و مطالبی هم در مورد وزیر اطلاعات مطرح است!

غلامحسین محسنی اژه‌ای، در نشست خبری که ظهر چهارشنبه ۲۳ فروردین برگزار شد در پاسخ به سوالی در رابطه با اتهام ادمنین‌های بازداشت شده شبکه‌های اجتماعی، گفته «برخی از این افراد به اتهام مسائل ضد امنیتی و بعضی هم علاوه بر مسائل ضد امنیتی به دلیل ارتکاب به جرائم خلاف عفت عمومی و انتشار مطالب مستهجن دستگیر شده‌اند و بر اساس گزارشات رسمی این مطالب در پرونده‌های ایشان مطرح شده است».

این مراسم از احتمال ورود نخستین بوئینگ خریداری شده به ایران در یک ماه آینده خبر داد و گفت: «خیرا شرکت ترکیش ایرلاین بنا به دلایلی از دریافت بوئینگ ۷۷۷ خود امتناع کرده؛ از این رو بوئینگ پیشنهاد دریافت این هواپیما را به ایران ایر ارائه کرده است.»

به گفته وی، اولین فرود بوئینگ ۷۷۷ تا یک ماه و نیم دیگر تحویل خواهد شد. این در حالیست که برخی از تندرورها و رسانه‌های وابسته به آنها در ایران از این هواپیماها به عنوان هواپیماهای «مرجوعی» شرکت ترکیش ایرلاین نام می‌برند.

پرواز ۴ فروند هواپیمای ایتالیایی «ATR» تا ماه آینده در آسمان ایران

محرمانه اعلام کرد، گفت: «هزینه قرارداد اخیر برای ایران حدود ۴۰۰ میلیون دلار خواهد بود که شرکت هواپیماسازی ATR اعلام آمادگی کرده که با ارایه فاینانس برای خرید حدود هشت فروند از این هواپیماها، شرکت ایران‌ایر را مورد حمایت مالی قرار دهد».

در ادامه این نشست، همچنین کریستین شرر، مدیرعامل هواپیماسازی «ای تی آر» در خصوص هواپیماهای فروخته شده به هما، گفت: «این هواپیماها یکی از موفق‌ترین هواپیماهای محلی و داخلی دنیا به شمار می‌رود و ۷۰ درصد سهم بازار هوایی را در اختیار دارد؛ بر این اساس بیش از ۲۰۰ ایرلاین در دنیا، مشتریان ای تی آر هستند که علت آن نیز، اقتصادی و راحت بودن و نیز عملیاتی کردن آن از سوی خلبانان است.»

مدیرعامل شرکت هواپیمایی



ایران مورد استفاده قرار گیرند. ضمن اینکه مصرف سوخت آنها ۶۵۰ کیلوگرم در هر ساعت پرواز است که بسیار کم مصرف و اقتصادی به شمار می‌رود».

فرهاد پرورش در نشست خبری مراسم امضای قرارداد خرید این هواپیماها بین شرکت ایران‌ایر با شرکت هواپیماسازی ایتالیایی «ای تی آر» افزود: «۲۰ فروند هواپیمای ای تی آر دیگر راه، به صورت گزینشی به این شرکت هواپیماسازی سفارش داده‌ایم که در این قرارداد، امکان اجرای آن دیده شده است.»

پرورش در ضمن اینکه رقم قطعی این قرارداد را بر اساس توافق طرفین

۲۰ فروند هواپیما «ای تی آر» ایتالیا تا پایان سال ۲۰۱۸ وارد ایران می‌شود. قرار است هواپیماهای «ای تی آر» در پروازهای داخلی میان فرودگاه‌های کوچک ایران مورد استفاده قرار گیرند.

شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، قرارداد خرید ۲۰ فروند هواپیما از شرکت هواپیمایی «ای تی آر» ایتالیا را نهایی کرد. مدیرعامل هما از تحویل ۴ فروند هواپیمای «ای تی آر» تا یک ماه آینده خبر داده و تاکید کرد: «این هواپیماها توانایی طی کردن مسافت بین ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ کیلومتر را داشته و می‌توانند در پروازهای داخلی میان فرودگاه‌های کوچک

محمدعلی جعفری (فرمانده سپاه)، حسن فیروزآبادی (رییس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح)، حسین طائب (رییس سازمان اطلاعات سپاه)، علی سعیدی (نماینده ولی فقیه در سپاه)، محمدرضا نقدی (فرمانده پیشین بسیج و مشاور فرهنگی فعلی سپاه)، قاسم سلیمانی (فرمانده سپاه قدس)، اسماعیل احمدی مقدم (فرمانده پیشین ناجا)، صادق آملی لاریجانی (رییس قوه قضائیه) و غلامحسین محسنی اژه‌ای معاون او و سعید مرتضوی (دادستان پیشین تهران) و چند قاضی در فهرست این تحریم‌ها هستند.

اتحادیه اروپا تحریم‌ها علیه رژیم ایران به دلیل نقض حقوق بشر را تمدید کرد



اعمال این تحریم‌ها ۶ سال پیش آغاز شد که حالا تا ۲۴ فروردین ۱۳۹۷ تمدید شده است.

طبق این تحریم‌ها صادرات تجهیزاتی به ایران که امکان استفاده از آنها در سرکوب مردم وجود دارد ممنوع است.

اتحادیه اروپا به دلیل نقض جدی حقوق بشر در ایران تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را تا یک سال دیگر تمدید کرد.

تحریم‌های اتحادیه اروپا در این زمینه شامل ممنوعیت سفر و مسدود بودن دارایی‌های ۸۲ مسئول ایرانی و همچنین ممنوعیت صادرات برخی محصولات و فناوری اتحادیه اروپا به ایران است.

پایگاه اینترنتی شورای اروپا با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: این شورا در ۱۱ آوریل سال ۲۰۱۷ میلادی، تدابیر محدودکننده‌ی خود را به دلیل نقض حقوق بشر در ایران، تا ۱۳ آوریل ۲۰۱۸ تمدید کرده است.

ممنوعیت سفر و توقیف دارایی‌ها علیه ۸۲ شخص (شخصیت حقیقی) و یک شرکت (شخصیت حقوقی). ممنوعیت صادرات تجهیزاتی به ایران

بررسی ناآرامی در سیستان و بلوچستان ... از صفحه ۶

که مولانا عبدالحمید هم این کار را انجام دادند و سربازانی را که توسط گروه جیش العدل گرفته شده بودند را پاد میانی کردند و آنها را آزاد کردند. هیچ راه حل دیگری نبود جز اینکه علما وارد عمل بشوند و این مشکل را حل بکنند. قبل از این اتفاقات بسیار زیادی پیش آمده. این اولین اعتراض مردم بلوچ نبوده در محمد آباد ایرانشهر به خاطر اینکه یک جوان بلوچ توسط نیروهای امنیتی کشته شد مردم به پاسگاه حمله کردند پاسگاه را به آتش کشیدند. خودروها را به آتش کشاندند. لحظه به لحظه به آمار تظاهرکنندگان داشت افزوده می‌شد علما بودند که مردم را آرام کردند گفتند که این شیوه نمی‌تواند به شکل درستی تلقی شود و جواب نهایی‌اش درست باشد. شما به شکل قانونی پیگیر ماجرا بشوید بهتر هست. اما من منظورم از این صحبت‌ها این است که هیچ گاه علمای اهل سنت دعوت به اینکه مردم سلاح به دست بگیرند و مبارزه مسلحانه بکنند ندادند بلکه همیشه به راه‌های قانونی مردم را دعوت دادند. ولی مشکل اینجاست که راه‌های قانونی هیچ گاه جواب نداد. همین عدم جواب دادن راه‌های قانونی باعث شده که الان تظاهرات مردمی بعد از بازداشت مولوی فضل الرحمن کوهی دامنه‌اش کنترل نشود و بیشتر بشود. چون مردم به راه‌های قانونی اعتماد ندارند. همه راه‌های قانونی در زمان‌های گذشته برای علمای قبلی یا برای افراد دیگر که بازداشت شده بودند از جوانان اهل سنت مثل یعقوب مهرنهاد که ویلاگونیس و

نه تنها ایشان بلکه هیچ یکی از علمای اهل سنت در بلوچستان دعوت به فعالیت‌های مسلحانه ندادند. و جمهوری اسلامی و حاکمیت ایران این موضوع را خوب می‌دانند و هیچ گونه سند و مدرکی را نمی‌تواند ارائه بکند که بگوید فلان روحانی اهل سنت دعوت به تجمعات اعتراضی زدند. برعکس، در استان سیستان و بلوچستان شاهد هستیم این امنیت مروه علمای اهل سنت بوده به خاطر اینکه مردم را همواره آرام می‌کردند. حالا مولانا احمد نارویی به هر حال مشکوک هست پرونده‌اش که ترور شدند. ایشان زمانی خاطره‌ای را حتی خودشان بیان کرده بودند پیش یکی از روزنامه‌نگاران که چند روز پیش در صفحه فیس بوک خودشان نوشته بودند. گفتند که چند نفر از افرادی که از نیروهای دولتی بودند توسط یکی از گروه‌های مسلح گروگان گرفته شده بودند. دولت بسیار تلاش کرده بود برای اینکه آنها را آزاد بکند. دستگاه امنیتی بسیار تلاش کرده بودند که آنها را آزاد بکنند ولی نتوانستند. از ایشان خواستند که کاری انجام بدهند. ایشان رفتند سفری چند روزه و همه گروگان‌ها را آوردند تحویل مسئولان دادند. روز بعدش مطلع شدند که در همه خبرگزاری‌ها نوشته شده که سربازان جان بر کف سپاه و بسیج و امام زمان در عملیاتی چنین و چنان توانستند گروگان‌ها را از دست گروه‌های مسلح تکفیری آزاد بکنند. ایشان خندیدند و گفتند که به هر حال ما برای رضای خدا این کار را انجام دادیم و مشکلی نیست. همانطور

۶۰ سال پس از مرگ ابوالقاسم لاهوتی: ... از صفحه ۵

صدرالدین عینی نویسنده معروف تاجیکستان لاهوتی را «استاد بزرگ نظم» عنوان داده و گفته است: «جایی که لاهوتی باشد، شعر گفتن کار آسانی نیست.»

شعرهای لاهوتی در تمام شهرهای شوروی دست به دست و دهان به دهان می‌گشت. در کشور شوراها او را به عنوان قهرمان ملی و شاعر ملی می‌شناختند و به نام او محله یا خیابانی را نام‌گذاری می‌کردند. مردی برخاسته از اعماق فقر به قهرمان ملی بدل شده بود.

شعرهای لاهوتی درست چون شعرهای عارف بر محور وطن‌پرستی می‌چرخد. امکان ندارد غزلی از او بخوانید و نامی و کلامی از وطن در آن نباشد. لاهوتی یا به ایران می‌اندیشید یا به وطن دومش کشور شوراها. در میدان شاعران خلقی شوروی، کت شاعران محلی را از پشت بسته بود. لاهوتی مثل عارف انقلابی، دوست فقیران و دشمن امیران است و این چنین توان پایداری در جامعه را بالا می‌برد:

گر چرخ به کام ما نگرود
کاری بکنیم تا نگرود
هرگز قد مردمان آزاد
با هیچ فشار تا نگرود
در پنجه‌ی اقتدار مردان

بهبتر! یک غرب زده‌ی ... از صفحه ۵

حالا هم می‌خواهند او را به ریاست جمهوری برسانند. البته آنجا هم هدف نهایی نیست. هدف دست‌اندازی به جایگاه رهبری امت اسلامی است. حالا ممکن است شما بگویید این چیزها چه ربطی به موسیقی و موزیکال دارد. پس از یاد برده‌اید تاریخ نه چندان دور را. از زمان «سردار سازندگی» فکر کردند بد نیست به موزات اشکال‌تراشی در کار، جوانان اهل موسیقی را به شیوه‌ی کارناوال‌های انتخاباتی ینگه دنیا آهنکین کنند. جوانان هم وقت را غنیمت شمرند و از تنها روزنه‌ی موجود برای آهنگسازی و ترانه‌خوانی خود بهره بردند. خیال نکنید که این آزادی محدود همین جور باقی ماند. خیر! از اولین روز پایان تبلیغات انتخاباتی دوباره بگیر و بندها شروع شد. ریختند و گرفتند و بستند و شکستند.

یک فعال مدنی در جامعه بلوچستان و یک فردی بودند که حرکتی به نام جوانان پرسشگر و مسئولان پاسخگو را اجرا کردند، صدای عدالت که ایشان تاسیس کرده بودند قانونی بود و ثبت شده بود در جمهوری اسلامی. ولی ایشان را اعدام کردند. در ظرف ۴ ماه اتهاماتی بهشان زدند و حکم‌اش را تایید کردند و اعدام‌اش کردند. این نشان می‌داد که جمهوری اسلامی به

حالا حکایت امروز است. البته حکایتی به غایت مضحک‌تر و عبرت‌انگیزتر، برای اینکه این یکی از ولی فقیه هم مقدس‌تر است. هدف‌اش نه شورای نگهبان، نه مجمع تشخیص مصلحت است. هدف ریاست جمهوری است که از روی آن بتوانند معلق بزنند بر اریکه‌ی نایب الله و وردست خدای باری تعالی بنشینند. از همین روزهای آغازین رقابت سر و کله گروه‌های کوچک و بزرگ موزیکالی در گوشه و کنار رسانه‌ها به چشم می‌خورد.

و اما چیزی که با همه شامورتی‌بازی‌ها از یاد جوانان نمی‌رود دست‌های آلوده به خون کسانی است که مادران و پدران و برادران و خواهران آنها را سر به نیست کرده‌اند. تکلیف امران و رهبران آنها را نیز دادگاه‌های آینده روشن خواهد کرد.



درون حکومت برای بی نصیب نماندن از نمد قدرت در غیاب خامنه‌ای، مشوق احمدی نژاد برای داخل شدن در گود انتخاباتی بوده - هر چند که به گمان قوی بخت رقابت نهایی در آن به او داده نخواهد شد.

احمدی نژاد با شناخت از جامعه روستایی، آگاهی از میل شدید جامعه شهری به تغییر، تأثیر نمایش‌های پوپولیستی رهبران غیر متعارف مانند دونالد ترامپ، می‌داند که می‌تواند منشاء تغییر شود.

تکرار شعار «بهار» که نماد «بهار عربی است برای ایران»، دادن وعده یارانه ماهانه ۲۵۰ هزار تومان به هر فرد، و ساخت و ساز مسکن ارزان برای همه (مسکن مهر) او را در کنار چهره‌های مانند هوگو چاوز رفیق پیشین او قرار می‌دهد که در کشور متبوع خود طرفداران بی‌شمار داشت. احمدی نژاد، کوچک اندامی است که در درون خود پهلوانی بزرگ می‌بیند با قدرت شکستن شاخ غول‌ها. او به شهرت معتاد شده و به قهرمانی عشق می‌ورزد.

برخلاف گفته عباس عیدی که اقدام او را «انتحاری» خوانده، احمدی نژاد عاشق زندگی و حرکت است و برای پرهیز از خاموشی به صحنه آمده. بازنده بزرگ تصمیم احمدی نژاد برای شرکت در انتخابات علی خامنه‌ای است که پیشتر تلاش کرده بود مانع از ظهور دوباره او شود.

حکومت با او چه می‌کند؟

رهبران حکومت و مدعیان اصلی انتخابات قادر به نادیده گرفتن او نیستند. از این لحاظ اختیار کردن سکوت و انکار احمدی نژاد گزینه‌ای ممکن نیست. راه دیگر حکومت، و نامزدهای شاخه‌های دیگر، تلاش برای تخریب او و همراهان او است.

از این گزینه احمدی نژاد با گرمی استقبال می‌کند: هر تلاش تخریبی علیه او، با در نظر گرفتن جو جامعه در ضدیت با حکومت و نارضایتی توده‌ها، تبلیغی مجانی برای او است. در صورت تصمیم به حذف احمدی نژاد و رد صلاحیت او که پیشتر دو دوره رییس جمهور حکومت بوده، اعتبار خارجی خیمه‌شب‌بازی انتخابات جمهوری اسلامی بیش از پیش لطمه خواهد دید.

نتیجه‌ی حذف نام احمدی نژاد در داخل، قهر کردن طرفداران او و بی‌رونق‌تر شدن نمایی است که حکومت در وضعیت بسیار دشوار کنونی، به گرمی تصور آن دل بسته است.

در صورت قرار دادن نام او در جمع هشت نامزد از صافی گذشته، صحنه انتخابات که در وضعیت ابتدایی کنونی هم وسیله نمایش کوتاهی‌ها، شکست‌ها و فسق و فساد نظام است، با شروع مناظره‌ها، تخریب بیش از پیش حکومت را به دنبال خواهد داشت.

احمدی نژاد در دور دوم انتخابات سال ۸۸ زمینه‌ساز پا گرفتن جنبش سبز شد، و تظاهرات میلیونی مردم علیه او و علیه رهبر جمهوری اسلامی، از دشمنان دادن در کوچه‌ها تا سوختن عکس‌های رهبر در خیابان‌ها، بیش از هر زمان دیگری شائبه مشروعیت حکومت اسلامی ایران را زایل ساخت.

پارزگشت او به صحنه انتخابات این‌بار مجالی است برای شمار قابل از مردم که به جای قرار گرفتن در مقابل، پشت سر او و برابر حکومت صف کشیده و حتی به خیابان‌ها رفته و گزینه‌های قراردادی نظام (روحانی - ریسی) را نفی کنند: استفاده ابزاری مشابهی که مردم از هاشمی رفسنجانی در دو برهه مختلف کردند و به نوبت، او را از عرش به فرش و از فرش به عرش کشیدند.

پدیده‌ای به نام محمود احمدی نژاد نظام را یک تنه به زیر می‌کشد؟



نام خانوادگی توسط پدرشان صورت گرفته که نام کوچک او احمد بود. در صورت وجود سابقه رنگری در خانواده، و داشتن نام سبورچیان که خاص یهودیان است، سابقه باید به دو یا سه نسل پیش از پدر او برگردد، زیرا پدر احمدی نژاد به آهنگری گذشته‌ی احمدی نژاد خاکستری

بود. جهش احمدی نژاد از شهرداری تهران تا منصب رییس جمهوری همه را غافلگیر ساخت، بخصوص موفقیت او در دور دوم، هاشمی رفسنجانی، یکی از اسطوره‌های حکومت را پشت سر گذاشت.

پیشین خود عمل کرده بود، و احمدی نژاد که ثبت نام او با ابراز مخالفت تند اصولگرایان نیز روبرو شده، اینک انتخابات را نه دو قطبی که چند قطبی ساخته است. نگاه اصلاح‌طلبان و عمل‌گرایان به موضوع ثبت نام احمدی نژاد همان

احمدی نژاد که هم آمیزه‌ای است از مجموع زیرشاخه‌های دیگر اهل امت معدل آنها، با لعاب پوپولیستی خاص خود، نوبر «بهار» را به خطوط جدایی امت اضافه کرده است. در زمان خمینی او با لهجه خاص خود اغلب از «کلمه واحده» و



متقاضی نامزدی انتخابات ریاست جمهوری ۹۶



متقاضی نامزدی انتخابات ریاست جمهوری ۹۶

اشغال داشت و سبورچی نبود. احمدی نژاد در منصب رییس جمهوری متفاوت با تمام رییس دولت‌های اسلامی پیشتر از خود عمل کرد و برای مدتی خارج از ایران به مراتب شناخته شده‌تر از علی خامنه‌ای شد.

احمدی نژاد به دفعات موقعیت علی خامنه‌ای را نادیده گرفت، و حتی از راه خانه‌نشینی ۱۱ روزه و یا اصرار در محدود کردن و تغییر وزرای دست‌نشانده علی خامنه‌ای در وزارت اطلاعات و کشور... قدرت او را بدون پرداختن هزینه‌ای چشمگیر به چالش کشید.

احمدی نژاد بر این باور است که از نقطه‌ای ناشناخته حمایت می‌شود. او می‌داند، قدرت خامنه‌ای شبیه قدرت ببر کاغذی است، و به عقب راندن او دشوار نیست. وضعیت سلامت خامنه‌ای و تشدید چنددستگی‌های

است و بیشتر اطلاعات موجود پیرامون وی متکی به داده‌های خاص خود او است هر چند با رسیدن به منصب رییس جمهوری علاقه‌های داخلی و خارجی در مورد او زیاد شد. در صفحه آخر شناسنامه احمدی نژاد «توضیحات» قید شده که حاکی از تغییر نام خانوادگی وی بعد از انقلاب است. در مقاله‌های متعدد از جمله نوشته‌های از رابرت تیت در روزنامه انگلیسی‌زبان گاردین گفته شده نام خانوادگی او «سبورچیان» بوده که دارای ریشه یهودی است و سبورچی یعنی رنگرز که سبور را، که شال یهودی است، رنگ می‌کند.

داوود، برادر محمود، ظاهراً با تفسیر و برگردان معنی سبورچی، مدعی شد نام فامیل آنها «صباغیان» بوده که معنی آن هم رنگری است، و انتخاب «احمدی نژاد» به عنوان

میزان انتقادی است که نگاه و نظر اصول‌گرایان. از این جهت با آمدن احمدی نژاد دست کم تا اعلام اسامی نهایی نامزدها، انتخابات اردیبهشت ماه دست کم سه قطبی خواهد بود، بدون قابل پیش‌بینی بودن موفقیت هر یک از آنها.

احمدی نژاد چرا آمد؟

احمدی نژاد در روستای آرادان - گرمسار در خانواده‌ای کارگری متولد شد، در تهران درس خواند و سه سال پیش از انقلاب برای تحصیل به دانشگاه علم و صنعت رفت.

او فاصله حرکت از نامرسانگی در وزارت خارجه جمهوری اسلامی (پیک مخصوص) تا فرمانداری اردبیل را در چند سال طی کرد. فاصله زمانی رسیدن وی از فرمانداری اردبیل (اردبیل بعداً استان شد) به شهرداری تهران از مرحله نخست هم کمتر

«وحدت کلمه» یاد می‌کرد، در حالی که همسویی کارگزاران حکومت و دولت در آن روزها نیز ظاهری بود و حفظ آن از ترس خمینی. آنچه آن روز هم در بین نبود وحدت کلمه بود. امروز ترس جامعه ریخته است و علی خامنه‌ای خوب می‌داند که نعلین‌های خمینی فراخ‌تر از پای او است. بیشتر و بهتر از همه این موضوع را فردی درک کرده که به مدت هشت سال، هم بنا بر تعریف قانون اساسی حکومت و هم به نسبت حدود قدرت دیگر عوامل نظام، بعد از «رهبری»، مهم‌ترین و با نفوذترین منصب حکومت را در اختیار داشته.

به عنوان صاحب اختیار اسمی حکومت، علی خامنه‌ای با به میدان آوردن ابراهیم ریسی و قرار دادن او مقابل حسن روحانی، عملاً انتخابات را دو قطبی ساخته و خلاف گفته

رضا تقی‌زاده - سیرک ثبت نام نامزدهای انتخاباتی جمهوری اسلامی که در آن از کفن‌پوش پیر تا زیباروی جوان، دولوهای خندان و آبی‌پوش عبوسی در لباس کارگران، و دهه‌ها نمونه شگفت‌انگیز دیگر دیده شد، روز دوم گشایش، شاهد ورود پدیده‌ای بود که به تنهایی قادر است گرمی بازی را در حد سوختن صحنه، بالا ببرد.

محمد منتظری سمت راست معمر قذافی رهبر وقت لیبی ایستاده است از زمان مرگ محمد، فرزند حسینی منتظری، ملقب به «رینگو» - فردی که ارسال ۱۶ میلیون دلار کمک‌های مالی پیش از انقلاب معمر قذافی برای خمینی از طریق او صورت گرفت، و یک سال پس از به قدرت رسیدن انقلاب، فرودگاه مهرآباد تهران را اشغال نظامی کرد تا افراد مسلح خود را به جنگ اسرائیل ببرد، محمود احمدی نژاد با فاصله زیاد، غیر قابل پیش‌بینی‌ترین چهره‌ای است که حکومت اسلامی ایران به خود دیده است.

اعلام داوطلبی محمود احمدی نژاد برای رسیدن به منصب ریاست دولت اسلامی برای سومین بار، تحولی است که ناظران اوضاع داخلی ایران آن را انتظار نمی‌کشیدند.

بزرگترین مانع راه محمود احمدی نژاد برای یافتن بخت رقابت با دیگر نامزدهای دستچین شده شورای نگهبان نظام، علی خامنه‌ای است که زمانی او را به‌هاشمی‌رفسنجانی ترجیح داده بود.

خامنه‌ای بعد از آغاز سفرهای استانی سال گذشته احمدی نژاد که به روشنی انگیزه انتخاباتی داشت، او را از داخل شدن در بازی پرهیز داد. حمید بقایی و محمود احمدی نژاد علی خامنه‌ای روز دوشنبه بیست

و پنج مهر سال گذشته ضمن درس خارج خود در اشاره به موضوع احتمال نامزدی احمدی نژاد در انتخابات دور دوازدهم رییس جمهوری اسلامی گفت: «خب بله، یک نفری، یک آقایی آمده پیش من، من هم به ملاحظه صلاح حال خود آن شخص و صلاح حال کشور به ایشان گفتم که شما در فلان قضیه شرکت نکنید. گفتیم صلاح نمی‌دانیم ما شما شرکت کنید. گفتیم... این دو قطبی در کشور ایجاد می‌شود. دو قطبی در کشور مضر است به حال کشور... خب حالا یکی بگوید فلانی چرا پشت بلندگو نگفته؟ خب حالا این هم پشت بلندگو... می‌دانم شما اگر وارد این مقوله شدی به ضررت است. به ضرر کشور هم هست. به شما می‌گویم وارد نشو. من صلاح نمی‌دانم.»

تنها استدلال خامنه‌ای در توجیه پرهیز دادن احمدی نژاد از شرکت در انتخابات این بود که حضور او «در کشور دو قطبی ایجاد می‌کند»،

در حالی که توضیح روشنی در مورد مفهوم دو قطبی شدن کشور نداد. ایران کشوری است که در طول سی و هفت سال گذشته به دو قطب «ملت و امت» تقسیم شده. «ملت» بدون وسیله و نفوذ و داشتن کمترین سهمی در حکومت، بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم، چپ و راست، پادشاهی و جمهوری خواهی و ده‌ها زیرشاخه دیگر سرگردان است و هر چهار سال یک‌بار برای رای دادن به یکی از دو گزینه «بد و بدتر» به صف می‌شود.

با داشتن تعدادی بسیار کوچکتر از «ملت»، و در عین حال قبضه همه ارکان حکومت، «امت» به زیرشاخه‌هایی ناهمگن و گاهی معارض با هم تقسیم شده که از آنها به عنوان اصلاح‌طلبان، میانه‌روها، اصولگرایان، راست و چپ، نظامیان نام می‌برند.